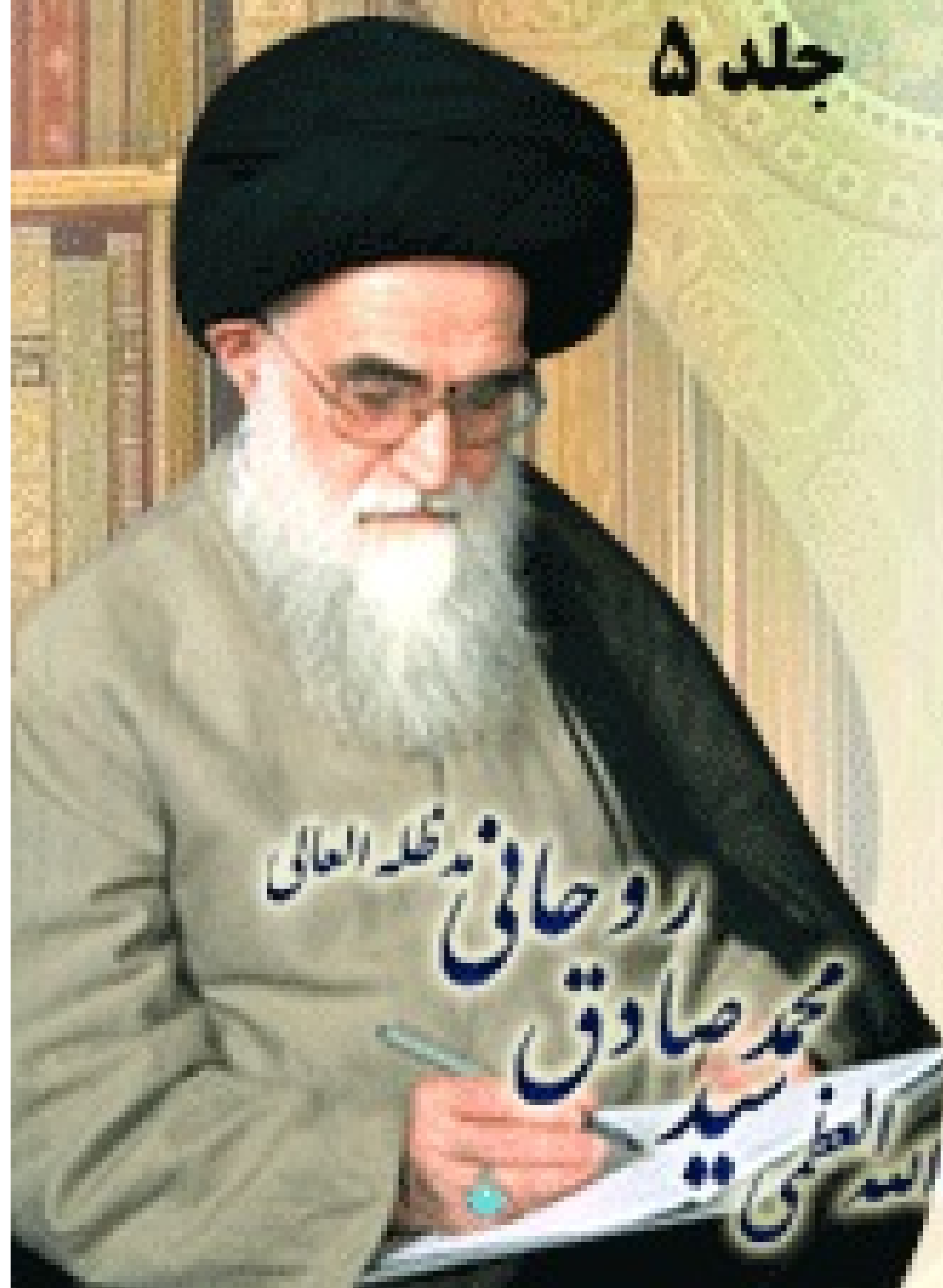
استفتائات

پرسش و پاسخ مسائل شرعی

جلد ۵



حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی مدظله العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید محمدصادق روحانی

نویسنده:

آیت الله سید محمد صادق روحانی

ناشر چاپی:

حدیث دل

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی جلد ۵ از:حضرت آیت الله العظمی سید محمد صادق روحانی (مدظله العالی)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : استفتائات پرسش و پاسخ مسائل شرعی/محمد صادق روحانی

مشخصات نشر : قم: مهر امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری : ج ۵

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد ششم

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۱۶۴۸۰

اجتهاد و تقلید

نگاهی کوتاه به آثار حضرت آیت الله العظمی روحانی ...۲۵۳

س۱ : در جایی که مرجع تقلید، حکم به احتیاط واجب داده اند و «فالاعلم» ایشان حکم به احتیاط مستحب داده اند; آیا می توان به نظر فالاعلم عمل کرد؟

بلی، چون احتیاط مستحب در جایی است که مجتهد فتوی می دهد، بنابراین در فرض سئوال می توان به فتوا عمل کرد و به احتیاط واجب عمل نکرد.

س۲ : بنده پس از جستجوی فراوان بین حضرتعالی و یکی دیگر از مراجع بزرگوار، نسبت به بحث اعلمیت مردد هستم. نظر ایشان لزوم تقلید از اعلم تشخیص داده شده در سن تمییز است و صرف درک مجتهد، در سن تمیز را کافی می دانند; و از طرفی ایشان در صورتی که وجود اعلم معلوم، ولی معین نباشد و یا اصولا وجود اعلم محتمل باشد و یا حجت شرعیه بر تساوی باشد، در صورت امکان احتیاط را لازم می دانند. با توجه به نظر حضرتعالی در این رابطه وظیفه من چیست و در صورتی که در این مسأله وظیفه احتیاط باشد، چگونه باید احتیاط کنم؟

۱ چنانچه در سن تمییز تشخیص داده اید که شخصی اعلم است، بعد از بلوغ باید از او تقلید کنید.

۲- چنانچه اعلم مردد بین دو یا چند نفر باشد و راهی برای تعیین و ترجیح نباشد، مخیرید بین تقلید از یکی از آنان و

اگر بخواهید احتیاط کنید، باید جمع بین فتاوی آنان در عمل بنمایید.

س۳ : آیا در زمانی که انسان در مورد یک مسأله خاص، با توجه به تحقیقاتی که در آیات و روایات انجام داده است، به قطعیت رسیده است و در آن حکم خاص، به دلایلی احساس می کند که از مرجع اش اعلم است، آیا رجوع ایشان به مرجع، صحیح است یا خیر؟ (به فرض اینکه واقعاً در مورد آن حکم از مرجع اش اعلم باشد)

چنانچه شما درس خوانده اید و به درجه اجتهاد ولو در بعضی از مسائل رسیده اید، باید در آن مسائل رجوع نکنید و اگر مجتهد نیستید، ممکن نیست بتوانید از آیات قرآن و روایات حکمی را به دست بیاورید که فقهاء نفهمیده اند.

س۴ : آیا می توان مرجع تقلید ثابتی نداشت و از مراجع مختلف تقلید نمود.

خیر، نمی شود.

س۵ : مرجع تقلید من آیت الله... می باشد، می توانم به خاطر حکمی مرجع تقلیدم را عوض کنم؟

اگر تقلیدتان از روی موازین شرعیه بوده است، به خاطر یک حکم که خلاف میل شما است، نمی توانید به مرجع دیگر رجوع کنید مگر اعلم بودن دیگری ثابت شود، که در آن صورت عدول جایز، بلکه واجب است.

س۶ : نظر شما درباره عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر چیست و چگونه می شود مقلد شما شوم. آیا مراحل خاصی دارد؟

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر جایز است، بلکه واجب به شرط این که یکی از علماء اهل خبره شهادت به اعلمیت آن مجتهد دیگر بدهند والاّ جایز نیست.

س۷ : بنده زمانی که به سن بلوغ رسیدم، در منزلمان رساله آیت الله... وجود

داشت و من هم گفتم که بنده مقلد ایشان هستم، ولی به خاطر ندارم که از فتوای ایشان استفاده کرده باشم. آیا ایشان مرجع بنده محسوب می شود یا خیر و آیا می توانم مرجع دیگری را انتخاب کنم؟

در مرجع، اعلم علماء بودن شرط می باشد و راه فهمیدن اعلمیت به سؤال از اهل خبره است; یعنی اهل خبره شهادت به اعلمیت او بدهند. بنابراین، ایشان مرجع شما نیستند و شما در زمره مقلدین ایشان محسوب نمی شوید.

س۸ : در چه مواردی می توان از مجتهدی به مجتهد دیگر عدول کرد؟

چنانچه مجتهدی اعلم از دیگری باشد یا نستجیر بالله بفهمید که مجتهدی که از او تقلید می کنید، عادل نیست.

(ت) س۹ : به نظر شما عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟

عمل به احتیاط در اکثر موارد، بهتر است البته تشخیص آن موارد برای غیرمجتهد مشکل است.

س۱۰ : شخصی بنابر احتیاط از چند مجتهد تقلید می کند اگر مجتهدین در حکمی، یک نظر واحد یا در حد واحد نداشته باشند، شخص مقلد، چگونه باید حکم صحیح تر را با توجه به آنکه همگی حکم ها صحیح می باشد، انتخاب کند؟

از چند مجتهد نمی شود تقلید کرد.

س۱۱ : اگر چند مجتهد در موضوعی، حکم به احتیاط واجب دادند، می توان آن حکم را عمل نکرد؟

به مجتهد دیگر غیر از آنها می توان مراجعه کرد.

س۱۲ : بنده می توانم بدون مشورت از کسی مرجع تقلیدم را انتخاب کنم؟

مرجع تقلید بدون شهادت اهل خبره و یا شهادت کسانی که مطلع نیستند، جایز نیست، چون شما باید از اعلم تقلید کنید و تشخیص اعلم بدون مراجعه به اهل خبره،

برای شما ممکن نیست، مگر آن که مجتهدی در بین مردم به اعلم بودن معروف باشد، بنحوی که شما اطمینان پیدا کنید خلاصه آنکه میزان، اطمینان وجدانی یا شرعی شما است به اعلمیت و عدالت او.

س۱۳ : دادن رساله توسط فردی - که اهل خبره و مورد اطمینان و عالم شناس نیست به یک جوان تازه به سن تکلیف رسیده که بدون تحقیق و بدون اینکه در مورد اعلمیت آن مرجع به یقین رسیده باشد، صحیح است و آیا تقلید او صحیح است؟

خیر، صحیح نیست. تقلید از کسی صحیح است که یا اهل خبره عادل، شهادت به اعلمیت او بدهد; یا انسان از شهرت بین متدینین به اعلمیت او اطمینان پیداکند. مجرد دادن رساله، آن هم توسط غیر اهل خبره، سبب جواز تقلید نمی شود.

س۱۴ : همه مراجع یکی از شروط تقلید را، تقلید از مرجع اعلم می دانند، در کنار این مسأله مشاهده می شود، ده ها مجتهد صاحب فتوی شده اند; به طوری که شاید تشخیص اعلم و غیر اعلم بر اهل علم نیز مشکل است، چه برسد به عامه مردم. از طرف دیگر هر روز شاهد حملات همه جانبه و گوناگون دشمنان اسلام - خصوصاً اهل بیت(علیهم السلام) به مکتب تشیع هستیم و یکی از راه های مقابله با این مسأله وحدت و یکپارچگی قول و فعل مراجع و شیعیان است; به طوری که اگر برای هر مسأله ای یک رأی و نظربود، نفوذ کلام و قدرت اجرایی آن به مراتب بیشتر از چندین قول می بود. آیا در جهت تقویت مکتب تشیع و برای مقابله با دشمنان بهتر این

نبود که مراجع جامع الشرایط از میان خود، کسی را که واجد کلیه شرایط لازم وکافی است، به عنوان تنها مجتهد اعلم انتخاب و به جهان تشیع معرفی نماینـد و خود نیز در مسائلی که حادث می شود، از او تبعیت نماینـد؟ حسن این کار این است که همه مراجع، اعلم بین خود را میشناسـند. مانند اینکه اگر یک کلاس همه دانش آموزان، شاگرد اول را بشناسند برای حل مشکلات درسـی خود به او رجوع می کننـد. تصور این است که این مسأله درمورد مراجع صاحب صـلاحیت نیز صـدق کنـد و آنها هم اعلم بین خود را می شناسند و در مورد انتخاب و معرفی وی تنها باید اتفاق نظر داشته باشند.

به هر حـال تصور این است که قـدرت جهان تشیع و مرجعیت شـیعه با وجود یک حکم و فتوی که مورد تأییـد همه مراجع نیز می باشـد، بیش از پیش افزایش می یابـد و مؤمنین نیز نقطه اتکای محکمی پیدا می کنند. خواهشـمند است، نظرات خود را در خصوص این مطلب بیان فرمایید.

اولا ـ در مسائـل سیاسـی و اجتماعی میان مراجع اختلافی نیست و اگر در موضوع خاصـی مجتهـدی حکم دهـد (نه فتوی) برای دیگران متابعت

لازم است.

و ثانیاً اختلاف میان مراجع ناشـی از کیفیت استفاده از ادله شرعیه است و بر هیچ مجتهدی جایز نیست برخلاف آنچه می فهمد فتوی دهـد، بلکه از امتیازات تشـیع آن است که راه اسـتنباط باز است و در مسائل جدیدی که در عالم پیدا می شود می توانند فتوی بدهند. در آخر توضیح المسائل مسائل جدیدی نوشته شده است که می توانید استفاده کنید.

س۱۵ : الف: اگر کسی از

مجتهدی تقلید نکند و نسبت به تقلید بی تفاوت باشد و نماز و روزه و سایر احکام را انجام داده باشد. آیا او گناه کار است و آیا عبادات او قبول است؟

ب: اگر شخصی بدون تقلید و اجازه از مرجعی اقدام به پرداخت خمس به مستمندان نماید; آیا این کار او پذیرفته است؟ لطفا به طور مشروح حکم چنین افرادی را بیان فرمایید.

الف: عمل انسان باید یا از روی اجتهاد باشد، یا احتیاط، یا تقلید. قهراً اگر به یکی از سه طریق نباشد، عمل او باطل است، البته در مسائل اختلافی و چنانچه مدتی بدون تقلید و اجتهاد و رعایت احتیاط عمل نمود، بعداً ملاحظه کرد که عملش موافق با فتوای مجتهد اعلم بوده است یا در همان زمان عمل فهمید که بر طبق فتوای اوست، عمل صحیح است و اشکال ندارد.

ب: و اما در مورد خمس دادن که نیمی از آن «سهم سادات» است، بدون اجازه مجتهد اشکال ندارد و اما نصف دیگر آن که «سهم مبارک امام(علیه السلام)» است، باید با اجازه مجتهد باشد، و به نظر ما، اجازه بعدی هم کفایت می کند; البته در صورتی که در موردی مصرف شده باشد که موافق فتوای مرجع او می باشد و الا کافی نیست.

س۱۶ : منظور از فتوای «جایز نیست» چیست و آیا معنای آن این است که اگر آن فعل را انجام دهیم، مرتکب گناه شده ایم، یا اینکه بهتر است آن فعل را انجام ندهیم؟

بله، جایز نیست به معنای حرام است و ارتکاب آن گناه است، می باشد.

س۱۷ : حضرتعالی در مسأله شماره ۱۷۳۲ توضیح المسائل (چاپ ۱۵، تابستان ۷۹) بیان

فرمودید که اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که تقلید او را نمی کند، باید به حکم او عمل نماید، ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده، نمی تواند به حکم او عمل نماید. حال اگر من مقلد حضرتعالی باشم آیا باید از حاکم شرع تبعیت نمایم؟ اصولاـ می توان حاکم شرع را در این خصوص صاحب صلاحیت دانست؟ اگر طبق این مسأله بخواهم از حاکم شرع تبعیت کنم، از کجا یقین حاصل نمایم که وی اشتباه نکرده است؟ خلاصه مطلب اینکه در این مساله تصور این است که تناقضی در تقلید از مجتهد جامع الشرایط و غیره دیده می شود. لطفا راهنمایی فرمایید.

حکم غیر از فتوی است، فتوی در احکام کلیه شرعیه است، اما حکم در موضوعات خارجیه، مانند ثبوت هلال. در فتوی باید از اعلم تقلید نمود و در حکم حاکم باید مجتهد باشد ولو غیر اعلم باشد. و مراد از مجتهد جامع الشرایط مجتهد عادل است. بنابراین تناقضی وجود ندارد.

س۱۸ : من در پی شناخت مرجع اعلم می باشم، اگر ممکن است نظر خود را با ذکر دلیل برای من بفرمایید.

کسی که تقلید اعلم را لازم می داند و رساله می نویسد، لابد خودش را اعلم می داند، ولی از او نپرسید که چه کسی اعلم است.

س۱۹ : آیا مکلف شیوه رسیدن به احکام اسلام را باید خود انتخاب کند، یا باید به روشی که در رساله های عملیه آمده (در تمامی احکام یا تقلید یا احتیاط) عمل کند (البته به فرض اینکه مجتهد نباشد)؟ شاید مکلف به این نتیجه برسد که درست نیست فقط

از یک مجتهد تقلید کند، بلکه بهتر است مجموع آرا را بررسی کند و سپس اگر به نتیجه مشخصی رسید، به آن عمل کند; در غیر این صورت خودش نیز در منابع موجود تحقیق کند و پاسخ درست را بیابد. مثلاـ من در موردی خاص با تحقیق در متون فقهی و منابع استخراج احکام به نتیجه ای خلاف نظر مجتهدین می رسم. آیا در این مورد خاص مجازم به نتیجه تحقیق خودم عمل کنم؟ به طور کلی این نظر که مکلف تقلید کردنش هم بر اساس تقلید از مجتهدی باشد، چندان با عقل سازگاری ندارد، بلکه باید بر اساس اجتهاد شخصی نحوه رسیدن به احکام اسلام را بیابد (یعنی مثلا خودش با ادله شخصی به این نتیجه برسد که باید در تمامی احکام از مجتهد اعلم تقلید کند، نه اینکه چون در تمام رساله ها آمده باید تقلید کند).

رجوع به مجتهد از اموری است که همه عقلاء عالم آن را قبول دارند. آیا به فکر شخص شما خطور می کند که چنانچه مریض شوید یا مریضی دارید که حال او وخیم است، به دکتر مراجعه نکنید؟! خلاصه احکام شرعیه از جانب خدای تعالی بر پیغمبر(صلی الله علیه وآله) نازل و بهوسیله ائمه اطهار(علیهم السلام) بیان شده است. با توجه به موانعی که در راه رسیدن آن احکام به ما پیدا شده، استفاده از احکام احتیاج به یک سلسله علوم و تتبع دارد، تا بتوان حکمی را استخراج نمود. به خصوص روایات متعدده وارد شده است که «دین الله لایصاب بالعقول و ان السنته اذا قیست محق الدین». به هر حال مکلف در عمل به احکام

و کسب سعادت اخروی سه راه دارد: اجتهاد که کار بسیار مشکلی است تقلید و احتیاط.

س۲۰ : همان گونه که در بحث تقلید همه مراجع اعلام کرده اند، رجوع به اعلم واجب است در این رابطه چند سؤال داشتم:

۱. چرا خود مراجع حاضر، با شناختی که از هم دارند، یکی را به عنوان اعلم معرفی نمی کنند؟

چون امر اعلمیت از امور حسیه نیست و حدسی است و با این همه مسائل فقهیه اختلاف در این امر زیاد پیدا می شود.

۲. در اطراف هر مرجعی افراد صالح و شایسته ای پیدا می شوند، که شهادت می دهند مرجع مورد نظر آنها اعلم است. در این صورت اعلم چگونه مشخص می شود؟

میزان، شهادت اهل علم و فقاهت است و شاهد باید عادل و ثقه هم باشد، تا شهادتش قبول شود.

۳. چرا بعضی از مراجع همدیگر را قبول ندارند؟

چون علومشان نظری است نه حسی، قهراً اختلاف نظر پیدا می شود.

۴. رهبر واجب الاطاعه است یا مرجع؟ (در صورت بروز اختلاف در حکم یا فتوا).

در امور غیرشرعیه هیچ کدام، و اما در احکام شرعیه چون تقلید اعلم لازم است، پس فتوای مرجع اعلم مقدم و لازم الاجراء است.

۵. فرق مجتهد با مرجع چیست؟

مرجع باید اعلم باشد و مجتهد بودن برای مرجعیت کافی نیست.

س۲۱ : چرا شما زنان را برای مرجع تقلید بودن توانا نمی بینید؟ در حالی که بسیاری از زنان در عصر ائمه دارای اجازه مرجعیت بودند؟

زنان در زمان ائمه(علیهم السلام) راوی بودندو قطعاً مرجع نبودند چون زمان معصومین(علیهم السلام) مرجع خود معصوم است وکسی دیگر نیست. اما جایز نبودن مرجعیت بواسطه روایاتی است که

در باب قضاوت و جاهای دیگر آمده است.

س۲۲ : نظر حضرتعالی در مورد ولی فقیه چیست؟ آیا ولی فقیه همان مرجع تقلید است؟

ولایت معانی متعدده دارد و هیچ کدام آنها مختص به مرجع تقلید نیست. بعضی معانی ولایت مختص به معصوم است وکس دیگری دارای آن نیست و آنچه برای مجتهدین ثابت است، اختصاص به شخص ندارد بلکه همه آنان دارای آن می باشند، مگر حکومت و رهبری.

س۲۳ : بطور کلی فردی که می خواهد تقلید و یا احتیاط نماید، در احکام مربوط به تقلید یا احتیاط (به طور مثال در احکام مربوط به شناختن اعلم یا در مسأله تقلید از اعلم یا در شیوه احتیاط) چگونه باید عمل کند؟

در شناخت اعلم، به اهل خبره رجوع کنید. احتیاط معنایش این است که عمل را باتمام محتملات آن به جا آورد. اما در تقلید از اعلم به بناء عقلاء رجوع کنید. مثلا اگر از شما سؤال شود در صورتی که یکی از نزدیکان شما که خیلی به او علاقه دارید - بیماری خطرناکی گرفته است و برای مداوای او دو پزشک هستند که یکی از دیگری ماهرتر است، برای مداوای مریضتان به کدام یک مراجعه می کنید؟ قهراً ارتکاز به ماهرتر، همین ارتکاز دلیل لزوم تقلید از اعلم است.

س۲۴ : آیا اینجانب می توانم مرجع تقلید خود را عوض کنم؟

اگر تقلیدتان صحیح بوده و بر طبق موازین شرعیه انجام شده است و بعد بفهمید که دیگری اعلم است یا نستجیر بالله آن مرجع اولی عادل نیست، باید عدول کنید و اگر تقلیدتان صحیح نبوده، باید از اهل خبره سئوال کنید و با نظر آنها مرجع

خود را تعیین کنید. به هر حال با میل شما نیست که هر وقت اراده کردید، مرجع را عوض کنید.

س۲۵ : دلیل اینکه مشهور شده باید از یک مرجع، تقلید کرد و انسان نمی تواند مثلا از چند مرجع تقلید نماید چیست؟

بحثی علمی است که در این مختصر نمی گنجد، ولی حرفی است منطقی و صحیح که بدون رعایت آن اعمال صحیح نیست.

س۲۶ : با توجه به اینکه ارتباط مستقیم با بعضی از مراجع، بسیار سخت و حتی امکان ناپذیر است و مسائل شرعی را به طور مستقیم نمی توانیم از آیات عظام دریافت کنیم و حتی ورود به سایت آنها مشکل است، می خواستم بدانم که مرجع خود را چگونه می توان تغییر داد; تا راحت تر مسائل و مشکلاتمان را در میان بگذاریم؟

در موقع اختیار مرجع، باید با قول اهل خبره تشخیص داده باشید که این مرجع از همه مراجع دیگر بالاتر و اعلم و عادل است. در غیر این صورت به دیگری می توانید رجوع کنید. همچنین اگر ابتدا با توجه به موازین شرعی از مجتهدی تقلید نموده اید، ولی حال اهل خبره کسی دیگر را اعلم معرفی می کنند، باید عدول به او نمایید.

س۲۷ : بنده مقلد.... می باشم. آیا از لحاظ شرعی صحیح و ممکن است که بنده مرجع خود را از ایشان به شما تغییر دهم؟ به علت اینکه ایشان اذن پدر برای عقد موقت باکره را لازم و شما لازم ندانسته اید. اگر امکان دارد، با چه شرایطی ممکن است؟ آیا بر من لازم است از خود ایشان هم سوال کنم یا خیر؟ در چه صورتی می توانم

فقط در این مورد از شما و در بقیه موارد از ایشان تقلید کنم؟ (با توجه به اینکه ایشان اذن پدر را لازم دانسته اند، نه احتیاط).

در دو صورت می توانید از تقلید مرجعی به مرجع دیگر رجوع کنید: ۱. تقلید از آن مرجع طبق موازین شرعیه نباشد و اعلمیت او را تشخیص نداده باشید. ۲. با شهادت اهل خبره مرجع دومی را اعلم بدانید در غیر این دو صورت رجوع جایز نیست، مگر آنکه آن مرجع اول، فتوای به احتیاط لزومی دهد و دومی فتوای به جواز بدهد.

س۲۸ : اگر کاری را مرجع تقلید من، حرام بداند و همچنین تعدادی از مراجع دیگر، آن را حرام و تعدادی آن را حرام نمی دانند. آیا من می توانم از احتیاط واجب استفاده کنم واز مرجع تقلید دیگری که آن را حرام نکرده پیروی کنم؟

اگر تقلید شما براساس موازین شرعیه بوده; یعنی به شهادت اهل خبره عادل که اعلمیت او ثابت شده است و آن مرجع فتوی به حرمت داده است، نمی توانید رجوع به دیگری بنمایید، و اگر فتوی نداده است احتیاط لزومی نموده است درخصوص آن مسأله می توانید به مجتهد دیگری رجوع کنید.

س۲۹ : در بین علما و جوامع اسلامی مرسوم است که از زنان مجتهده تقلید نمی شود و از سویی قول مشهور علما و آنچه در دستورات دینی آمده در مرحله اول وجوب کسب علم بر مسلمین است، به نحوی که به درجه ای از علم برسند، تاخود احکام دینی را به دست آورند; و در صورت عدم توانایی در استنتاجات دینی، واجب است از مجتهد اعلم تقلید کنند.

و قید «مرد

اعلم» متفق القول نیست. با توجه به شرط اعلمیت برای مرجعیت تقلید.

خواهشمند است به سوالات ذیل پاسخ دهید:

۱. آیا از نظر شما رجلیت (مرد بودن) از شروط مرجعیت است؟ مبنای محکم فقهی و قرآنی آن چیست؟

به چند جهت مرد بودن مرجع تقلید شرط است:

۱. برای اصل جواز تقلید از زنان مجتهده باید دلیل اقامه کرد; وگرنه مقتضی اصل، عدم جواز است و آیات کریمه نهی از آن نموده. (به سوره مائده آیه ۵; و سوره بقره آیه ۱۷۰ رجوع نمایید) و در خصوص تقلید در احکام شرعیه، آیاتی دلالت بر جواز آن از مرد می کند، مانند: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون و فلو لا نفر من کل فرقه طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون».

۲. در عده ای از روایات تقلید از مرد، جایز دانسته شده است، مانند اخباری که مشتمل است بر رجوع به اشخاص معین، مانند «یونس بن عبد الرحمن، زکریا بن آدم، یونس مولی آل یقطین، عمری و پسرش». و ارجاع به روات احادیث. (وسائل الشیعه) باب «من ابواب صفات القاضی» حدیث ۳۵ - ۳۳ - ۲۷ - ۹ - ۴ - و اخباری که صریحاً امر به افتاء مردها شده است; مثل قوله(علیه السلام)لابان بن تغلب «اجلس فی مسجد (مسجد المدینه) و افت الناس فانی احب ان یری فی شیعتی مثلک»، و قوله(علیه السلام)لمعاذ بن مسلم; بعد قوله انی افتی الناس العارفین بمودتکم بما جاء عنکم (اصنع کذا فانی کذا اصنع) و اخباری که از فتوای به مثل قیاس و استحسان نهی می کند. این گونه اخبار بر جواز تقلید از مرد دلالت

دارد و در زن روایتی نیست.

۳. روایاتی که درآن حکم به ارجاع به مرد داده شـده است، مانند دو خبر معتبر ابی خدیجه. در یکی این عبارت است: «اجعلوا بینکم رجلا قد عرف حلالنا و حرامنا» و در دیگری فرموده است: «ولکن انظروا الی رجل منکم یعلم شیئا من قضایانا».

۴. روایـاتی که نهی از تصـدی زنـان برای حکم کردن میـان مردم شـده است مثل خبر عبـدالرحمن بن کثیر از امام صادق(علیه السـلام)، «قال فی رساله امیرالمؤمنین(علیه السـلام)الی الحسن(علیه السـلام) لا تملک المرئه من الامر ما یجاوز نفسها فان ذلک انعم لحالهـا و ارجی لبالهـا و ادوم لجمالهـا فان المرئه ریحانه و لیست بقهرمانه». (مسـتدرک الوسائل، باب ۲ «من ابواب صفات القاضی»، حدیث ۱)

و خبر ابن عباس از نبی اکرم(صـلی الله علیه وآله)، «لو خلقت حواء من کله لجاز القضاء فی النساء کما جاز فی الرجال». (همان مدرک سابق) این روایت به دلیل اولویت بر عدم جواز تقلید از زن دلالت دارد.

و ما روی عن النبی(صلی الله علیه وآله)، «لا یفلح قوم ولتهم امرئه». (وسائل باب ۲ من ابواب صفات القاضی حدیث ۱)

۵. روایات زیادی که باید به کتب حدیث، مانند: وسائل، مستدرک، ابواب مقدمات نکاح و ابواب عقد نکاح مراجعه فرمایید.

۲. در صورت اعلمیت خانمی در میان علمای اسـلامی آیا عقلانی و شـرعی است از مردی که کمتر از آن خانم مجتهـده اعلم، دانایی دارد و کمتر از وی حکم خدا را می داند تقلید شود؟ دلیل شرعی و عقلی آن چیست؟

اگر اصل جواز تقلید، مورد عدم قبول شارع باشد که از جواب سؤال قبل ظاهر می شود، موردی برای این سؤال نیست.

۳. به چه

دلیـل جنسـیت از نظر برخی، ملاـک مرجعیت است و در برخی احکـام شـرعیه مشترک، مثل شـهادت و دیات، ملاک و محور واقع شده است؟

دلیل عـدم جواز تقلیـد از زن، در جواب سؤال اول به آن اشاره شد. و اما در شـهادت و دیات، ادله خاصه وارد شده که ما همه آنها را در کتاب «فقه الصادق» بیان نموده ایم.

س ۳۰ : اعلمیت حضـرتعالی از طریق شـهادت عدلین از اهل خبره، برای حقیر محرز گردیده است؛ حال از حضرتعالی به عنوان یکی از اهـل خـبره (که خـبره بودنتـان در حـد اعلی است) نه به عنوان مرجع تقلیـد سوال می کنم که: اعلم درنظر حضـرتعالی کیست، تا در احتیاطات وجوبی شما به ایشان رجوع کنم؟ لطفاً نام ببرید.

این سوال را مکرراً از بنده پرسـیده اند و عده ای به طریقی دیگر سوال نموده اند و آن اینکه بعد از شـما، ما از چه کسـی تقلید کنیم؟ و چون مجرد اعلمیت کافی نیست، نه تنها عدالت هم شـرط است بلکه مرتبه عالیه عدالت در مرجع نیز شرط می باشد و تشـخیص آن احتیـاج به ارتباطـات دارد؛ به علاـوه مجرد اهـل خبره بودن، کـافی نیست. چون مراتب علمی افراد با نوشـته ها و بحث های مجلسی فهمیده می شود. بنابراین در تعیین اعلم بعد از خودم، معذورم.

س ۳۱ : آیا مرجع تقلید، می تواند دیگران را از تقلید خود محروم کند؟ به عنوان مثال بگوید: چون عقاید شـما را نمی پسـندم، پس در فقه هم از من تقلید نکن و تقلید شما پذیرفته نیست.

خیر، چنین حقی ندارد و اگر بگوید گفته او بی اثر است.

س ۳۲ : می خواستم بدانم علت اینکه

مراجع - بـا اینکه در یک کشور زنـد گی می کننـد - نظریات مختلفی، در مورد یک موضوع خاص دارنـد، چیست؟ آیا اظهار برخی از این نظریه ها به دلایل حکومتی یا برای نفی یک حزب نیست؟ وظیفه ما چیست؟

اختلاـف بین فقهـا،ماننـد اختلاـف بین عالمـان فنـون دیگر، (حـتی طب) است؛ چـون فتـوا متوقف بر مراجعه به ادله است، که مختلف است، از این رو گفته انـد که اگر اختلاف در فتوی باشـد بایـد از یک مجتهـد تقلید کرد. و اگر اختلاف نباشد و همه یک فتوی داشته باشند، تقلید از افراد مختلف

منعی ندارد.

س۳۳ : می خواسـتم بدانم که آیا وقتی یک مرجع تقلید، نظر خود را در مورد حکم ثانوی اظهار می کند، آیا شـخص مسلمان در صورتی که از لحاظ فکری وعقلی مجاب نشده باشد، می تواند، علت نهی یا عدم نهی آن حکم را بپرسد یا خیر؟

حکم ثانوی دو قسم است: یک قسم حکمی است که بواسطه انطباق عنوان ثانوی است، مانند اکل نجس در صورت اضطرار یا اکراه، که این قسم مانند بقیه احکام است و با فکر و عقل غیرمجتهد فهمیده نمی شود. قسم دوم حکمی است که بواسـطه امور دنیوی - سیاسی یا غیرسیاسی - گفته می شود و در این احکام اعمال نظر مقلد خوب است و اشکال ندارد.

س۳۴ : با توجه به اینکه در این زمان، تعدد مراجع وجود دارد و هر کسـی شخصی را اعلم می داند و حقیر با تحقیق زیاد هنوز به نتیجه قطعی نرسیده ام، چگونه می توان مرجع اعلم را تشخیص داد و چگونه می توان مطمئن شد که این مرجع احکامش را

از چشمه زلال حضرت مهدی(علیه السلام) می گیرد؟

تشخیص اعلم با شهادت اهل خبره معلوم می شود و اگر اهل خبره اختلاف داشتند، شما هر کدام را خواستید می توانید اختیار کنید. حضرت مهدی(علیه السلام)می فرمایند: «من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا علی هواه مطیعا لامرالله فللعوام ان یقلدوه».

س۳۵ : نظر حضرتعالی در مورد علمای اخباری که منبع صدور فتاوای خود را تنها قرآن و احادیث صحیح و قطعی قرار داده اند، چیست؟ آیا شما قائل به این هستید که برای صدور فتوا، اجماع و عقل نیز دخیل است؟ اگر ممکن است دلایل خود را در قبول یا رد این موضوع بیان بفرمایید.

اولاـ اخباریهائی که عقیده آنها درست است، نگفته اند منبع استخراج احکام خصوص قرآن و احادیث قطعیه است. شما به کتاب «حدائق» مراجعه کنید، صاحب «الحدائق» به اخبار غیرقطعیه چقدر استدلال می نماید.

ثانیا ما هر حکم عقلی ای را مدرک قرار نمی دهیم. و دربسیاری از روایات معتبره آمده است که «دین الله لایصاب بالعقول».

س۳۶ : شخصی از مرجعی تقلید می کند، اما می خواهد در بعضی از احکام از مرجع دیگری تقلید کند; آیا ممکن است؟

چنانچه تقلیدش از روی ملاک شرعی بوده است، رجوع به دیگری به هیچ وجه جایز نیست، مگر در موردی که مرجع اش در حکم خاصی احتیاط لزومی نموده باشد.

س۳۷ : برای کسی مثل من که با امکانات محدود در شهرستان است چه راهی برای احراز اعلمیت مجتهدی وجود دارد؟ چون بنده سخت برای انتخاب مرجع تقلیدم بر سر دوراهی قرار گرفته ام.

شما با تلفن یا فاکس از اهل خبره سئوال کنید و مرجع خود را

تعیین کنید. این کاری بسیار آسان است و می توانید به کسی که اطمینان دارید وکالت بدهید که اواز اهل خبره سئوال کند.

س۳۸ : اینجانب از مرجع دیگری تقلید می نمایم; حال اگر در بعضی از استفتائات شما تقلید نمایم، اشکال ندارد؟

در مسائلی که مرجع تان فتوی بخلاف فتوای من بدهـد، جایز نیست. البته مشروط به آنکه تقلیـد از آن مرجع از روی موازین شرعیه باشد و اگر فتوی نمی دهد، بلکه احتیاط می کند، می توانید در آن مسائل از من تقلید نمایید.

س۳۹ : ۱. اگر مرجع تقلید کسی فوت کند می توان از مرجع تقلید دیگر تقلید کرد؟

۲. اگر مرجع تقلید خود را تغییر دهم و بعد از مدتی اگر بخواهم دوباره به همان اولی باز گردم، آیا درست است؟

۱. مرجع تقلیـد اگر فوت شود، بایـد به مرجع تقلیـد دیگری رجوع نمود و بایـد برای مقلد بواسطه مراجعه به اهل الخبره، ثابت شود که آن دومی از بقیه علماء اعلم است.

۲. عدول از مرجع و برگشتن دوباره به اولی به اختیار شما نیست و شما حق چنین کاری را ندارید.

س۴۰ : آیادر بعضـی امور می شود از چنـد مجتهـد تقلید کرد، مثلا در بحث ازدواج با زانی از یک مرجع ودر بحث ازدواج با دختر باکره از مرجع دیگر. ایا این کار اشکال شرعی دارد؟

چـون اعلمیت مرجع شـرط است، از چنـد مجتهـد نمی شـود تقلیـد نمـود. مگر آنکه مراجـع در مقامـات علمیه مسـاوی باشـند خصوصاً یکی از آنها در یک مسأله اعلم باشد و دیگری در مسأله دیگری، که در این صورت تبعیض در تقلید جایز است.

س۴۱ : احتیاط واجب چیست و ترک

آن چه حکمی دارد، و اگر صیغه غیردائم را بدون اذن پدر بخوانیم، صیغه صحیح است یا نه؟

احتیاط واجب یعنی مجتهد از ادله، حکم این مورد را نتواند به دست بیاورد، در این موقع مقلد یا باید به مجتهد دیگری مراجعه کند یا آنکه به احتیاط عمل کند. ظاهراً مسأله مورد نظر شما، صیغه غیر دائم است که مرجع تان احتیاط نموده که اذن پدر شرط است. اگر همین است شما در این مورد می توانید به بنده رجوع کنید که اذن پدر را شرط نمی دانم و عقد بدون اذن پدر را صحیح می دانم.

س۴۲ : در مسائلی که مرجع تقلید احتیاط واجب در ترک، بیان فرموده اند، چگونه می توان به مرجع دیگری رجوع نمود. آیا صرفاً اطلاع از فتوای مرجع جدید و عمل به آن کافیست؟

چنانچه فتوای مرجع جدید را بدانید و با استناد به آن عمل نمایید، کافیست.

طهارت

س۴۳ : کسی که به گناهی مشغول بوده و به تبع آن گناه، بیشتر اوقات از لحاظ بدنی نجس بوده و چیزهایی مثل فرش ها و رختخواب های منزل را نجس نموده است، حال متوجه اشتباه کار خود شده و به درگاه خدای عزوجل توبه نموده است. افرادی که به منزل ایشان رفت و آمد می کنند و از نجس بودن منزل آنها اطلاعی ندارند، حکم طهارت منزل و وسایل شان چیست؟ اگر نجس نیست آیا برای خود شخص خاطی هم اینگونه است و او به راحتی می تواند به منزل بستگان رفت و آمد نماید و منزل بستگان برای او نجس نمی باشد. (لطفاً تا حد امکان واضح جواب دهید و مرا

از آشفتگی و تسلسلی که گریبان گیرم شده است نجات دهید).

توضیح علمی را شاید شما نتوانید متوجه شوید. ولی وظیفه عملی شما چنین است منزل و وسایل آنها نجس نیست و به طریق اولی شما با رفتن به منزل بستگان نجس نمی شوید، از این جهت راحت باشید.

س۴۴ : چند روزی است که از مجرای ادرار مایعی خارج می شود; البته اکثرا بعد از ادرار. اما با اینکه استبراء را خوب انجام می دهم، باز هم مایعی خارج می شود که البته حکم منی را (سه شرط آن) ندارد و بدنم آن حالات منی را ندارد. مایع هم گاهی روشن وگاهی سفید گلی است. حال این مایع اگر در بین نماز در مجرای من بیاید، اگردست به آن بزنم کمی خارج می شود - به اندازه دو سه نخود- نمی دانم نجس است یا نه؟ نمازم چه حکمی دارد؟اگر ندانم بین نماز بیرون آمده یا بعد از آن چه باید بکنم؟

چنان چه استبراء نموده باشید آن مایع که بعد از استبراء خارج می شود پاک است و نماز را هم باطل نمی کند; چه بعد از نماز بیرون بیاید چه قبل از نماز وچه در وسط نماز.

س۴۵ : آیا در شستن لباس های نجس با آب کر و جاری، فشردن هم لازم است و یا اینکه پس از برطرف شدن نجاست عین نجاست، آب آن را فرا بگیرد کافی است؟

تکان دادن لباس در زیر آب کر و جاری کافی است و فشردن لازم نیست.

س۴۶ : بنده روی یک پتو چندین بار جنب شده بودم; یعنی زمانی که جنب می شدم رطوبتی از شلوارم به این

پتو می رسید، حال که می خواهم این پتو را بشویم آیا با یک بار آب ریختن (آب جاری) پاک می شود یا خیر; یعنی بدون نیاز به اینکه بخواهم چیزی مانند برس به آن بکشم. خواهشمند است دراین زمینه مقداری توضیح دهید.

هر چیزی که نجس شود اگر عین آن نجاست – ولو خیلی ضعیف باشد – در آن محل باشد، اول باید به هر وسیله ممکن آن را از بین برد و بعد با ریختن یکبار آب جاری روی آن پاک می شود و بهتر است فشار داده شود تا آب در آن پتو خارج شود.

س۴۷ : بفرمایید آب کُر، تقریبا چند لیتر می شود; چون اکثر رساله ها وزن آن را معین کرده اند.

کُر از حیث وزن تقریباً ۳۷۷ کیلوگرم است، و از حیث ظرف که راحت ترین راه شناخت کر بودن است آن است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه وجب است، بریزند آن ظرف را پر کند و به عبارت دیگر مساحت آن بیست و هفت وجب باشد.

س۴۸ : با توجه به اینکه از نحوه شستشو لباس و اتو زدن آن توسط مغازه های خشکشویی اطلاعی ندارم، آیا می توانم لباس های خود را جهت شستن و اتو زدن به آنها بدهم؟ و نماز خواندن با لباس هایی که با این کیفیت شسته می شوند جایز است؟

در صورتی که مسلمان باشد و بگوید پاک است، هیچ اشکالی ندارد و

پاک است.

س۴۹ : آیا لباس هایی که آثار جنابت در آنها وجود دارد، باید جدا از لباس های دیگر شسته شود؟

جدا شستن لازم نیست، ولی

اگر مخلوط بشود، بایـد در آب کشـیدن جـدا باشد; مگر آنکه یقین داشـته باشد که آثار جنابت از بین رفته است - که در آن صورت، در آب کشیدن جدا نمودن لازم نیست.

س۵۰ : اگر لباس هایی که آثار جنابت در آنها است، با سایر لباس های دیگر در لباسـشویی شسته شوند و (چون بارها دیده ام که پس از شستن هیچ گونه آثار نجاست در آن لباس و لباس های دیگر مشاهده نمی شود)، آیا باید آنها را جدا شست؟

میزان علم خود انسـان است که آثـار نجاست از بین رفته و چنانچه لباسـشو بگویـد بعـد از نبودن اثر نجاست، آب کشـیدم همه محکوم به طهارت است.

س۵۱ : در بـدنم جوشـی بود که به خاطر خاراندن شـروع به خون ریزی کرد که محل را آب کشـیدم. لباسم را در آورده و به گوشه اتاق گذاشـتم. بعـد از اینکه به خانه برگشـتم، متوجه خونی شدم و با توجه به اینکه لباس خیس بوده و آن را روی فرش گذاشته ام، باید چه کرد؟

شما هر محلی را که خونی است و یا رطوبت ملاقات کرده آب بکشـید و بقیه جاهائی که لباس یا بدن متنجس- که عین خون در آن نیست- با آن ملاقات کرده آب نکشید.

س۵۲ : طریقه صـحیح اسـتبرا چگونه است و آیا اینکه می گوینـد سه بار باید سـرفه کرد درست است یا خیر؟ همچنین شـرایط آب هـائی که قبـل از بول و یا بعـد از بول و قبل از منی از انسان خارج می شود چیست؟ آیا اگر در انسان حالتی به وجود آمد که شرایط خروج منی را داشت، ولی شک کرد

که آیا آبی از ایشان خارج شده است یا خیر، غسل لازم است؟

کیفیت استبراء اختلافی نیست و در تمام رساله های عملیه به یک نحو نوشته شده است، به آنجا مراجعه نمایید. غیر از منی و بول آنچه از انسان خارج می شود اعم از مذی و وذی و ودی همه اش محکوم به طهارت است و در مورد شک علامت هایی ذکر شده است که در رساله ذکر شده است. انسان ولو حالت شهوانی داشته باشد و شک کند که منی خارج شده است یا نه بر او غسل واجب نیست.

س۵۳ : آیا خانم ها در خواب جنب می شوند، به چه صورتی؟

بر حسب روایات خانم ها در خواب جنب می شوند و علامت آن هم خروج منی بعد از خواب دیدن است، مانند آقایان.

س۵۴ : تعریف نجس چیست و چه ویژگی است که بر سگ (به عنوان حیوان) کافر (به عنوان انسان) شراب (به عنوان خوراکی) خون و... نجاست دلالت می کند؟

نجاست را بعضی از امور واقعیه که کشف عنه الشارع می دانند و می فرمایند آن مقوله کیف است و خباثتی است قائم به جسم و به نظر ما حکم وضعی است که شارع مقدس جعل فرموده و کافر اهل کتاب به نظر ما پاک است و اما سگ با آن همه کشفیات که گفته شده در لعاب دهان آن میکروبی است که بدون مالیدن خاک از بین نمی رود مع ذلک نجاست آن حکم وضعی اعتباری است نه امر واقعی.

س۵۵ : آبی که بعد از استبراء می آید، اگر بول باشد پاک است؟ در این صورت چگونه پاک می شود و

اگر این اتفاق همیشه بعد از استبراء بیفتد چه حکمی دارد.

اگر بول باشد و بدانید بول است یقیناً نجس است، ولی اگر نمی دانید بول است یا مذی -که پاک است-، شارع مقدس حکم به پاک بودن آن نموده است، و اگر مردد بین بول و منی باشد نجس است.

س۵۶ : روی قسمتی از زمین پارکینگ آپارتمان محل سکونت، فاضلاب چکه می کند. افراد و ماشین از آن محل عبور می کنند و طبعاً خاک آن محل با جاهای دیگر مخلوط می شود. و قاعدتا از این خاک به روی پله ها هم می رسد. آیا باید از تمام خاکی که در پارکینگ و روی پله ها وجود دارد اجتناب کرده و آن را نجس بدانیم.

کسی که ملاقات با عین نجاست نموده نجس است، ولی چون شبهه محصوره است و احتمال می دهید که آن چه با دست یا لباس شما تماس پیدا می کند، پاک باشد منجس نیست و موجب نجاست نمی شود.

س۵۷ : آیا عرق انسان جنب، نجس است؟

خیر، پاک است.

س۵۸ : علت علمی یا فقهی نجس بودن سگ چیست، آیا از نظر نجاست با خوک فرق دارد؟

دلیل فقهی بر نجاست سگ و خوک روایات معتبره است که عمده احکام شرعیه از آن روایات مستفاد است.

و چون ظرف متنجس به ولوغ کلب – سگ – باید سه مرتبه شسته شود و ظرف متنجس به ولوغ خنزیر – خوک – هفت مرتبه، بنابر این فرق است بین سگ و خوک و خوک نجس تر است.

و سگ و خوک برّی نجسند، اما سگ و خوک دریایی پاک اند.

س۵۹ : آبی که از پسر یا دختر

در هنگام شهوت خارج می شود، چه حکمی دارد؟ در هنگام ارضا شدن چطور؟

منی باشد نجس است و غسل هم واجب می شود و اگر مذی باشد که ظاهرا مورد سؤال شما آن است، پاک است و باعث وضوء و غسل نمی شود.

س۶۰ : ۱. اگر آب قلیل به خون بسته (منعقد شده) برسد، نجس می شود؟ (به عنوان مثال در صورت زخمی باشد که خون روی آن بسته شده باشد) آیا با وضوء گرفتن صورت نجس می شود؟

۲. اگر انسان پای خود را بشوید وبا همان کفش خیس روی زمین نجس راه برود آیا پای او نجس می شود یا فقط کف کفش نجس می شود؟

۱. چنانچه خون منعقد و بسته باشد، با رسیدن آب قلیل به آن نجس می شود، ولی اگر سله باشد جزئی از بدن به این صورت در آمده باشد که امری است شایع، خودش پاک است و آب هم نجس نمی شود.

۲. کف کفش فقط نجس می شود.

س۶۱ : اگر چیزی که قابل آب کشیدن نیست نجس شود (البته عین نجاست روی آن نیست) مانند موبایل یا تلفن، چگونه می توان آن را پاک کرد؟

راهی برای پاک شدن آن نیست، ولی مساله ای هست و آن اینکه اگر کسی بگوید متنجس منجس نیست نجاست موبایل یا تلفن اثری ندارد، و اگر دست خیس هم به آنها بزنید دستتان نجس نمی شود.

س۶۲ : منظور از متنجس سوم و این که نجس کننده نمی باشد چیست؟

شما اگر دستتان نجس به عین نجاست شود، دست متنجس اول است و اگر دست با لباس با رطوبت ملاقات کند، لباس متنجس دوم است و

اگر لباس در بدنتان عرق کند بدن متنجس سوم است، البته اینها متوقف است بر اینکه متنجس منجس باشد.

س۶۳ : اگر پای کسی که از حرام جنب شده در کفش عرق کند و کفش آغشته به عرق پای او شود و آن شخص غسل کرده و پاک شود و بخواهد از آن کفش دوباره استفاده کند با علم به اینکه پایش دوباره در آن کفش عرق خواهد کرد، چه باید بکند. آیا باید کفش را آب بکشد یا لازم نیست؟

آب کشیدن پا لازم نیست.

س۶۴ : در رساله آمده که منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، آیا منی انسان نیز نجس است؟ آیا ترشحات زن برای زنان حکم منی دارد؟ آیا ترشحات زن نجس است؟ اگر مرد یا زنی ترشحات همسر خود را خواسته یا نا خواسته بخورد، چه حکمی دارد؟ اگر منی وارد دهان شد و شخص دهان خود را سه بار آب کشید آیا پاک می شود؟

منی انسان نجس است و اما ترشحات غیر منی نجس نیست و پاک است، ولی خوردن آنها حرام است و اگر منی وارد دهان شد، و بیرون ریخته شد آب کشیدن دهان لازم نیست.

س۶۵ : از من (دختر) بعضی مواقع ترشح یا لکه خارج می شود، می خواستم بدانم آیا اشکال دارد برای نماز و روزه یا خیر؟

خیر اشکال ندارد.

س۶۶ : اگر انسان وقتی از خواب بیدار شد، رطوبتی از او خارج شده باشد که می داند این رطوبت بر اثر شهوت و خواب تحریک آمیز و به صورت جهنده نبوده است، تکلیف چیست، آیااو جنب است؟

خیر، جنب نیست.

س۶۷ : اگر جواب سوال قبل خیر باشد،

شخص مورد نظر با توجه به کمبود وقت، می تواند در این صورت نماز بخواند؟

وقتی که جنب نیست، آن آب هم نجس نیست، مگر آنکه استبراء از بول نکرده باشد. بهر حال این شخص محکوم به حدث اصغر است اگر وقت وضوء گرفتن ندارد تیمم کند و نماز بخواند.

وضوء

س۶۸ : اگر شخصی برای حالت دادن به موهای خود روغن بزند، آیا می تواند با آن وضوء گرفته و نماز بخواند؟

چنان چه روغن خفیف باشد و مانع از رسیدن آب به مو یا پوست سر نباشد، اشکال ندارد.

س۶۹ : موقع شستن دستان راست و چپ در هنگام وضوء آیا باید وسط انگشتان خود را جدا جدا با دست دیگر خود شست و یا می توان بجای عمل ذکر شده روی پنج انگشت را با دست دیگر فقط تر نمود؟

باید تمام دست حتی وسط انگشتان را با دست دیگر یا با ریختن آب و یا با ارتماس در آب شستشو داد.

س۷۰ : آیا برای مسح پا می توان از تری دست (از مچ تا آرنج) استفاده کرد با آنکه دست به اندازه کافی تر است؟

خیر نمی شود.

س۷۱ : بنده هنگام وضوء گرفتن در دل قصد وضوی نماز مستحبی را داشتم، ولی هنگام وضوء گرفتن بر دهان لفظ نماز واجب را به کار بردم، حال من باید کدامیک از این نمازها (واجب یامستحبی) را بخوانم؟

نمازها همه صحیح است و با آن وضوء طاهر می شوید و آنچه مشروط به طهارت است را می توانید انجام دهید.

س۷۲ : بعضی عزیزان بدون شستن پا وضوء می گیرند و مسح می کشند; در حالی که پای آنها عرق کرده و بدبو

می باشد و مساجد را هم آلوده می کنند و دلیلشان هم این است که روی پای تر نمی شود مسح کشید.

روی پای تر نمی شود مسح کشید.

بوی عرق هم مانع از صحت وضوء نمی شود.

س۷۳ : اگر موهای پُری داشته باشیم، برای مسح سر چه باید بکنیم. می دانیم امامان ما هم اکثرا پر مو بودند؟

موی را صاف کنید و روی آن مسح کنید.

س۷۴ : خانم بنده (برایم) همیشه آرایش می کند و مداد می کشد او برای گرفتن وضوء مجبور است روزی سه بار مدادها را با سختی از چشمش پاک کند و همیشه چشمش قرمز می شود. آیا مداد چشم، مانعی برای وضوء است؟ اگر این طور است، امامان ما که سرمه می زدند، چگونه وضوء می گرفتند؟(با توجه به اینکه سرمه بسیار چرب است)، ریمل روی چشم و موهای چشم چطور؟ آیا مانع است؟ آیا در وضوء باید موهای چشم خیس شود؟

آنچه لازم است رسیدن آب به بشره یا به موی ابرو و چشم است و بیشتر لازم نیست و این یک امر عرفی است و جنبه حکم شرعی ندارد.

س۷۵ : من همیشه سعی می کنم وضوء داشته باشم و معمولا هنگام اذان از قبل وضوء دارم و با این وضوء نماز خوانده ام، آیا نمازهای من درست است یا خیر و اگر اشکال داشته باشد باید چه کنم؟

نمازها درست است و عملتان – که دائما وضوء دارید – بسیار کار خوبی است و در شرع زیاد برآن فضیلت ذکر شده است.

س۷۶ : کسی که در وضوء کثیرالشک است، شک کند که عضوی را شسته یا نه و احتمال هم بدهد

که شسته و طرف دیگر از شیطان است وظیفه اش چیست؟ اگر کثیرالشک نباشد چطور؟

کثیرالشک اعتناء به شک نکند و بنا بگذارد برشستن آن عضو و غیر کثیرالشک اگر در اثناء وضوء شک کند باید به آن شک اعتنا کند و بنا بگذارد بر نشستن و آن را بشوید و اگر بعد از فراغ از وضوء شک کند، به آن شک اعتناء نکند و بنا بگذارد بر شستن و وضوء او صحیح است.

س۷۷ : موقع وضوء در مسح پاها آیا باید ناخن های پا را بچینیم و زیر ناخن ها آب برسانیم یا نه؟ و آیا باید برای رعایت مقدمه علمیه، مقداری فراتر از کعبین و فروتر از سر انگشتان هم مسح شوند، همانند مسح در تیمم؟

ناخن پا اگر زیادتر از متعارف بلند باشد، باید چیده شود و چون دقیقا نمی توان اطمینان به اینکه آنچه واجب است مسح شده است، برای اطمینان باید مقداری فراتر و فروتر مسح نمود.

س۷۸ : مسح سر با فرق کج برای خانم هایی که موهای بلند دارند صحیح است یا خیر؟

مسح سر خانم ها به مقداری که روی مو آن محلی که در فرق سر روییده جایز است و لازم نیست به فرق باشد و بر فرق هم جایز است – و لازم نیست مستقیم باشد و کج هم باشد جایز است.

س۷۹ : اخیراً روش هایی در برخی اماکن انجام می شود که برای خانم ها ابرو یا خط دور چشم و لب و... می کشند و ظاهراً برخی مواد مخصوص را طوری استفاده می کنند که اثر این خطوط به طور دائمی در چهره می ماند و در

اصطلاح فن خود به آن«تاتو» می گویند. آیا در این حالت با توجه به اینکه باید موانع رسیدن آب به پوست را رفع نمود، وضوء گرفتن و غسل کردن درست است و آیا این مسأله مانع رسیدن آب می باشد؟

سؤال شما به این نحوه صحیح نیست زیرا اگر مانع رسیدن آب به بدن باشد وضوء و غسل باطل است وگرنه صحیح است. پس سؤال از این است که آیا این خطوط مانع است یا نه؟ که این سؤال را باید از اهلش پرسید خلاصه اگر رنگ است مانع نیست و اگر جسمیت دارد مانع است.

س۸۰: می خواستم تمامی جزئیات مسح سر در مردان را بدانم؛ مثلا آیا مردان می توانند از کنار سر مسح کنند و آیا آب مسح باید حتماً به مخ سر برسد یا فقط روی مو کافی است و آیا سری که ژل مو خورده است، مسح بر آن صحیح است؟ لازم به توضیح است که ژل مو چرب نیست، ولی ممکن است یک یا دوثانیه بعد از مسح آب به مو برسد، آیا وضوء در این حالت صحیح است؟

مسح سر باید در یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است باشد و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کنید کافی است. لازم نیست مسح سر برپوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است

مسح موی سر که ژل مو خورده است، چنانچه مانع بین دست و مو نباشد اشکال ندارد و اگر مانع باشد صحیح نیست.

س۸۱: جنابعالی در مورد مسح سر در فرمایشاتتان اشاره به (چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است)

کرده بودید، اگر امکان دارد توضیح بیشتری بدهید در مورد ژل مو هم بنده گفتم که چرب نیست، ولی پس از یک ثانیه آب به مو می رسد آیا اشکال دارد یا نه؟

یک قسمت از چهار قسمت سر که آن یک قسمت مقابل پیشانی است جای مسح می باشد؛ یعنی اگر سر که مدور است چهار قسمت بکنیم، آن مقدار که مقابل پیشانی است که تقریبا یک چهارم سر می باشد جای مسح است. و اما ژل مو، آنچه من می فهمم از کلام شما این است که در موقع مسح آب به مو نمی رسد، اگر چنین است وضوء صحیح نیست و باید به بشره سر مسح نمود.

س۸۲ : استفاده لاک ناخن برای انگشتان پا (به غیر از شصت پا) در وضوء اشکالی دارد؟

اشکال ندارد، ولی باید مسح روی شصت پا باشد.

س۸۳ : آیا تکرار مسح پا اشکال دارد؟

چنانچه مسح اول صحیح باشد، دومی لغو است و اگر مسح اول کامل نباشد و بخواهد دوباره مسح کند باید پا را خشک و بعد مسح نماید. در صورت اول بعضی گفته اند حرام است، ولی به نظر من حرام نیست.

س۸۴ : اگر بر روی موی سر، آب قند ریخته باشد و خشک شده باشد، آیا بر روی این مو می شود مسح کرد؟

چنانچه آب قند خشک شده و مانع از رسیدن دست به مو و رسیدن آب به مو باشد، مسح مو صحیح نیست وگرنه اشکال ندارد، البته به شرط آنکه آب مسح با ملاقات با آب قند مضاف نشود.

س۸۵ : برای خانم ها استفاده ریمل (که روی مژه می زنند) در وضوء ایرادی دارد؛

یعنی باید پاک کنند و وضوء بگیرند؟

چنانچه جسمیت دارد و مانع از رسیدن آب به مژه است، باید پاک کنند و گرنه لازم نیست.

س۸۶ : آیا در مسح سر ژل و کتیرا و موادی از این قبیل مانع رسیدن آب می شوند؟

این حکم شرعی نیست (که من فتوی بدهم) و موضوع خارجی است، از عرف سؤال کنید.

س۸۷ : ژل کتیرا که مخلوطی از آب و گیاه کتیرا است، اگر موها را ژل کتیرا و نه ژل دیگری زده باشیم، آیا مسح سر ما درست است یا باید موهایمان را بشوئیم بعد وضوء بگیریم؟

چنانچه پوست سر بدون مانع است می توانید موها را کنار بزنید و مسح نمایید و اگر ژل روی آن را هم پوشانده است اگر آن ژل جسمیت دارد و مانع از رسیدن آب به خود مو یا پوست سر است صحیح نیست.

س۸۸ : جدیداً دستگاه وضوگیر اتوماتیک که ساخت استرالیا هست به بازار آمده که در یکی از شهرهای آلمان من آن را دیدم; این دستگاه که با آب جاری و لوله کشی می باشد، قسمت بالایی آن جای صورت شستن است و در وسط آن قسمتی که دست را در آن می کنیم و می شوید و همینطور در پائین جایی که پا را در آن می کنیم و می شوید، آیا وضوء با این دستگاه درست است؟

در اعضا، یعنی شستن صورت و دست ها اشکال ندارد، ولی چون باید مسح با دست شود شستن با دستگاه صحیح نیست.

س۸۹ : برای گرفتن وضو، کدامیک از انگشتان پا نباید لاک داشته باشند؟

اگر یکی از انگشتان بی لاک باشد، همان را مسح کنید

وضوء صحیح است ولو چهار تای دیگر لاک داشته باشد.

س۹۰ : برای مسح کشیدن پا، اگر شصت پا و دو ناخن کنار آن لاک داشته باشد، آیا می شود مسح را از انگشت کوچک کشید؟

بله صحیح است

س۹۱ : اگر ناخن های پا لاک داشته باشند (ولی یکی از انگشتان مثلا انگشت کوچک لاک نداشته باشد) وضوء و مسح پا صحیح است و می توان با آن نماز خواند؟

بله، صحیح است و می توانید با آن نماز بخوانید به شرط آنکه مسح پا را روی انگشتی که لاک ندارد انجام دهید.

س۹۲ : آیا در هنگام مسح پا، لازم است آب به تمامی محل مسح برسد؟ (به عنوان مثال، بیخ ناخن ها)

خیر لازم نیست همین مقدار که ظاهر است آن هم از سر یکی از انگشت ها تا مفصل مسح کنید، کافی است و پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است.

س۹۳ : با توجه به آیه وضوء «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق»، کلمه (الی) به چه معنا است؟ آیا اهل سنت کلمه «الی» را، به سوی معنی می کنند و به خاطر آن دست ها را از کف دست به طرف آرنج می شویند؟ سنت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) چگونه بوده است؟

سنت پیغمبر(صلی الله علیه وآله) در وضوء که نقل شده است همه دال است بر اینکه پیغمبر از مرفق تا انگشتان را می شستند.

و اما کلمه «الی» برای بیان کیفیت غسل نیست، بلکه برای بیان مغسول ذکر شده است; چون ید استعمال در کل و جزء می شود و در آیه کلمه «الی» برای این آورده شده است که «ید» از کتف

تا اصابع است، همه آن واجب نیست شسته شود، بلکه واجب شسته شدن از مرفق تا اصابع است.

س۹۴ : با توجه به اینکه در مورد وضو، رسیدن آب به تمام پوست عضو مورد نظر، لازم است، چرا داشتن لاک روی ناخن یا ریمل روی مژه باعث نادرستی وضوء می شود؟

چون رسیدن آب به ناخن و ابرو و مژه هم لازم است. مانند بقیه اعضای وضوء.

س۹۵ : اگر زنی به دستش حنائی بمالد که آن حنا یک اثر مخصوصی دارد و اثرش این است که یک اثری از خود بجا می گذارد که مانع از رسیدن آب به پوست دست می باشد و در حال اختیار هم می مالد، حال در موقع نماز اگر بمالد حکم وضوء و نمازش چیست؟ در خارج از وقت نماز اگر بمالد با اینکه می داند که تا دو سه روز آن اثر خاص باقی خواهد ماند و باعث نگرفتن وضوء می شود، حکم وضوء و نمازش چیست؟

حنا از اموری است که در زمان شارع مقدس متداول بوده و به آن اشکالی نشده است، این کاشف از این است که مانع از رسیدن آب به بدن نیست.

س۹۶ : بعضی خانم ها در حالی که لاک ناخن دارند نماز می خوانند; با توجه به اینکه لاک ناخن مانعی روی ناخن هاست، وضوء اشکال دارد، اما این عده معتقدند که ناخن، جزء گوشت بدن نیست و اگر آب به آن نرسد وضوء صحیح است، آیا چنین عقیده ای درست است؟ در ضمن با لاک ناخن، غسل صحیح است یا نه؟

ناخن جزء بدن است; یعنی در وضوء و غسل باید شسته شود و چنانچه

لاک مانع رسیدن آب باشد وضوء و غسل باطل است.

س۹۷ : حکم وضوگیرنده ای که هنگام وضوء گرفتن مسح سر را وقتی انجام داده، و بعد از آن چند قدم (۴ الی ۸) حرکت کند و بعد عمل مسح پا را انجام بدهد چیست؟

این مقدار فاصله منافی با موالاه معتبر در وضوء نیست وضوء صحیح است.

س۹۸ : درمسح پا، آیا پا را می توان بالا آورد و وضوء گرفت یا بر روی میزی به ارتفاع زانو گذاشت و مسح پا راانجام داد(باتوجه به سالم بودن شخص)؟

بله، اشکال ندارد.

س۹۹ : بعد از بول و شستن کامل آلت و پاک کردن آن (استبرا)، همیشه و یا اکثر موارد رطوبتی (شاید به صورت قطره قطره) خارج می شود که نمی دانم بول هست یا چیز دیگری، اگر من بعد از بول وضوء بگیرم و رطوبت خارج شود، آیا وضوی من درست است؟

چناچه استبراء بکنید و ندانید آبی که از شما خارج می شود بول است، وضوئی که گرفته اید اشکال ندارد و صحیح است.

غسل

س۱۰۰ : در موقع غسل کردن بسیار وسواس دارم و هر بخش را چندین بار باید شستشو بدهم و بعضی اوقات به طور مثال سمت چپ بدن را غسل می دهم و شک می کنم که دست راستم را درست شسته ام یا نه؟ و دوباره برمی گردم و از آنجا غسل را تکرار می کنم وگاهی ۳۰ دقیقه طول می کشد که غسل را انجام دهم که با این کار آب زیادی اسراف می شود و خودم هم از این وسواس بسیار ناراحت هستم. لطفاً مرا در این مورد راهنمایی بفرمایید.

وظیفه شما این

است که به این وسوسه ها اعتناء نکنید و اگر ادامه پیدا کند بدتر می شوید و ممکن است به حالت جنون برسد. اگر غسل پیغمبر(صلی الله علیه) را در کتاب ها مطالعه کنید که با یک کاسه خودشان با همسرشان غسل می کردند قطعاً ترک می کنید، بلکه در شرع گفته شده است که کثیر الشک به شک خود اعتناء نکند و عمل را با همان شک تمام کند تا چه رسد به وسواسی.

س۱۰۱ : اگر فردی جنب شده باشد و با نیت غسل کردن استحمام کند، اما فراموش کرده و از حمام خارج شود، چه حکمی جهت اقامه نماز دارد؟ آیا حتما بایستی عمل غسل را انجام دهد؟

چنان چه می داند غسل کردن را فراموش کرده، حتما باید غسل نماید.

س۱۰۲ : من در مدتی از زندگی ام دچار وسواس گردیدم که با مداوا مقدار قابل توجهی از آن مرتفع گردید، اما مقداری از آن باقی مانده است. به طوری که غسل من نیم ساعت به طول می انجامد و آب فراوانی اسراف می شود. می خواستم بدانم آسان ترین غسل به چه شکلی است که در کمترین زمان ممکن انجام شود؟ آیا در غسل ترتیبی باید هنگام شستن بدن تمام بدن را لمس کرد یا اتصال آب دوش به آب منطقه در حال غسل کافی است؟ لطفاً راهنمایی فرمایید.

در غسل لمس بدن شرط نیست، فقط رسیدن آب به بدن کافی است و با دوش غسل صحیح است و خیال می کنم ۲ دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد. به این وسوسه ها اعتنا نکنیدکه زندگی تان فلج می شود. تصمیم عاقلانه مردانه شرعی بگیریدکه

می توانید در ظرف چند روز راحت شوید.

س۱۰۳ : اگر خانمی به واسطه بیماری های زنانه مجبور باشد تا برای استفاده از داروهای سطحی روزانه شیئی طبی را در واژن خود برده و به واسطه آن دارو را استفاده کند، حکمش پیرامون غسل چیست؟

غسل لازم نیست، مگر اینکه با به کار بردن آن تحریک بشود و منی خارج شود در این صورت غسل واجب می شود.

س۱۰۴ : اگر بر کسی غسل جنابت واجب شد، چه وقتی باید آن را انجام دهد؟ مثلا صبح جنب شده همان هنگام غسل کند و تا نماز ظهر اگر کاری که وضوء را باطل می کند، انجام داده باشد، آیا باید برای نماز ظهر غسل کند؟ این سوال برای من اینگونه پیش آمده که در رساله نوشته شده وقتی مطمئن شدی وقت نماز شده غسل را انجام بده; حال ما که صبح غسل کردیم و موقع نماز ظهر وضوء ساختیم نماز خواندیم چه حکمی پیدا می کند. آیا حتما باید جنب باشیم تاوقت اذان بعد غسل کنیم؟

غسل جنابت از همان حالات اولیه که متوجه به جنابت شده اید مستحب است و اگرانجام دادید که تمام است وگرنه تا وقت وجوب نماز که رسید واجب می شود; و بهر تقدیر هر وقت غسل کردید، اگر تا قبل از نماز چیزی که وضوء را باطل می کند انجام ندادید، وضوء و غسل هیچ کدام لازم نیست و با همان غسل نماز بخوانید.

س۱۰۵ : در غسل آیا می توان در شستن قسمت راست بدن، اول پا را شست بعد سایر قسمت های دیگر بدن را شست؟

بلی. در غسل ترتیبی، ترتیب – که از

بالا به پائین شسته شود - لازم نیست.

س۱۰۶ : اینجانب صبح زود در خانه یکی از اقوام جنب شده ام، اما به دلیل نداشتن حوله و لباس زیر و... غسل را به خانه موکول; کردم آیا این کار گناه است و آیا اصلا می توانم نماز بخوانم یا اینکه به مسجد بروم و اینکه غسلم را به شب موکول کنم، درست است؟

شما اگر تمکن از غسل کردن نداشته باشید، باید تیمم کنید و نماز بخوانید وهر وقت در هر کجا تمکن پیدا کردید غسل کنید و بدون غسل به مسجد نروید.

س۱۰۷ : آیا می توان با بدن تر غسل جنابت کرد; یعنی کسی که در زیر دوش جنب شده باشد، با بدن خیس غسل کند؟

بلی، می توان با بدن خیس غسل جنابت کرد.

س۱۰۸ : اگر زن بهواسطه ملاعبه همسر، از نظر جنسی ارضا شود بی آنکه دخولی صورت گرفته باشد، آیا غسل بر او واجب شده است؟ و بطور کلی تفاوت میان منی مرد با آبی که از زن به هنگام ملاعبه از دهانه فرج او خارج می شود چیست؟ آیا راهی برای شناخت منی در زن وجود دارد؟

آبی که از زن با شهوت و سستی بدن، خارج شود محکوم به منی بودن است و غسل واجب می شود، بلکه سستی هم لازم نیست، همین که با شهوت بیرون آید حکم منی دارد.

س۱۰۹ : آیا کسی که از حرام جنب شده، علاوه بر غسل جنابت برای ادای نماز وضوء هم لازم است بگیرد؟

خیر لازم نیست و با همان غسل نماز بخواند، صحیح است.

س۱۱۰ : آیا در استخرهایی که کلر به آب اضافه می کنند، می

توان غسل ارتماسی بجا آورد؟ در ضمن در غسل ارتماسی آیا رو به قبله بودن شرط است؟

کلر موجب مضاف شدن آب نیست؛ بنابراین غسل کردن جایز است و در غسل ارتماسی رو به قبله بودن شرط نیست.

س۱۱۱ : غسل های مستحب تا چه موقع اعتبار دارند، مثلا اگر کسی در صبح جمعه غسل جمعه بجا آورد این غسل تا چه موقع پا برجا است، آیا با حدث اصغر و اکبر باطل می شود؟

در بعضی روایات وارد شده است که غسل در صبح تا غروب و در اوایل شب تا صبح کافی است.

س۱۱۲ : آیا برای یک غسل می توان چند نیت کرد، هم نیت غسل واجب هم نیت غسل مستحبی؟

بله می توان نیت چند غسل نمود و اگر هم نیت یکی از اغسال حتی مستحبی نماید، غسل های دیگر حتی غسل واجب هم ساقط می شود و از آن هم کفایت می کند.

س۱۱۳ : آیا وقوع حدث - مثل خروج باد - از انسان در حین غسل، موجب بطلان غسل و تکرار آن می شود یا می توان به آن ادامه داد؟

موجب بطلان غسل نمی شود، ولی باید برای نماز و غیر آن بعد از تمامیت غسل وضوء بگیرد.

س۱۱۴ : اگر انسان چند بار در روزهای مختلف غسل جنابت بر او واجب شود و او در مکانی باشد که اگر بخواهد مرتب غسل کند دچار مشکل شده و برایش حرف درست می کنند، آیا می توان بعضی اوقات تیمم بدل از غسل کرد و نماز خواند و مثلا دو روز بعد غسل هم انجام دهد تا برایش مشکلی ایجاد نشود (برای حفظ آبرو)؟

چنان چه غسل

موجب ضرر یا مشقت بشود، می توان تیمم نمود.

س۱۱۵ : اگر کسی در یادگیری انجام غسل صحیح سهل انگاری کند و بعد از مدتی یاد بگیرد، نسبت به غسل های واجب قبلی که اشتباه انجام داده چه وظیفه ای دارد؟

همه باطل است و معامله باطل با آن باید بنماید.

س۱۱۶ : اینکه گفته شده در غسل نباید ذره ای از بدن باقی بماند که به آن آب نرسیده باشد، برای من یقین کردن مشکل است و ناچارم از طریق دوش حمام آب زیادی روی خودم بریزم و هرگز با دو سه لیتر آب فکر نمی کنم که بتوان آب را از طریق دوش به تمام بدن رساند. لطفا بفرمایید آیا من حکم وسواس را دارم؟ و معمولاً غسل از طریق دوش با فشار معمولی چند دقیقه طول می کشد؟

از این سؤال معلوم می شود که شما وسواسی شده اید و اگر ترتیب اثر بدهید بدتر می شوید؛ بنابراین وظیفه شما این است که به این احتمالات اعتناء نکنید و ببینید متعارف مردم چه نحو عمل می کنند و شما هم به آن نحو عمل کنید.

س۱۱۷ : اینجانب دارای یک همسر دائمی و یک همسر موقت هستم لطفا بفرمایید آیا مواقعی که من با همسر موقتم ارتباط برقرار می کنم، می توانم تیمم بدل از غسل کنم یا خیر با توجه به این نکته که اگر غسل کنم احتمال فهمیدن همسر دیگر وجود دارد و احتمال اختلاف و دعوا هست در صورت امکان چنین کاری آیا غسل را باید بعداً انجام دهم، یا تیمم کافی است؟ و آیا نمازهایم همه صحیح است؟

تیمم بدل از غسل نمی توانید

انجام دهیـد و احتمال اختلاف مجوز ترک غسل نیست و به هر تقدیر تیمم کافی نیست و تاخیر غسل هم جایز نیست. نمازهای با آن تیمم، باطل است.

س۱۱۸ : من جـوانی ۲۳ سـاله هسـتم و هر روز و یـا هر چنـد روز یـک بـار منی (نمی دانم که منی است یا نه چون آب غلیظی است) بدون شهوت واختیار از آلتم می ریزد و غسل می کنم وگاهی اوقات اتفاق می افتد که تا غسل می کنم و هنوز از حمام بیرون نشـدم، دوباره همین اتفاق می افتـد، و چون نمازم را سـر وقت می خوانم، نمی دانم باید چکار کنم، آیا آن لباس کثیف است و باید آن را عوض کنم و با آن نماز نخوانم؟ خواهش می کنم جواب من را بدهید.

منی بـدون شـهوت از شـخص سالم خارج نمی شود، شـما اولا به دکتر مراجعه کنید اگر دکتر به شـما گفت سالم هستید، پس شرعاً جنب نیستید و نباید غسل بکنید، بلکه باید وضوء بگیرید و نماز بخوانید.

س۱۱۹ : لطفاً بفرماییـد در موقع ادرار (بول) که مایعات غلیظی از انسان خارج می شود که شبیه منی است و غلیظ تر است و با ادرار خارج می شود یا بـدون آن نیز بعـد از اتمام بول کردن خارج می شود و در بسـیاری از اوقات با جهش خارج نمی شود، چه حکمی دارد، آیا منی است و لازم است غسل کند؟ لطفاً این مسایل جنب شدن را مفصلا تشریح نمایید.

به دو چیز انسان جنب می شود: اول جماع، دوم بیرون آمدن منی. اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول

یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن بدن سست شده آن رطوبت، حکم منی دارد وگرنه حکم منی ندارد، ولی در مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه با شهوت بیرون آید در حکم منی است.

س۱۲۰ : دختر بچه ای که تا بحال نمی دانسته غسل حیض برای نماز و روزه واجب است و حالا متوجه شده حکم نماز و روزه هایی که تا به حال بجا آورده چیست؟

چنانچه بعد از پاک شدن، هیچ غسلی حتی مستحبی انجام نداده نمازهای بعد از حائض شدن- از اول تا به حال- را باید قضاء کند، ولی اگر غسل دیگری انجام داده، همان غسل کافی است و می توانسته با آن غسل نماز بخواند.

س۱۲۱ : اینجانب در مورد انجام غسل واجب دچار شبهه ای شده ام; من تا مدتی پیش غسل را به این طریق انجام می دادم که ابتدا سر و گردن و بعد طرف راست و بعد از آن مجددا سر وگردن و بعد طرف چپ را می شستم. حال سؤال من این است، آیا شستن مجدد سر و گردن قبل از شستن سمت چپ به این نیت که لازم است باعث بطلان غسل می شود؟ آیا همه نمازهای من (بیش از ۱۵ سال نماز)باطل است؟

شستن مجدد سر و گردن قبل از شستن سمت چپ عمل زیادی بوده، ولی موجب بطلان غسل نمی شود. تمام غسل هایتان درست بوده و نمازها هم از این جهت اشکال نداشته.

س۱۲۲ : آیا اگر زنی در حال حیض جنب شود یا در حال جنابت حایض شود، باید تا

پاک شدن جنب بماند یا اینکه قبل از پاک شدن می تواند غسل جنابت کند؟

می تواند قبل از پاک شدن غسل جنابت کند.

س۱۲۳ : آیا عرق بدن کسی که جنب شده نجس است و اگر به لباس بچسبد بعد از غسل ایرادی دارد، که آن لباس را دوباره بپوشد؟

خیر نجس نیست و پوشیدن لباس عرقدار بعد از غسل هیچ ایرادی ندارد.

س۱۲۴ : کسی که مثلا در یک شب سه بار منی از بدنش خارج شده وقتی به حمام می رود، باید سه بار غسل کند یا یک بار کافی است؟

یک بار غسل کافی است.

س۱۲۵ : با چه غسلی می شود نماز خواند؟ یعنی چه غسلی به جای وضوء هم قبول می شود؟ لطفاً نام ببرید.

با تمام غسل های واجب و مستحب می شود نماز خواند و فقط با غسل استحاضه بدون وضوء نمی توان نماز خواند.

س۱۲۶ : آیا در صورتی که در اثر تحریک - به خاطر شنیدن حرفی یا دیدن عکسی و صحنه ای بدون تحریک با دست و کارهای دیگر - رطوبتی از شخص خارج شود، شخص جنب می شود و غسل بر او واجب خواهد شد یا نه؟

در صورتی که آن رطوبت منی باشد و علامت آن هم این است که رطوبت با شهوت و جستن بیرون آید و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شود، شخص جنب می شود و غسل واجب وگرنه غسل واجب نیست.

س۱۲۷ : چه موقع خانم ها باید غسل نمایند (مواردی که در نزدیکی غسل بر خانم ها واجب می شود)؟ ترشّح خانم ها چه حکمی دارد؟ در حالت عادی پاک است یا نجس است؟ رنگ

عادی ترشح خانم ها چگونه است؟ چه ترشحی از خانم ها باعث می شود که جنب شود؟

غسل جنابت بر خانم ها در دو مورد واجب است: نخست دخول حشفه در قبل یا دبر دوم خروج منی. علامت منی در خانم ها به این است که آب با شهوت بیرون آید.

س۱۲۸ : شرایط و نوع آب هایی که از مرد خارج می شود چگونه است و گاهی اوقات در ابتدای شهوت آبی خارج می شود که نمی دانم منی است یا خیر و نیز سستی خروج منی را هم ندارد، آیا با این شرایط غسل لازم است یا خیر؟

از این آب تعبیر می کنند به (مذی) و آن سبب غسل نیست و وضوء را هم باطل نمی کند.

س۱۲۹ : اگر در خواب جنب شده باشم، آیا می توانم نماز بخوانم

جنب تا غسل نکند – و اگر از غسل تمکن نداشته باشد – تا تیمم نکند، نمی تواند نماز بخواند.

س۱۳۰ : اگر شخصی هنگام سحر جنب شده باشد و از پدر و مادرش خجالت بکشد و شرم کند که در سحر غسل انجام دهد، و وقت اذان صبح فرا برسد در چنین وضعیتی حکم این شخص چیست؟

اگر به گونه ای باشد که برای او مشقت داشته باشد، باید تیمم کند.

س۱۳۱ : اگر خانمی غسل جنابت کند و با اینکه قبل از غسل بول کرده، بعد از غسل باقیمانده منی از او خارج شود، آیا باید دوباره غسل کند؟

چنانچه منی خودش باشد – که بعید است – باید دوباره غسل کند، و اگر منی مرد باشد، غسل کردن لازم نیست.

س۱۳۲ : اگر شخصی بر اثر نگاه به نامحرم

یا صحبت با نامحرم آبی از او خارج شود که نداند منی است یا خیر، آیا باید غسل جنابت کند؟

چنانچه نداند منی است و علامت منی ندارد، غسل واجب نیست.

س۱۳۳ : در غسل، هنگام شستن طرف راست یا چپ، آیا باید گردن هم شسته شود (شکی نیست که موقع شستن سر، گردن هم باید شسته شود)؟

خیر واجب نیست، ولی دو مطلب راتذکر می دهم: یکی آن که فقها گفته اند بهتر است (نه لازم) که نصف گردن با هر طرف شسته شود. دیگر آنکه فقها فرموده اند برای آنکه یقین کنید که طرف راست بدن شسته شده، مقداری از گردن با شستن دو طرف شسته شود.

س۱۳۴ : آیا با غسل مستحب نیز نماز خواندن جایز است؟

با هرغسل واجب یا مستحب می شود نماز خواند.

س۱۳۵ : اگر کسی وضوء گرفت و بعد مرتکب عمل استمنا شد - که سبب می شود وضویش باطل شود - آیا بعد از انجام غسل جنابت، برای نماز خواندن باید دوباره وضوء بگیرد یا با همان غسل جنابت می تواند نماز بخواند؟

با همان غسل می تواند نماز بخواند.

س۱۳۶ : بعضی شب ها خواب های محرک می بینم و در خواب احساس خوبی به من دست می دهد. و حس می کنم که به مرحله ارضاء رسیدم، اما نمی دانم که خواب بود یا واقعاً ارضاء شدم، فقط می دانم که دل درد خفیفی گرفتم، آیا باید غسل کنم؟

اگر منی خارج شود، غسل واجب است وگرنه واجب نیست.

س۱۳۷ : در روایات آمده که اگر هنگام وضوء بسم الله گفته شود، مانند غسل کردن تمام بدن پاک می شود. اگر ما جنب شدیم(با

توجه به این حدیث) آیا باید غسل جنابت کنیم؟اگر امکان غسل نبود چه باید کرد؟

پاک شدن معانی متعددی دارد وگرنه کسی که وضوء می گیرد و بدنش پاک است چه معنی دارد که با وضوء تمام بدن پاک می شود! بهر حال برای جنب، غیر از غسل راه دیگری نیست، مگر برای غسل کردن مشکل خاصی باشد که تیمم بدل از غسل باید انجام دهد.

س۱۳۸ : اگر در هنگام غسل کردن، ادرار از بدن خارج شود، غسل باطل می شود؟ (مثلا در هنگام شستن سمت راست بدن هستیم که این اتفاق می افتد)

غسل باطل نمی شود، ولی با آن نماز نخوانید؛ یعنی برای نماز باید وضوء گرفت.

س۱۳۹ : من شنیده ام که آبی که قبل از منی از بدن خارج می شود، مشکلی برای غسل کردن ندارد؛ منظورم این هست که اگر از انسان منی خارج نشود، ولی آبی که قبل از خارج شدن منی می آید از بدن خارج شود نیازی به غسل نیست؛ حکمش چیست؟

آنچه شنیده اید درست است.

س۱۴۰ : پسری در کودکی- نعوذبالله- لواط شده، و نمی دانسته که باید غسل جنابت انجام می داده؛ آیا پس از بلوغ که غسل های جنابت متعددی کرده است، غسل از او ساقط شده است یا بایستی برای آن، غسل جداگانه کند؟ اگر پاسخ مثبت است حکم نماز و روزهای انجام شده چیست؟

یک غسل بعد از بلوغ سبب رفع جنابت می شود، نماز و روزه بعد از آن هم صحیح است.

س۱۴۱ : جنب شدن در ماه مبارک رمضان بعد از اذان صبح و غسل پس از بیدار شدن چه حکمی دارد؟

جنب شدن اختیاری جایز نیست

و مفطر صوم است و جنب شدن با احتلام مفطر نیست و غسل کردن بهر تقدیر جایز است.

س۱۴۲ : آیا بعد از هر غسل می توان نمازهای روزانه را خواند. (مثل غسل جنابت)

بله می توان نماز خواند.

تیمم

س۱۴۳ : آیا تیممی که به دلیل کمبود وقت و ترس از قضا شدن نماز، به جای غسل انجام می گیرد، جایگزین وضوء نیز می شود و آیا برای نمازهای بعدی اعتبار دارد یا باید برای نمازهای بعدی غسل کند؟

برای همان نماز جایگزین وضوء می شود، ولی برای نمازهای بعدی اعتبار ندارد.

س۱۴۴ : آیا در تیمم بعد از آنکه دست را برصورت کشیده ایم، باید دوباره دست را بر زمین نهاد؟

لازم نیست، ولی در تیمم بدل از غسل بهتر است دوباره به زمین زده و پشت دست ها را مسح نماید.

احکام نماز

س۱۴۵ : اگر در نماز سهواً به جای ذکر سجده، ذکر رکوع گفته شود یا برعکس چه باید کرد؟

اشکالی ندارد.

س۱۴۶ : با عنایت به اینکه حضرتعالی در کتاب گرانسنگ فقه الصادق، نماز جمعه و عیدین را در زمان غیبت حرام دانسته اید و همچنین با توجه به اینکه حقیر در کسوت روحانیت هستم و با توجه به کوچکی منطقه محل سکونت حقیر و معروفیت در منطقه مذکوره، عدم شرکت اینجانب در نمازهای مذکور، سبب تشویش اذهان طلاب مبتدی و مقلدین سایر مراجع شده و موجب وارد آمدن اتهامات به حقیر شده است؛ آیا اجازه می دهید بدون اینکه قصد شرکت در نماز جمعه را داشته باشم، در صفوف نماز جمعه شرکت نمایم؟

من نماز جمعه را در زمان غیبت حرام ذاتی نمی دانم، بلکه آن را مجزی نمی دانم. شما بقصد رجاء نه امر قطعی در نماز شرکت کنید و نماز ظهر را هم بخوانید، همان کاری که بعضی ائمه جمعه انجام می دهند.

س۱۴۷ : لطفاً صحیح ترین روش خواندن نماز شب را بیان فرمایید.

اگر کسی آمادگی خواندن کامل آن را نداشته باشد، آیا روش مختصری نیز در خواندن نماز وجود دارد؟

نماز شب مجموعاً یازده رکعت است که هشت رکعت آن نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر است. اگر کسی آمادگی نداشته باشد، به سه رکعت آخر یعنی شفع و وتر اکتفا کند.

س۱۴۸ : آیا در قنوت خانم ها را نیز می توان دعا کرد؟

چون استحباب دعا برای دیگری در قنوت نماز وتر فقط در یک روایت است که به چهل مؤمن دعا مستحب است و آن روایت به دو نحو نقل شده در یکی چهل مردآمده است و در دیگری چهل نفر; از این رو اکتفاء به چهل مرد بهتر است.

س۱۴۹ : از چه وقت و تا کی می توان نماز شب خواند؟

از نصف شب تا طلوع فجر می توان نماز شب خواند و بر جوانان در صورت مشکل بودن نماز در آن وقت و سایر معذورین اجازه داده شده است از بعد از نماز عشاء شروع کنند.

س۱۵۰ : در صورت امکان میزان فضیلت نماز شب را بیان فرمایید.

فضیلت نماز شب آن قدر زیاد است که موجب تحیر انسان می شود. از امام صادق(علیه السلام) روایت شده نماز شب فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت است. امام(علیه السلام)در روایت دیگری می فرماید: شرف مؤمن نماز آخر شب است.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: شریف امت من نماز شب خوانانند.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) به ابی ذر وصیت فرمود: کسی که نماز شب بخواند و بعد از آن بمیرد، بهشت بر او واجب است.

پیغمبر(صلی الله علیه وآله) خطاب به حضرت امیر(علیه

السلام) سه دفعه فرمود: «علیک لصلاه اللیل». آثار دنیوی هم بر آن زیاد ذکر شده است که در روایات نقل شده آثاری مانند زیادی رزق، بهاء صورت و حسن خلق آمده است.

س۱۵۱ : آیا قبل از تسبیحات اربعه می توان «بسم الله الرحمن الرحیم» گفت؟ اگر نمی شود چرا؟

اگر به قصد جزئیت نماز باشد جایز نیست، چون شارع نفرموده است واگر به قصد قرائت آیه ای از قرآن باشد جایز است.

س۱۵۲ : اگر هنگام نماز خواندن از بینی خون خارج شود، چه باید کرد؟ آیا باید نماز را شکست یا ادامه داد؟

اگر خون مختصر باشد، یعنی به مقدار یک درهم یا کمتر باید به نماز ادامه دهد و نماز صحیح است و اگر زیاد است و قابل کنترل نیست، باید نماز را شکست و ادامه نماز جایز نیست.

س۱۵۳ : ۱: آیا نمازی که در یک رکعت آن، هنگام یکی از سجده ها انسان نخواسته دو بار پشت سرهم در لحظه کنده شدن سر از مهر، پیشانیش به مهر برخورد نماید با آنکه درآن برخورد آنی سر با مهر، هیچ ذکری گفته نشده است، صحیح می باشد؟

۲: اگر نماز باطل باشد حکم نمازگزار درآن موقع چگونه می باشد؟

۱: نماز صحیح است و برخورد سر به مهر ولو سجده دوم حساب می شود، ولی زیادی غیرعمدی است و موجب بطلان نماز نیست و از اجزاء نماز محسوب می شود.

۲: از جواب مساله قبل این حکم معلوم می شود.

س۱۵۴ : حکم نمازگزاری که لباسی بجز لباس نجس - با توجه به کمبود وقت- نداشته باشد چیست؟

نماز را باید عاریاً بخواند.

س۱۵۵ : آیا خواندن دو رکعت نماز جمعه، کفایت

چهار رکعت نماز ظهر را می کند؟

من در زمان غیبت احتیاط می نمایم، اگر کسی نماز جمعه خواند، نماز ظهر را احتیاطاً بخواند.

س۱۵۶ : حکم کسی که غیرعمد در رکعت اول، قنوت خوانده است چیست؟

مستحب است در رکعت دوم خوانده شود; البته در نماز جماعت اگر در رکعت اول تبعاً قنوت بخواند، در رکعت دوم دیگر مستحب نیست، ولی در مورد سؤال به نظر من در رکعت دوم مستحب است خوانده شود.

س۱۵۷ : در هنگام نماز خواندن متوجه می شویم زخم انگشتمان سرباز کرده است و مقدار بسیار کمی خون اطراف زخم بوجودآمده است، دراین صورت حکم نمازگزار چیست؟

نماز صحیح است.

س۱۵۸ : ۱: حکم نمازگزاری که در رکعت دوم بعداز تشهد (نمازهای سه و چهار رکعتی) ذکر سلام را بگوید چیست؟

۲: اگر در وسط ذکر سلام بفهمد و به یاد بیاورد حکم چیست؟

۱: عمداً سلام بگوید نماز باطل است و اگر سهواً، بگوید نماز را تمام کند و سجده سهو برای زیادی سلام سهوی انجام دهد.
۲: همان جا سلام را قطع کند و نماز را ادامه دهد بعداً دو سجده سهو احتیاطاً انجام دهد.

س۱۵۹ : آخر وقت نماز عشاء چه وقتی(ساعتی) قضا می شود؟

آخروقت نماز عشاء نصف شب است و شب را باید از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، نه تا اول آفتاب. بنابراین تقریبا یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت عشاء است.

س۱۶۰ : ۱: آیا می توان یکبار ذکر تسبیحات اربعه را بجای سه بار گفت؟

۲: آیا می توان یک بار ذکر سبحان الله در رکوع و سجده را به جای سه بار گفت؟

۱. بله، یکبار

گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سه و چهار کافی است.

۲. باید سه بار بگوید، ولی در حال ناچاری یک بار کافی است.

س۱۶۱ : هنگام سجده تماس بینی با زمین، برای نماز مشکل بوجود می آورد یا خیر؟

اگر تماس بینی با چیزی که سجده بر آن صحیح است واجب نباشد از مستحبات می باشد و بدون اشکال.

س۱۶۲ : در هنگام خواندن نماز، طفلی مهر را بر می دارد، پیشانی را هنگام سجده باید روی انگشتان قرار داد یا بر روی فرش؟

باسجده بر انگشت یا فرش اگر وقت ضیق نباشد، نماز باطل است و اگر وقت ضیق است و چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، اول باید به پیراهن سجده کند، مرتبه دوم روی کف دست، مرتبه سوم معادن.

س۱۶۳ : در چه مواقعی نماز به طور کلی از گردن انسان ساقط می شود؛ یعنی باید چه شرایطی به وجود بیاید، تا نماز فرد از گردن او ساقط گردد؟

در حال جنون و اغماء و در حال حیض.

س۱۶۴ : بهترین تعقیب مشترک نمازها چیست (اگر شرایطی باشد که فقط امکان خواندن یک تعقیب وجود دارد)؟

تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها، از همه تعقیبات بهتر است.

س۱۶۵ : فضیلت خواندن تعقیبات بیشتر است یا نوافل یومیه؟

جمع بین آنها بهتر است و در تعقیبات تسبیح حضرت زهراء سلام الله علیها، از همه نوافل افضل است.

س۱۶۶ : آیا مرد بر روی فرش ابریشم یا زیرانداز چرمی می تواند نماز بخواند؟

بله، می تواند بر روی آن زیر انداز نماز بخواند.

س۱۶۷ : در چه صورتی انسان می تواند نماز خود را نشسته بخواند؟ آیا افرادی که کمر درد یا پا درد دارند می

توانند برای جلوگیری از بدتر شدن حال خود، از ایستادن یا سجده کردن خودداری کنند؟ لطفا با توجه به راحت بودن این کار در نزد مردم، حدود آن را که مجوز آن می شود بیان فرمایید.

تا انسان می تواند باید ایستاده نماز بخواند و نباید بنشیند. درد کمر و پا مجوز نشستن نماز خواندن نیست، مگر آنکه درد به حدی زیاد باشد که قابل تحمل نباشد.

س۱۶۸ : من تابه حال در قنوت دعا به زبان خودم (ترکی) می خواندم، با توجه به نظر شما نماز من اشکال دارد; حال تکلیف نمازهایی که خوانده ام چیست؟

نمازهایی که خوانده اید صحیح است و قضاء لازم نیست.

س۱۶۹ : من در کار کارگری مشغول هستم و برای کسی کار می کنم که مخالف نماز خواندن می باشد و نماز خواندن را در ساختمان نو پایش، شوم و موجب بدبیاری می داند، حال این امکان وجود دارد که من بدون توجه به راضی بودن یا نبودن او نمازم را در ساختمان او بخوانم یا نه؟ اگر «نه» پس تکلیف من چیست؟ چون در غیراین صورت من باید تا عصر منتظر بمانم تا از کار فارغ شوم.

نماز را به هیچ عنوان نمی شود ترک کرد، اول وقت نخواندن اشکال ندارد. شما عصر که از کار فارغ می شوید، قبل از غروب آفتاب، نماز ظهر و عصر را بخوانید و چنانچه راضی نباشد که در ساختمان او نماز بخوانید نماز صحیح نیست. و اگر بتوانید راضیش کنید که هم نمازتان صحیح است و هم جلوی منکر را گرفته اید که خود کار بزرگی است.

س۱۷۰ : مختصرترین راه نماز وتر که شب خوانده

می شود چیست؟

قنوت نماز وتر که یک رکعت آخر نماز شب است با یک دعای مختصر قنوت و هفتاد مرتبه استغفرالله و اتوب الیه و هفت مرتبه «هذا مقام العائذ بک من النار» می توانید امتثال کنید و بقیه ادعیه و اذکار از اجزاء مستحبه است.

س۱۷۱ : در اتاقی (محلی) که زنا شده می شود نماز خواند؟ اگر نماز بخوانیم درست است؟ (با وجود این که بدانیم در آنجا قبلا زنا شده)

نماز صحیح است.

س۱۷۲ : کسی که برای جواب دادن به تلفن، نماز خود را قطع کند آیا مرتکب گناه شده است؟ (حتی اگر تلفن مهمی باشد)

چنانچه تلفن مهمی باشد و با جواب ندادن محذوری مترتب می شود، قطع نماز گناه نیست.

س۱۷۳ : فضائل نماز و طریقه قرائت و تلفظ آن را بیان فرمایید.

روایات مشتمل بر فضائل نماز آن قدر زیاد است که در این مختصر نمی گنجد. نماز یکی از پنج رکن اسلام است و در روایات، معصومین(علیه السلام)فرموده اند بعد از ولایت افضل اعمال است یا در روایات دیگر بعد از معرفت بیان شده است; اما طریقه قرائت باید به لسان عربی صحیح خوانده شود.

س۱۷۴ : با توجه به اینکه سنت نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) و ائمه هدی(علیهم السلام)، اقامه نمازهای واجب در ۵ نوبت بوده است، چرا در حال حاضر نمازها در سه نوبت اقامه می شود و اذان نیز در سه نوبت رسماً پخش می شود; در حالی که اهل سنت این گونه عمل نمی کنند؟ اگر انسان خود نمازهایش را در ۵ نوبت اقامه کند چگونه است؟

پنج نوبت یا سه نوبت ملاک نیست، آنچه در روایات ملاک است دو

امر است نخست: آنکه وقت فضیلت و اجزاء ملاک است و دوم خواندن نافله. از این رو در حال سفر و روز جمعه جمع بین ظهر و عصر; یعنی در یک نوبت خواندن افضل از تفریق است یکی ازاصحاب امام صادق(علیه السلام) منتظر دخول وقت فضیلت برای خواندن نماز عصر بود. حضرت فرمود تعیین آن وقت برای نافله است تو که نافله خوانده ای منتظر نمان; بهتر است در خواندن نماز عصر عجله بکنی. پس چون عامه مردم در نماز ظهر و عصر نافله نمی خوانند، در دو نوبت خواندن بهتر نیست، بلکه در یک نوبت بهتر است و هم چنین نماز مغرب و عشاء. خود پیغمبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار(علیهم السلام)، مکرر نماز جمع خوانده اند.

س۱۷۵ : اگر نمازگزار در زمان شروع نماز، در تکبیره الاحرام شک کند که تکبیر را درست گفته یا نه و دوباره تکبیر را بگوید، نماز او صحیح است؟

اگر هنگام گفتن تکبیره الاحرام شک کند، درست گفته قهراً آن تکبیر باطل است و دوباره باید بگوید و احتیاطاً می تواند یک کلمه بگوید تا نماز او باطل شود. اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند، به مقتضی قاعده فراغ، حکم به صحت می شود و تکبیر دوم موجب بطلان نماز می شود.

س۱۷۶ : اگر کسی در تعداد رکعات نماز صبح یا مغرب مرتب شک کند، آیا نمازش باطل است یا کثیرالشک محسوب می شود؟

کثیرالشک محسوب می شود و باید به شک خود اعتنا نکند و نمازش صحیح است.

س۱۷۷ : کسی که در هر نماز یا هر دو نماز یکبار شک کند که سجده ای را انجام

نداده وظیفه او چیست. آیا باید اعتنا کند یا کثیرالشک است و از شکش بگذرد؟

باید بگذرد و سجده را انجام ندهد.

س۱۷۸ : اینجانب در مواقع زیادی در تعداد رکعات نماز شک می کنم، و با تلاش زیادی هم که کردم باز نمی توانم نحوه برخورد با شکیات در تعداد رکعات را کامل یاد بگیرم و فراموش می کنم. اگر در هنگام شک به نحوی ادامه دهم که بعد از نماز معلوم شود اشتباه بوده، آیا نماز صحیح است یا اعاده لازم است؟ (مثلا بنارا بر ۳ باید بگذارم اشتباهاً بر ۴ بگذارم)

چنانچه شما کثیرالشک هستید که ظاهر سؤال این است اعتناء به شک نکنید و بنا بر صحت نماز بگذارید، بدون مراعات وظیفه تعیین شده بر شک و چنانچه کثیر الشک نباشید به آن گونه که نوشته اید، اگر عمل کنید نماز باطل است باید اعاده نمایید.

س۱۷۹ : اگر در هنگام شک هیچ راه حلی به ذهنم نیاید و به نتیجه ای نرسم، چه کاری باید انجام دهم؟

باید تأمل کنید و فکر کنید که راه صحیحی پیدا شود و به آن عمل کنید و اگر پیدا نشد و شک مستقر شد، صبر کنید تا صورت نماز از بین برود و نماز باطل شود. بعید نیست باطل کردن نماز هم جایز باشد.

س۱۸۰ : اگر کسی متوجه شود که پدرش همه اموال خود را از طریق مشروع به دست نیاورده و خانه ای که در آن زندگی می کنند و سایر اموال دچار مشکل است، آیا می تواند در آن خانه نماز بخواند؟

چون یقین ندارد که خانه را به ازاء پول حرام خریده باشد، نماز خواندن در

آن خانه اشکال ندارد.

س۱۸۱ : اگر در نماز در حال قرائت سوره، مثلاـ سوره دهر... در اثناء سوره (بعد از نصف سوره یا قبل از آن)، آیه ای را فراموش کند در فرضی که قرآنی در نزد او باشد یا در دسترس او نباشد، وظیفه اش چیست؟

در هر دو صورت می تواند به سوره ای دیگر عدول کند. خصوصاً تا قبل از ثلثین سوره را بخواند صحیح است.

س۱۸۲ : اگر در اذان اشتباها «قد قامت الصلاه» گفت و (مثلا) آخر اذان متوجه شد، آیا لازم است برگردد از «حی علی خیر العمل» شروع کند یا نیازی نیست؟

لازم نیست و صحیح است.

س۱۸۳ : اگر برای رکوع دوم نماز آیات، آیه دوم سوره را فراموش کنیم و برای آنکه به ذهن خطور کند، آیه اول را که برای رکوع اول خوانده ایم تکرار کنیم و آیه دوم را هم بخوانیم و به رکوع دوم برویم، آیا نماز صحیح است؟

به قصد قرآن بودن اشکال ندارد.

س۱۸۴ : آیا اگر در نماز روی قرآن یا کتاب دعا یا کاغذ یادداشت مختصری بنویسیم، آیا منافی نماز است؟ در نافله چطور؟ کتابت مبطل صلاه هست یا نه؟

مختصر نوشتن اشکال ندارد، فعل کثیر مبطل است.

س۱۸۵ : با توجه به اینکه مواضع سجده هفت قسمت می باشد، چرا در مکتب تشیع تنها بر گذاشتن پیشانی بر خاک (مهر) تأکید شده است.

چون شارع مقدس چنین فرموده و حکمت احکام را نمی دانیم.

س۱۸۶ : اگر در هنگام نماز، مثلا به ذهن بیاید که اگر ۳ بار تسبیحات اربعه بگویم به جای ۱ بار فلان حاجتم روا می شود و گرنه نمی شود و مثل این وسوسه

ها، آیا برخلاف عادتم ۳ بـار بخوانم در نمـاز موجب بطلاـن نماز است؟ یعنی از قربت الی الله خارج است. از این قبیل حالات زیاد برایم رخ می دهد، لطفاً راهنمایی بفرمایید.

خیر موجب بطلان نیست، به این گونه حالات اعتناء نکنید که ممکن است منجر به وسوسه شود.

س۱۸۷ : بعـد از سـجدتین جلسه استراحت لاـزم است یـا خیر؟ اگر جلسه استراحت سـهواً ترک شود و نمـازگزار در حـال قیام متوجه شود، چگونه آن را باید تدارک نماید؟

لزوم معلوم نیست، بلکه اسـتحباب آن قوی است واگر فراموش شود و در حال قیام متوجه شود، می تواند بنشیند و تدارک کند ولی لازم نیست.

س۱۸۸ : وقت فضیلت نماز عصر چیست؟

کسـی که نوافل ظهر و عصـر را بخواند و نماز فریضه ظهر را هم بخواند، بعد از خواندن هشت رکعت نافله عصـر وقت فضیلت نماز عصـر شـروع می شود و کسی که نافله نخواند، وقت فضیلت نماز عصر از موقعی که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می شود، به دو وجب برسد تا به چهار وجب برسد.

س۱۸۹ : اگر مـأموم به خطبه نمـاز جمعه نرسـد، آیـا واجب است نماز ظهر را پس از نماز جمعه بخوانـد یا اگر خطبه را گوش دهد، ولی درک نکند، حکم چیست؟

به فتوای من در زمان غیبت کسانی که در نماز جمعه حاضر می شوند، نماز ظهر را بنا به احتیاط لزومی باید بخوانند.

س۱۹۰ : اگر پیش شخص عادلی برویم و او قرائت نمازمان را صحیح بداند هیچ شکی نباید بکنیم؟

او را چنانچه اهل تشخیص می دانید، هیچ شک نکنید.

س۱۹۱ : آیا نماز آخر وقت معصیت دارد؟

معصیت ندارد.

س۱۹۲ : استفتاء حضرتعالی

در مورد خواندن نمازهای زیارت و نمازهای مستحبی به سمت ائمه به طوری که مرجع شریفشان قبله قرار گیرد با توجه به این روایت که می فرمایند: «نحن الصلاه فی کتاب الله عزوجل، ونحن الصلاهو... ونحن کعبه الله ونحن قبله الله و...» چیست؟

نماز خواندن رو به قبر امام(علیه السلام) جایز نیست، مگر در مواردی که استقبال قبله از شرطیت ساقط شده باشد، مانند نماز مستحبی که در حال راه رفتن خوانده شود یا مورد دوران الامر بین چهار جانب جنوب، شمال، شرق و مغرب که در این مورد چون نماز به یک طرف خواندن کافی است و در غیر این موارد جایز نیست. این دو روایت ربطی به استقبال در نماز ندارد.

س۱۹۳ : اگر شخصی نتواند نماز ایستاده بخواند و بر روی صندلی باشد، هنگام سجده می تواند با دست مهر را بر پیشانی بگذارد یا اینکه باید جایگاه مهر ثابت باشد؟

در صورت امکان باید به سجده برود و مهر را در زمین گذاشته و پیشانی را به مهر بگذارد. و اگر تمکن ندارد با سر تکان دادن، و اشاره نمودن بدل از سجده راانجام دهد و مهر به پیشانی گذاشتن لازم نیست، ولی بهتر است.

س۱۹۴ : نمازگزاری که در رکعت سوم تشهد و سلام را بگوید و در حین گفتن ذکر سلام متوجه شود که رکعت چهارم را نخوانده است، حکم او چیست؟ اگر بعد از اتمام ذکر سلام سریعاً بفهمد رکعت چهارم را نخوانده است، آیا باید نماز را دوباره بخواند؟

در هر دو مورد باید بایستد و رکعت چهارم را بخواند و بهتر است برای تشهد و سلام زیادی سجده سهو به جا

آورد. نماز باطل نمی شود و لازم نیست دوباره بخواند.

س۱۹۵ : من به علت بیماری، مجبور هستم عمل جراحی انجام دهم و مدت ۲ ماه در بیمارستان بستری شوم. قصد دارم نمازهایم را در روی تخت که شاید رو به قبله هم نباشد و بدون طهارت و وضوء به جا آورم، آیا بعد از اینکه بتوانم حرکت کنم، باید تمام نمازهایی که در شرایط بیماری خوانده ام اعاده کنم و یا اینکه اعاده لازم نیست؟

چنانچه تخت را رو به قبله بگذارید، اگرچه نماز را خوابیده بخوانید و اگر وضوء نتوانستید بگیرید تیمم کنید نماز بخوانید اعاده لازم نیست و نمازتان صحیح است.

س۱۹۶ : تحت الحنک یعنی چه و در چه جاها و اعمالی تحت الحنک مستحب است؟

الحنک یعنی زیر چانه انسان، التحنک، یعنی آویزان کردن مقداری از عمامه را زیر چانه و در نماز کسی که عمامه دارد، مستحب است از عمامه مقداری زیر چانه آویزان کند.

س۱۹۷ : آیا برای انجام نمازهای واجب به مجرد شروع اذان از صدا و سیما، می توان اقامه نماز کرد یا باید مقداری صبر کرد؟ و این صبر کردن چه مقداراست؟

باید اطمینان به داخل شدن وقت نماز بکنید. من خودم مقداری صبر می کنم، بعد از تمام شدن اذان نماز می خوانم، ولی اذان شخصی که مورد اطمینان است با شروع او به اذان می توان نماز خواند.

س۱۹۸ : مأموم در کدامیک از موارد زیر می تواند تکبیره الاحرام بگوید و وارد نماز شود:

الف: در قنوت امام، ب: در فاصله بین اتمام سوره و وارد رکوع شدن امام.

در هر سه مورد می تواند به نماز وارد شود و به

امام جماعت اقتداء کند.

س۱۹۹ : منظور از قیام متصل به رکوع چیست؟ آیا پس از اتمام سوره و قبل از خم شدن برای رکوع یک لحظه صبر کردن و ایستادن کافی است؟

منظور آن است که از حال قیام به رکوع رود، نه آن که بنشیند و رکوع از حالت جلوس بنماید; و لحظه ایستادن قبل از خم شدن کافی است.

س۲۰۰ : اگر طلبکار در اثناء نماز به مدیون رجوع و مطالبه طلب خود را بکند و مدیون بدون بهم زدن نماز، نتواند دین خود را ادا کند، آیا واجب است نماز را بشکند و دین را پرداخت کند؟ در صورتی که نماز خود را تمام کند، آیا صحیح است یا نیاز به اعاده دارد؟ چنین حکمی درباره اجیر نیز جاری است؟

اگر دین مؤجل باشد که یقیناً شکستن نماز جایز نیست و اگر مدت دین تمام شده است و بدون بهم زدن نماز نمی تواند اداء دین کند، شکستن نماز واجب است و همین حکم درباره اجیر نیز جاری است.

س۲۰۱ : آیا اجیر با وسعت وقت می تواند در مدت اجاره، بدون اذن مستأجر نماز واجب را بجا آورد؟

چنانچه مدت اجاره تمام شده است و رضایت مالک را احراز نکرده است، بدون اذن مؤجر نمی تواند نماز بجا آورد.

س۲۰۲ : در مورد مستخدمین دولتی که در قبال دریافت مزد وظیفه ای را بعهده می گیرند; هرگاه نماز خواندن آنها موجب معطلی مراجعین شود، آیا جایز است در وقت کار با تعطیل کردن کار نماز واجب یا اعمال مستحبی دیگری بجا آورند؟

در صورتی که بر خلاف عملی که به عهده گرفته است باشد نماز و اعمال مستحبی

را نمی تواند بجا آورد و چنانچه برخلاف نباشد، هیچ کدام اشکال ندارد.

س۲۰۳ : اگر کسی بعد از نماز ظهر، لکه ای در روی زیر شلوار خود ببیند، ولی نداند که کی جنب شده، آیا نمازهای روزهای قبل خود را باید قضاء کند یا خیر؟

اگر بداند که آن لکه منی است و بعد از خروج آن هم غسل نکرده است، باید برای نمازهای بعد غسل کند و نمازهائی که یقین دارد که با جنابت خوانده را قضا نماید؛ اما آن نمازهائی که احتمال می دهد بعد از جنابت خوانده، لازم نیست قضا کند.

س۲۰۴ : حکم شما در مورد جهت قبله و اوقات شرعی در فضا چیست؟

چون قبله خصوص کعبه نیست، بلکه من تخوم الارض الی عنان السماء قبله است؛ بنابراین اگر شخص تمکن از قبله دارد به قبله نماز بخواند و اگر تمکن ندارد، به هر طرف نمازش را بخواند درست است.

اما از حیث وقت چنانچه هیچ راهی بر تشخیص وقت ندارد، بهترین راه این است که نمازهای یومیه را در هر ۲۴ ساعت با فاصله بین آنها انجام دهد و اگر بتواند با تماس با زمین، محلی مانند ایران یا عراق را اختیار کند، نمازها را بر تطبیق آن اوقات انجام دهد.

س۲۰۵ : بنده نمازم را چون به عربی می خوانم، مفهوم واقعی نماز را درک نمی کنم، آیا می شود نماز را به فارسی خواند؟ اگر جواب منفی است چرا؟

نمی شود نماز را به فارسی خواند. در عبارات باید همانگونه که دستور داده شده عمل شود، مثلا نماز مغرب ۳ رکعت است، شما اگر ۴ رکعت بخوانید باطل است.

س۲۰۶ : در نماز پس

از رکوع، آیا هنگام گفتن «الله اکبر» حتماً بدن باید راست باشد یا در حین پایین رفتن برای سجده هم می توان «الله اکبر» را گفت؟

در وقت تکبیر گفتن بدن باید راست باشد.

س۲۰۷ : معلمی سر کلاس درس، قرآن می خواند به آیه سجده واجب می رسد، آیا در همانجا می تواند روی میزسجدهواجب انجام دهد (با آنکه هفت اعضای سجده به زمین نمی رسد)؟

در سجده باید محل سجود بلندتر از زمین به مقدار زاید بر چهار انگشت نباشد. پس سجده بر میز کافی نیست و بنابراحتیاط باید اعضاء هفتگانه هم در حال سجده واجب روی زمین گذاشته شود.

س۲۰۸ : با توجه به اینکه طول روز در زمستان بسیار کوتاه است، (در حدود ۲ تا ۳ ساعت) و در تابستان خیلی طولانی در (حدود ۲۲ ساعت)، حکم زمان نماز و افق چگونه است؟

تقدیر به ساعت نیست، بلکه بطلوع فجر و زوال خورشید و غروب خورشید است که مشخص و معلوم است.

س۲۰۹ : چنانچه فردی گوشت حیوان حرام گوشتی (مثلاـ خوک) را با اطلاع از حرام بودن بخورد، چه حکمی دارد و نماز او چه می شود؟

خوردن آن حرام ولی حکم خاصی ندارد. نماز هم با رعایت اجزاء و شرائط صحیح است و خوردن آن موجب بطلان نماز نمی شود.

س۲۱۰ : چرا قبل از تسبیحات اربعه «بسم الله...» گفته نمی شود؟ آیا پیامبر و امامان – سلام الله علیهم – تسبیحات اربعه را در نماز می خواندند؟ زیرا من در یک حدیث که از علمای اهل سنت از پیامبر صلوات الله علیه نقل شده بود خواندم که نماز بدون سوره حمد صحیح نیست؟

تسبیحات اربعه

ذکر است و «بسم الله الرحمن الرحیم» از آیات قرآنیه است و در اول سوره قرآن خوانده می شود و پیامبر(صلی الله علیه وآله)و ائمه هـدی(علیهم السـلام) در رکعت سوم و چهارم نماز تسبیحات اربعه می خواندند و آنچه نقل می کنند که نماز بدون سوره حمد صحیح نیست، مربوط به رکعت اول و دوم است.

س۲۱۱ : معنی دقیق «علی ولی الله» چیست؟

امـام علی(علیه السـلام) از طرف خـدای تعالی بر ولایت مطلقه انتخاب شـده و فی ...ĘΘŞ...الواثیق عن صـادق «اهل البیت(علیه السـلام)فی تفسیر آیه انما ولیکم الله یعنی اولی بکم ای احق بکم و باموركم من انفسکم و اموالکم الله و رسوله و علی و اولاده الائمه الی یوم القیامه».

س۲۱۲ : آیا معصومین نماز ظهر و عصر را با هم می خواندند; زیرا به استنباط من امام حسین سلام الله علیه در میدان جنگ هنگام یادآوری یکی از یارانش به وقت نماز ۴ رکعت نماز خواند؟

خود پیغمبر چندین مرتبه نماز ظهر و عصر را با هم خوانده و فرمودند من بدون هیچ محذوری این ۲ نماز را با هم می خوانم تا مردم اعتراض نکنند به کسانی که جمع بین ۲ نماز می کنند.

س۲۱۳ : من به علت درد کمر(دیسـک کمر) و پیشـگیری از آن و همچنین درد زانـو، در خـانه نمـاز را به صـورت نشسـته می خوانم ولی در بیرون از خـانه مثلا در مسـجد یا جاهای دیگر نماز را ایسـتاده می خوانم. چون دکتر به من گفته که اصـلا نباید خم یا راست شوی و دو زانو بنشینی یا تا جایی که امکان دارد این کار را انجام ندهی. به نظر

شما نماز من درست است؟

با گفتن دکتر اشکال ندارد، ولی اگر نماز را همیشه در مسجد بخوانید بهتر و موافق احتیاط است.

س۲۱۴ : آیا حرف زدن و یا آب خوردن بین رکعت های نماز شب نماز را باطل می کند (مثلا بعد از دو رکعت اول کسی حرف بزند یا آب بخورد و بعد ادامه دهد)؟

بین نمازها بعد از سلام و قبل از تکبیر، برای نماز دوم حرف زدن و چیز خوردن، هیچ اشکال ندارد.

س۲۱۵ : نماز وحشت چگونه خوانده می شود و آیا واجب است؟

نماز وحشت واجب نیست. نماز وحشت دو رکعت است که در رکعت اول بعد از حمد آیه الکرسی تا «هم فیها خالدون» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «انا انزلنا» ده مرتبه خوانده شود و بعد از نماز بگوید «اللهم صلی علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابهاالی قبر فلان» اسم میت را ببرد.

س۲۱۶ : اگر کسی نماز جمعه نرود از چه ساعتی می تواند نماز ظهر را بخواند؟

از همان اول ظهر، نماز ظهر را می توان خواند.

نماز جماعت

س۲۱۷ : با توجه به سختی اطمینان از شرایط یک امام جماعت، آیا با اعتماد کم به امام جماعت نماز خواندن بهتر است یا فرادا خواندن؟ (معمولا شناخت لازم به سختی به دست می آید)

اگر امام را عادل بدانید، شکی نیست که جماعت بهتر است و اگر امام را عادل نمی دانید، نمی توانید جماعت بخوانید.

س۲۱۸ : اگر کسی در هنگام نماز جماعت به رکعت دوم برسد و در رکعت سوم نماز جماعت که رکعت دوم خودش می شود، شروع به خواندن سوره توحید کند و در این حالت

پیش نماز می خواهد از رکوع بلند شود; با توجه به اهمیت نماز جماعت، چه باید کرد؟

سوره را قطع کند و به رکوع برسد و نمازش صحیح است.

س۲۱۹ : با توجه به سئوال قبل حکم کسی که در این حال سوره را قطع کرده است چیست؟

حکم زائدی ندارد، چون هم نماز و هم جماعتش صحیح است.

س۲۲۰ : شخصی در رکعت دوم نماز جماعت، هنگام خواندن حمد و سوره، به صف نمازگزاران ملحق می شود، آیا این شخص می تواند در رکعت اول خود با نمازگزاران دیگر قنوت بخواند؟

بله، جایز است.

س۲۲۱ : با فرض صحیح بودن نماز (در سوال قبل) آیا شخص مورد نظر می تواند در رکعت دوم خود با توجه به بودن وقت انجام قنوت، برای بار دوم در نماز قنوت بخواند؟

جایز نیست.

س۲۲۲ : اگر در نماز جماعت، اتصال صف بوسیله اینجانب باشد و وضوی من در اثنای نماز باطل شد، آیا نماز صفی که بواسطه من متصل شده باطل می شود و باید به آنها اعلام کرد؟

اعلام لازم نیست و نماز آنها صحیح است اگر چه در اصل متصل نباشند.

س۲۲۳ : آیا امام جماعت حمد و سوره نماز جماعت را می تواند در نمازهای ظهر و عصر جهراً بخواند؟ آیا کسی قائل به این امر می باشد؟

خیر نمی تواند، مگر نماز ظهر روز جمعه آن هم اختصاص به امام جماعت ندارد.

س۲۲۴ : حکم شخصی که در میان نماز جماعت، وضویش باطل می شود چیست؟

باید نماز را ترک کند. نماز بی وضوء نماز نیست.

س۲۲۵ : در صف جماعت شخصی در کنار ما بدون داشتن وضوء و فقط برای خودنمایی به نمازآمده است، آیا نمازی

که ما در کنار این شخص می خوانیم، صحیح می باشد؟ (با علم به اینکه این شخص وضوء ندارد)

اگر فاصله او مضر به اتصال شما نیست، مثلا شما متصل به جماعت از طریق صف جلو یا صف طرف دیگر هستید، صحیح است واشکال ندارد.

س۲۲۶ : در نماز جماعت، اگر کسی سهواً زودتر از امام از رکوع یا سجده برخیزد، ولی عمدی نباشد نمازش چه حکمی دارد، آیا معصیتی مرتکب شده است؟

نمازش صحیح است، و مرتکب خلاف وظیفه شرعیه نشده است.

س۲۲۷ : حکم نمازگزاری که در نماز جماعت عمداً زودتر از امام جماعت سر از سجده بر می دارد (یا از رکوع قیام می نماید) چیست؟

جایز نیست، ولی جماعت به هم نمی خورد.

س۲۲۸ : خواندن نماز فرادی مقارن با نماز جماعت، بدون عذر و دلیل و در صورتی که توهین به امام جماعت شود چه حکمی دارد؟

توهین به هیچ مؤمنی جایز نیست و نمازی که توهین به امام عادلی باشد باطل است و غیرجایز، البته با خصوصیات هر موردی شرط عدم جواز این است که اهانت احراز بشود وگرنه اشکال ندارد.

س۲۲۹ : هرگاه مأموم یک یا دو رکعت دیرتر به جماعت برسد، آیا موقع تجافی خواندن تشهد با امام واجب است یا مستحب؟ در رکعت آخر امام چطور و آیا موقع سلام امام، مأموم می تواند ساکت باشد یا باید مشغول ذکر شود؟

موقع تجافی خواندن تشهد مستحب است و در رکعت آخر امام هم به همین نحو است؛ یعنی مستحب است تشهد را بخواند، ولی سلام را نباید بگوید بلکه احتیاط مقتضی است بعد از تشهد و قبل از سلام برخیزد و نماز را به قصد

فرادا تمام کند.

س ۲۳۰ : خواهشمند است نظر خود را در مورد امام جماعت بودن خانم ها – شبیه کاری که در یکی از مساجد امریکا صورت گرفت – بیان فرمایید؟ در صورت امکان مواردی را که خانم ها در اسلام از عهده دار شدن آن منع شده اند بیان فرمایید؟

امام جماعت شدن خانم ها برای آقایان جایز نیست و برای خانم ها جایز است، ولی مکروه است; یعنی ثواب آن زیاد نیست. دلیل آن هم روایات است.

س ۲۳۱ : خواندن نماز فرادی همزمان و مصادف با نماز جماعت چه حکمی دارد؟

چنانچه موجب نسبت فسق به امام جماعت نباشد اشکال ندارد.

س ۲۳۲ : ما دانشجویان دانشگاه...، با وجود ریاست محترم دانشگاه و علما و اساتید و معممین دانشجوی دکترا، در بیشتر نمازها مجبور هستیم به امامت یک شخص غیرمعمم نماز بخوانیم و ایشان مدعی است که از طرف ریاست دانشگاه امام راتب مسجد می باشد; این در حالی است که بسیاری مواقع اساتید ما که روحانی هستند و بعضا استاد فقه و دارای درجه اجتهاد نیز می باشند، مجبور هستند پشت سر ایشان نماز بخوانند به نظر حضرتعالی حکم این نماز چیست؟

در نماز جماعت با تمام اهتمامی که شارع مقدس به آن داده و فضائلی که ذکر شده است شرایط خاصی غیر از عدالت و صحت نماز از حیث قرائت و لباس و مکان ندارد و چنانچه عالم باشد ثواب آن زیادتر است; اما داشتن عمامه شرط نیست.

س ۲۳۳ : با توجه به اینکه برای امامت نماز، دارا بودن شرایطی لازم می باشد، آیا می توان در هر صف جماعتی به امام حاضر اقتدا نمود؟ در واقع در بعضی

اماکن دیـده می شود که افراد بدون اینکه نام امام جماعت را بدانند و یا حتی او را ببینند، تنها به صـرف اینکه از فضـیلت نماز جماعت بهره ببرند به او اقتدا می نمایند. آیا چنین عملی درست است؟ نظر حضـرتعالی در خصوص نظریه فقهی بلاد کبیره که اخیراً مطرح می شود، چیست؟

امام جماعت بایـد عادل باشـد و جاهائی که مردم به امامی اقتـداء می کنند مختلف است در بعضـی از اماکن با اقتدای جمعیتی انسان اطمینان پیـدا می کنـد که اینها تفحص کرده و عـدالت امام را تشـخیص داده اند در آن اماکن می توان اقتداء نمود. بلاد کبیره به آن معنی که حـال معروف است حکم خاصـی نسـبت به نماز نـدارد و آنچه در کلمات فقهاء قـدیم عنوان شـده است، معنای دیگری دارد؛ به هر حال شهر بزرگ حکم خاصی ندارد.

س۲۳۴ : ۱: در مسجدی امام جماعت آن که حدود ۳۵ سال به صورت منظم و هر سه وقت اقامه جماعت می کرده اند به عللی مسـجد را به حالت اعتراض ترک می کنـد. پس از مـدتی اشخاصـی بدون کسب اجازه از ایشان اقدام به برگزاری جماعت در این مسجد می کنند. بفرمایید آیا نماز جماعت و اقتدا به این آقایان در این مسجد صحیح است یا نه؟

۲: آیا نماز فرادا در این مسجد اشکال دارد؟

۳: بر فرض اینکه شخص یا نهاد ثالثی این آقایان را منصوب کرده باشند، اقامه جماعت در این مسجد چه حکمی دارد؟

۴: کسـانی که از موضوع اطلاع ندارنـد و نمازشـان را به این آقایـان اقتـدا می کننـد، نمازشان چه حکمی دارد؟ کسانی که از موضوع اطلاع داشته و

دانسته و نمازشان را به این آقایان اقتدا می کنند، نمازشان چه حکمی دارد؟

۱: امام راتب به امامت مسجد حق پیدا می کند ولی حقی است غیرلزومی. بنابراین اقتداء به کسی که غیر امام راتب است و بدون اذن او اقامه جماعت می نماید، اشکال ندارد.

۲: مانند سایر مساجداست.

۳: صحیح است.

۴: هر دو دسته نمازهاشان صحیح است.

س۲۳۵ : آیا اقتدا به امام جماعتی که در قرائت ایراد دارد جایز است؟ آیا امام جماعتی که پول بابت برپایی نماز جماعت از مسجد می گیرد، عدالتش صحیح می باشد؟

مراد از ایراد اگر غلط خواندن است، اقتداء نکنید و اگر مراد غیر آن است اشکال ندارد.

اجرت گرفتن برای امام جماعت شدن جایز نیست; ولی پولی که برای مسجد و جماعت و امام و غیر آنها قرار داده شده است; چه وقف چه خیرات دیگر، گرفتن آن اشکال ندارد

س۲۳۶ : اگر مأموم در قرائت رکعت اول اقتدا کند و به علت جمعیت زیاد جماعت یا به علل دیگر، به رکوع رفتن امام را متوجه نشود و موقعی متوجه می شود که امام به سجده رفته در این حال رکوع را انجام داده و خود را به سجده اول یا دوم امام می رساند; آیا در این صورت نماز وی باطل است؟ اگر به سجده دوم امام هم نرسد و در تشهد به امام رسید، چه صورت دارد؟

اگر در قبل از قرائت یا اثناء قرائت، داخل جماعت شده است، نماز و جماعتش صحیح است و رکوع و سجود بنماید یک رکعت حساب می شود و اگر بعد از قرائت داخل شده باشد و درک رکوع نکند، آن رکوع برای رکعت

حساب نمی شود، بلکه می تواند با امام رکعت را شروع کند یعنی بایستد تا امام داخل رکعت بعد بشود یا متابعت در سجدتین بنماید ولکن از نماز او محسوب نمی شود.

و اگر سجدتین را درک نکند و یا سجده دوم را متابعت امام ننماید، باید بایستد تا امام رکعت بعد را شروع کند.

س۲۳۷ : آیا برگزاری نماز جماعت به طور همزمان در اداراتی که مسجد در کنار آنها موجود است، موجب بی احترامی به مسجد است؟

چون این عمل رایج شده، بی احترامی به مسجد نیست، اگر در ادارات نماز جماعت منعقد نشود، عده ای نماز نمی خوانند یا فرادی می خوانند یا در آخر وقت و همه اینها مذموم است به نظر من کار خوبی است.

نماز قضاء

س۲۳۸ : برای خواندن نمازهایی که نخوانده ام، می توان، مثلا صد بار نماز صبح را خواند یا باید هفده رکعت نمازها را پشت سرهم خواند؟

ترتیب در نماز قضا معتبر نیست و می توانید صد بار نماز صبح بخوانید.

س۲۳۹ : بنده مدتی نمازهای مغرب و عشایم را خارج از نیمه شب شرعی و با نیت ادا می خواندم (فکر می کردم در این ساعت نماز ادا می باشد)، حالا که فهمیدم ادا نبوده و قضا بوده، چه باید بکنم؟

کاری لازم نیست چون در تطبیق خطا کرده اید; این گونه اشتباه نماز را باطل نمی کند.

س۲۴۰ : شخصی فوت کرده است و مقداری نماز و روزه بر ذمه اش بوده است، فرزندان او بعد از مرگ او قبول کرده اند که نماز و روزه او را انجام بدهند. آیا با این قبول فرزندان، ذمه میت بری می شود و

عذابی از این بابت متوجه او نخواهد بود و آیا ذمه فرزندانی که متعهد شده اند مشغول به نماز و روزه میت می شود؟

تا انجام ندهند ذمه میت بری نمی شود. پسر بزرگ مکلف است انجام دهد و بقیه اگر اجیر شده باشند، ذمه شان مشغول می شود و گرنه به مجرد وعده، ذمه شان مشغول نمی شود.

س۲۴۱ : آیا خواندن نماز عشاء در ساعت ۱۲: ۰۰ شب قبول است یا باید همان وقت به نیت قضاء خواند؟

یازده ساعت و ربع بعد از ظهر، نماز عشاء قضاء می شود.

س۲۴۲ : دانشجویی که تا چندی پیش با فرض اینکه از مرجع اعلم تقلید می کند، مقلد مجتهدی بوده است و طبق نظر ایشان نمازهای خود را در ایامی که در محل تحصیل اقامت داشته است، حدود ۲ یا ۳ روز در هفته در طی ترم تحصیلی، طی ۴ سال گذشته تمام می خوانده و روزه های خود را هم می گرفته است اکنون به حضرتعالی رجوع نموده است. اولا بعد از این وظیفه او چیست و ثانیاً آیا نمازها و روزه های قبلی خود را باید قضا کند یا خیر؟

تا به حال نمازها و روزه هایتان درست بوده، بعداً نیز به همان گونه عمل نمایید.

س۲۴۳ : بعضی افراد بر اثر بی توجهی، نماز خود را آخر وقت می خوانند، مثلا نماز ظهر و عصر هر دو را چند دقیقه به غروب می خوانند. آیا نماز ظهر قضاء می شود؟ وقت قضای نماز مغرب چه وقتی است؟

تا ساعتی که ۸ دقیقه به غروب خورشید باقی است، نماز ظهر قضاء نمی شود; ولی کسانی که بر اثر بی

توجهی نماز را آخر وقت می خوانند، مشمول فرمایش امام صادق علیه صلوات الله که در آخرین وصیت خود فرمودند «شفاعت ما شامل حال مستخفین به نماز نمی شود» خواهند بود و نماز اول وقت خواندن را اگر مردم بدانند که چه ثوابی بر آن مترتب می شود، ممکن نیست تأخیر بیندازند.

س۲۴۴ : آیا لازم است نمازهای قضا، مثل نماز مغرب موقعی که در وقت ظهر خوانده می شود با صدای بلند باشد همچنین بفرمایید که آیا می شود نمازهای نافله ظهر و صبح و... را بجا نیاورد، ولی نماز ۱۱ رکعتی شب را خواند؟ وقت نمازهای نافله را در این زمان حال به ساعت بفرمایید، نه با شاخص و همچنین آیا نماز عصر و عشا را می توان دو یا سه ساعت بعد از نمازهای ظهر و مغرب خواند و بهترین وقت کی می باشد، تا شخص بتواند نمازهای نافله و یا نمازهای قضایش را نیز بجا آورد و زیاد معذب نشود؟

۱. نماز مغرب در هر وقت خوانده شود، باید حمد سوره را بلند بخواند.

۲. نماز شب مرتبط با نوافل دیگر نیست و نماز شب را می توان خواند و نمازهای نافله دیگر را نخواند.

۳. وقت نافله شب از نصف شب است (ساعت یازده و ربع) بعد از ظهر تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود. مسافر و کسی که برای او خواندن نافله شب سخت است می تواند آن را در اول شب بجا آورد

۴. نماز عصر و عشاء را می توان دو یا سه ساعت بعد از نماز ظهر و مغرب خواند.

س۲۴۵ : بعضی افراد در خواندن نماز

صبح در وقت آن سهل انگاری کرده و می گویند توانایی بیدار شدن از خواب را ندارند و بعداً قضا را می خوانند، آیا این افراد هم تارک الصلاه محسوب می شوند؟ آیا قضای نماز صبح را باید به محض بیدار شدن از خواب خواند یا هر وقت دیگری باشد فرقی ندارد.

واجب است بر چنین شخصی کسی را اجیر کند او را از خواب بیدار کند; به هرحال اگر بیدار نشد و قضا شد، قضا وجوب فوری ندارد و در تأخیر مانعی نیست.

س۲۴۶ : اگر شخصی نماز قضا داشته باشد، آیا در زمان حیاتش می تواند شخصی را اجیر کند، تا نمازهای قضای او را بخواند؟

خیر، نمی تواند.

س۲۴۷ : من یک جوان ۲۴ ساله هستم که از سن بلوغ، به مدت ۸ سال نماز نخوانده ام; حالا برای بجا آوردن نماز قضا باید چه کار کنم؟

در رساله یکی از مراجع تقلید خواندم که نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب است، آیا شما این را تأیید می کنید؟

شما شروع کنید به تدریج هر وقت آمادگی دارید و کار لازمی ندارید، نماز بخوانید (قضاء) مثلا اول نمازهای صبح و بعد نمازهای ظهر و بعد عشاء.

نمازهای قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب است و چون نمازهای قضای خودتان را باید بخوانید، برای نمازهای قضای پدر و مادرتان اجیر بگیرید تا او بخواند.

س۲۴۸ : نماز عشا در چه لحظه ای قضا می شود؟

آخر وقت نماز عشاء، نصف شب است و شب را باید از اول غروب خورشید تا اذان حساب کرد، نه تا اول آفتاب. بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از

ظهر شرعی، آخر وقت نماز عشاء است.

س۲۴۹ : سوال من در رابطه با بلند خواندن نماز قضای صبح یا مغرب است. پیامبراکرم(صلی الله علیه وآله)فرموده اند: آنطور که من نماز می خوانم شما هم بخوانید اول که پیامبراکرم(صلی الله علیه وآله) نماز قضا نداشتند که ما اقتدا به روش ایشان کنیم. دوم اینکه برای جهر خواندن نماز مثلاـ نماز صبح دلیلی و شرایطی بوده که آن شرایط در وقت ظهر اگر نماز را قضا بخوانیم نیست و قاعدتاً باید شرایط نماز ظهر بر نماز قضای صبح هم صادق باشد. پس چه دلیلی برای جهر نماز قضای صبح در هنگام ظهر وجود دارد؟

روایات دلالت دارد بر اینکه حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء باید خوانده شود و برای نمازهای ظهر و عصر اخفات و در قضا روایاتی به این مضمون است «اقض مافات کما فات»; یعنی همان گونه که نماز اداء می خوانید نماز قضا را به همان نحو بخوانید.

س۲۵۰ : در سفری یک روزه به مشهد، موقع نماز عشا فراموش کردم که نمازم را باید شکسته بخوانم و کامل خواندم و بعد از بازگشت به تهران یادم آمد که نماز را کامل خوانده ام، حال تکلیف من چیست؟

چون بعد از وقت متذکر شده اید، قضا واجب نیست.

س۲۵۱ : کسی که قبل از تمام شدن وقت نافله ظهر و بعد از نماز ظهر بخواهد نافله ظهر بخواند، باید ادا بخواند یا قضا؟

باید اداء بخواند، چون در وقت خودش می خواند و قضا خارج از وقت است.

نماز مسافر

س۲۵۲ : حکم مسافری که نمی داند چه مقدار از نمازهایش قضا شده است چیست؟

واجب است به

مقـدار متیقن قضـاء کنـد، مثلا نمی دانـد یک روز نمازش قضاء شـده است یا دو روز، آنچه واجب است قضاء یک روز است، ولی بهتر است نماز دو روز را قضاء کند.

س۲۵۳ : دائم السـفر به چه کسـی گفته می شود و تکلیفش در مورد نماز و روزه چیست؟ آیا شخصـی که شرایط زیر را داشته باشد دائم السفر به او اطلاق می گردد یا خیر؟ و تکلیفش در ارتباط با نماز و روزه چیست؟

کارم به نحوی است که جهت خـدمت رسانی برنامه ریزی شـده از طرف مسـئولین کارم در شـهر محل سـکونت یا اطراف آن (بیش از ۲۴ کیلومتر)، به ماموریت در شهرستان هایی غیر از محل سکونت خود می روم، در این خصوص برنامه منظمی وجود نـدارد و بسـته به کارهای ارجاعی به محل کارم، ممکن است تغییر کنـد، ولی بهر حال می توان گفت مدت زیادی از سال در خارج از شهر محل سکونت یا در مأموریت هستم.

کسانی که شـغلشان سـفر است،ماننـد راننده نمازشان را با شـرایطی که در رساله های عملیه مذکور است، باید تمام بخوانند و روزه هم بگیرنـد; و همچنین کسـی که کارش سـفر نیست، بلکه محل کارش در بلاد دیگر غیر از وطن او است، چنانچه مکرر بشود گویا شما کارتان این چنین است، باید نماز تمام بخواند و روزه بگیرد.

س۲۵۴ : اگر کسـی به شهر دیگری نقل مکان کند و می داند که مثلا ۳ سال آنجا خواهد بود، ولی قصد اقامت نکند و بگوید که من مرتب اینجا نیستم و مسافرت طولانی می روم و نمازم شکسته است; آیاحرفش صحیح است؟آیا در این مواقع راهی

برای شکسته خواندن هست؟

بله، صحیح است. اگر بخواهد نماز تمام بخواند، باید قصد اقامه ده روز بکند.

س۲۵۵ : کسی که مدت بیش از ده سال در قم بوده و قصد توطن کرده، ولی الان حدود ۲۰ سال است که به مسقط الراس خود عودت نموده و تقریباً اعراض عملی از قم کرده، ولی اینکه صد در صد به قم برنگردد معلوم نیست; حال اگر برای زیارت به قم برود، نمازش قصر است یا تمام و اگر امام جماعت نماز جمع بخواند به هر دو نماز قصر و اتمام او می توان اقتدا کرد؟

اعراض تقریباً موجب نمی شود که حکم مسافر پیدا کند، چنانچه قطعاً اعراض نموده; یعنی تصمیم دارد که برای زندگی به قم نیاید، حکم مسافر در قم را دارد.

س۲۵۶ : دانشجوئی که ۵ سال برای تحصیل به شهر دیگری می رود و آخر هفته ها بر می گردد وظیفه او نسبت به نماز و روزه چیست؟

در شهر خود تمام می خواند و همچنین در شهر محل تحصیل. س۲۵۷ : راننده ای که نمازش در سفرها تمام است، و تصادفاً در سفری برای تهیه لوازم یدکی ماشین با وسیله دیگری، مثلا قطار سفر می کند - در فرضی که راننده اداره ای باشد و از طرف اداره برای تهیه وسائل مأمور شود و در فرضی که مستقل و برای خود کار کند حکم چیست؟

چون این گونه سفرها مربوط به شغل شخصی است، نماز را باید تمام بخواند.

س۲۵۸ : کسی که وطنش اهواز بوده و به اصفهان نقل مکان کرده و قصد توطن در آنجا را دارد، ولی هنوز چند روزی از نقل مکان

او نگذشته که برای بردن بعضی وسائل یا انجام بعضی کارها به اهواز رفته است؛ در این چند روز که در اهواز است با آنکه هنوز استقرارش در اصفهان تثبیت نشده و اعراضش از اهواز تحقق کامل نیافته - حکم نماز و روزه او چیست؟ وهم چنین به اصفهان که می رود و هنوز شش ماه از سکونتش نگذشته، آیا باید قصد اقامت ده روز داشته باشد و اگر کمتر از ۱۰ روز بماند و سفرها و رفت و آمدهائی بین اصفهان و سایر بلاد داشته باشد، آیا نمازش در اصفهان قصر است یا همان قصد توطن به تنهائی کافی است؟

در صورتی که اعراض نکرده است، حکم وطن دارد و صرف اینکه وطن دیگری دارد موجب نمی شود که حکم مسافر پیدا کند. در اصفهان چون قصد توطن دارد، حکم وطن دارد و ماندن شش ماه شرط نیست.

س۲۵۹ : حکم نماز مسافری که تا فرصت برای نماز هست، به وطن باز می گردد چیست و آیا می تواند نماز را در راه شکسته بخواند یا باید وقتی رسید کامل آن را بخواند؟

می تواند تا به منزل نرسیده و در بین راه است، نماز را شکسته بخواند و می تواند بشرط بقاء وقت صبر کند تا به وطن برسد و تمام بخواند.

س۲۶۰ : آیا در مدینه و حج عمره نماز شکسته است؟

در مدینه می توانید نماز تمام بخوانید و می توانید شکسته بخوانید.

س۲۶۱ : در حال حاضر به دلیل کار به کشور سوریه مسافرت کردم و قرار است ۳ ماه در آنجا باشم؛ ازاین رو به محض رسیدن به آنجا قصد ۱۰ روزه

کردم و نماز را کامل خواندم، ولی قبل از ده روز مسافرت رفتم و از حد خارج شدم، حال تکلیف نمازهای قبل و بعد من چیست؟

چنانچه مراد از حد خارج، حد ترخص است نمازهای قبل شما و بعد، همه باید تمام باشد و آنهائی که تمام خوانده اید صحیح است.

اگر مراد از حد سفر موجب قصر; یعنی از هشت فرسخ تجاوز کرده اید، نمازهائی که تمام خوانده صحیح است و نمازهائی را که بعد می خوانید تا قصد اقامه ۱۰ روز در محل معینی نکرده اید، باید شکسته بخوانید.

س۲۶۲ : برای امدادگران داوطلبی که به صورت پارهوقت، با جمعیت هلال احمر همکاری دارند و در طول هر ماه بین دو تا هشت روز در پایگاه های امداد و نجات جاده ای که بیش از ۲۵ کیلومتر با شهر فاصله دارد، کشیک می باشند، وضعیت نماز و روزه آنها در ماه مبارك رمضان چه حکمی دارد؟ وضعیت نماز این امدادگران در طول سال به چه نحوی می باشد؟

اینها شغلشان در سفر است، نمازشان را باید تمام بخوانند و روزه هم باید بگیرند.

س۲۶۳ : شخصی سبزوار و مشهد وطن او می باشد، ولی او در طول هفته تقریباً هر روز برای کار به بینالود سفر می کند و شب باز می گردد. اولا: در بینالود (محل کار) نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟ ثانیاً: اگر این شخص برای دیدن همسر خود در تهران تقریباً ماهی یکبار و هر بار دو سه روز به تهران بیاید، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟ آیا وقتی به تهران هم می آید حکم کثیرالسفر را دارد یا

نه؟ ثالثاً: اگر این شخص برای تفریح به شهرهای دیگر سفر کند، نماز و روزه اش چه حکمی دارد؟

در مورد اول چنانچه بینالود به مقدار مسافت شرعی ۸ فرسخ از وطن دور نباشد، نماز او تمام است و روزه هم باید بگیرد و در مورد دوم و سوم مسافر است و نماز را در آن محل شکسته باید بخواند و روزه هم نگیرد.

س۲۶۴ : آیا دانشجویی که در هفته ۲ یا۳ روز در شهر دانشگاهش است، دایم السفر حساب شده و باید نماز و روزه اش را درست بگیرد.

بلی باید نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

س۲۶۵ : اگر کسی که در تهران زندگی می کند، قصد کند به آن سوی تهران برود، در صورتی که شاید مسیرش بیش از ۲۵ کیلومتر باشد، آیا باید نماز را قضا کند؟ یا مثلا ما در اسلامشهر زندگی می کنیم که شاید تا تهران ۲۰۱۵ کیلومتر فاصله داشته باشیم و جزء استان تهران و توابع تهرانیم؛ اگر بخواهیم برویم به تجریش، تکلیف نماز و روزه ما چیست؟ سؤال بعدی من اینکه تعریف بلاد کبیره به طور کامل چیست و آیا تهران جزء بلاد کبیره است؟

در بلاد کبیره اشتباه شده است، خیال کرده اند آنچه در کلمات قدماء ذکر شده است مراد وسعت و بزرگی بلد است در حالی که مراد محل مرکب از چند ده کوچک که فاصله بین ده با ده دیگر یک کیلومتر یا بیشتر است؛ شهر بزرگ حکمش با شهر کوچک یکی است؛ یعنی اگر صد فرسخ هم در شهر طی کنید، نماز تمام است و قصر معنی ندارد و باید در ثبوت قصر

از اول تمام شدن عمارات شهر تا محل مورد نظر مسافت موجب قصر باشد وگرنه نماز تمام است و استان ملاک نیست، بلکه خود شهر ملاک است.

س۲۶۶ : من دانشجو هستم و در شهرستان فیروزکوه مشغول به تحصیل هستم (هفته ای دو روز کلاس دارم)، وضعیت نماز و روزه من چگونه است آیا من مسافر محسوب می شوم؟

چنانچه مدت تحصیل خیلی کم باشد و اهل مکان دیگری باشید، قهراً در فیروز کوه اگر قصد اقامت ده روز نکنید مسافرید، ولی مسافری هستید که شغلتان در سفر است این گونه مسافر باید روزه بگیرد و نماز را تمام بخواند.

س۲۶۷ : من متولد تهران هستم و از ۴ سالگی در اصفهان زندگی می کنم; نماز من در تهران شکسته است؟

چناچه بنا دارید تا آخر عمر برای زندگی به تهران نیایید و به عبارت دیگر اعراض از ماندن در تهران نموده اید، در تهران نماز شکسته بخوانید وگرنه تمام.

احکام روزه

س۲۶۸ : حکم شخصی که بدون دلیل روزه مستحبی خودراباطل می کند، چیست؟

حکم خاصی ندارد، عملی است جایز.

س۲۶۹ : آیا زمان افطار کردن روزه، مغرب (غروب آفتاب) است یا اذان مغرب؟

غروب آفتاب، ولی احتیاط افطار نکردن تا مغرب است.

س۲۷۰ : مقدار کفاره روزه چقدر است؟ آیا حتما باید به شصت نفر داده شود؟ اگر خانواده فقیری، نه برای رفع گرسنگی، بلکه برای (مثلا) شفای بیمار به این مبلغ احتیاج داشته باشند، نمی توان مقدار کفاره را به آنها داد؟

کفاره افطار غیرجایز، برای هر روزاطعام شصت مسکین است که به هر کدام یک چارک گندم یا جو یا برنج بدهد و می تواند نان بدهد، ولی مختصری زیادتر(مثلا یک کیلو)

بدهد بهتر است. و پول دادن کافی نیست.

س۲۷۱ : نظر حضرتعالی درباره رویت ماه، با چشم مسلح و وسایل جدید چیست، آیا کافی است؟ خواهشمند است با توجه به مهم بودن موضوع در صورت امکان دلیل فتوای خود را نیز بیان فرمایید.

رؤیت هلال با چشم مسلح و وسایل جدید، کافی نیست، چون خطاب در روایات «صم للرؤیه و افطر للرؤیه» است و در صدر اسلام عامه مردم مورد خطاب بوده اند که در آن وقت حتی در زمان ما از این عبارت، دیدن با چشم عادی فهمیده می شود. مؤید آن روایتی از امام(علیه السلام) است که می فرماید: رؤیتی میزان است که اگر یک نفر ببیند، برای حداقل پنجاه نفر دیگر رؤیت ممکن باشد.

س۲۷۲ : آیا استفاده از عطرهای تند، باعث بطلان روزه می شود؟

خیر، موجب بطلان نمی شود.

س۲۷۳ : چهار روزی که در سال از بقیه روزها متفاوتند و بر روزه داری در آن روزها تاکید شده است، کدام هستند؟ البته می دانم که یکی از این روزها، روز ۲۵ ذیقعده روز دحوالارض است. لطفا مابقی را معرفی فرمایید.

چهار روز عبارت است از: ۲۷ رجب، ۱۷ ربیع الاول، ۲۵ ذی القعده و ۱۸ ذی الحجه.

س۲۷۴ : اگر ممکن است بفرمایید اول اذان (مثلا بعد از اینکه الله اکبر تمام شد) می شود افطار کرد یا نه؟

بنده بعد از تمام شدن اذان و گذشتن دو سه دقیقه، افطار می کنم، چون گاهی مؤذن زود اذان شروع می کند.

س۲۷۵ : روزه نذری که قضا شده، آیا کفاره دارد؟

بلی، کفاره دارد. کفاره آن مانند کفاره افطار ماه رمضان می توان به اطعام شصت مسکین، اکتفاء نمود

و هر روز معادل دویست تومان که جمعاً دوازده هزار تومان می شود که می تواند نان خریده وبه شصت فقیر بدهید.

س۲۷۶ : آیا در ماه رمضان روزه دار می تواند کرم بزند؟

بلی، مانعی ندارد.

س۲۷۷ : اگر زن بارداری در دوران بارداری نتوانست روزه اش را بگیرد و برای آن سال کفاره روزه را پرداخت نماید، ولی قضای روزه آن سال را برای ۶ سال بعد از آن را گرفته باشد چگونه باید عمل نماید؟

غیر از کفاره، قضاء روزه آن سال را باید بگیرد، ولی اگر تا ماه رمضان بعد قدرت نداشت قضاء آن سال را بگیرد، ولو به تدریج به این صورت که هر یک هفته، یک روز روزه بگیرد، قضاء ساقط می شود.

س۲۷۸ : اگر کسی از ابتدا روزه های قضاء شده اش را نگرفته باشد. آیا باید برای روزه های سالهای قبل، هر سال کفاره بدهد، یا فقط یکبار کافی است؟ حکم کفاره روزه قضاء شده در این مورد چگونه است؟

یک کفاره کافی است، وکفاره روزه قرض همان یک مدطعام است.

س۲۷۹ : مدت روز (طلوع تا غروب خورشید) در کشورهای بالای نیم کره شمالی، گاهی اوقات تا ۲۰ ساعت می رسد. مسلماً گرسنگی تا این مدت بسیار زیان آور است. حکم روزه در چنین شرایطی چیست؟

چنانچه قدرت تحمل گرسنگی را ولو با استراحت دارید روزه را بگیرید وگرنه اگر مسافرت بجای دیگری که روزها کوتاهتر باشد، برایتان ممکن است، چنین کنید و درآنجا روزه بگیرید.

س۲۸۰ : عمه من بیماری فشار خون دارد و ۳ بار در روز باید دارو مصرف کند و می خواهد بداند برای روزه اش باید چه کار کند؟

در

صورت مراجعه به دکتر و اجازه ندادن تغییر اوقات مصرف قرص (مثلا در شب مصرف کند) و اگر علاجشان منحصر به همین کیفیت باشد، افطار کند و روزه نگیرد، خصوصا اگر پیر زن باشد.

س۲۸۱ : آیا زدن مسواک در موقعی که روزه هستیم اشکال دارد؟

مسواک زدن سبب بطلان روزه نمی شود، به شرط اینکه آب و دوای خارج، داخل معده نشود.

س۲۸۲ : آیا وقتی به کوه می رویم، می توانیم روزه بگیریم، صبح برویم و عصر برگردیم.

چنانچه از چهار فرسخ کمتر باشد، می توانید روزه بگیرید.

س۲۸۳ : آیا استفاده از اسپری های خوشبو کننده دهان، برای رفع بوی بد دهان، به دلیل نخوردن و نیاشامیدن در ماه مبارک رمضان، روزه را باطل میکند؟

چنانچه از حلق چیزی وارد معده نشود، مبطل روزه نیست.

س۲۸۴ : آیا از نظر معظم له در رؤیت هلال ماه رمضان اتحاد افق شرط است؟ و آیا اگر هلال ماه توسط معظم له دیده شود، روی سایت شما، اطلاع داده می شود؟

به نظر ما رؤیت هلال اگر درشهری ثابت شود، برای مردم شهرهای دیگر نیز ثابت می شود؛ چه دور و چه نزدیک، درافق متحد باشد یا نه، البته درصورتی که درشب مشترک باشند ولو به این که اول شب یکی آخر شب دیگری باشد. واگر هلال ماه به نظر ما ثابت شود، روی سایت اطلاع داده می شود.

س۲۸۵ : اگر دکتر از روزه منع کند و بیمار روزه بگیرد و مشکلی نداشته باشد، وظیفه چیست؟

چنان چه مریض بداند که بعد از روزه و وسط روزه مشکلی پیدا نمی کند روزه اش صحیح است.

س۲۸۶ : آیا قرقره کردن آب در گلو، روزه را

باطل می کند؟

خیر، باطل نمی کند به شرط اینکه آب پایین نرود

س۲۸۷ : آیا زنی که ۳ ماه حامله شده، می تواند روزه بگیرد؟

چنان چه برای بچه ضرر نداشته باشد، می تواند روزه بگیرد.

س۲۸۸ : اگر جوانی که در خارج از کشور زندگی می کند به مشروبات الکلی اعتیاد داشته باشد، آیا می تواند نماز و روزه را انجام دهد.

بلی، با رعایت شرایط نماز و روزه می تواند انجام دهد.

س۲۸۹ : به دلیل سرما خوردگی شدید، گلویم چرک کرده و احساس خون در انتهای گلویم می کنم، آیا روزه بر من واجب است؟

چنان چه دکتر بگوید روزه مضر است، وقدرت بر اینکه خون وچرک گلو وارد معده نشود، ندارید روزه واجب نیست وباید بعداً قضای آن را به جا آورید وگرنه روزه واجب است وباید مانع ورود چرک وخون به معده شوید.

س۲۹۰ : من در شرکتی کار می کنم که هنگام ظهر در ماه مبارک مدیران آن اقدام به روزه خواری می کنند. از جهتی برای ادامه زندگی محتاج به این کار هستم. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

کار شما اشکال ندارد.

س۲۹۱ : اینجانب درباره مسئله روزه سوالی برایم پیش آمده که درصدد شدم، فتوای معظم له را در این باره جویا شوم. بسیاری از پزشکان بر این عقیده هستند که روزه گرفتن بدون خوردن سحری برای دستگاه گوارشی آسیب های شدیدی به دنبال دارد، با توجه به اینکه در دین مبین اسلام در ورای هر حکمی، حکمتی نهفته است، و در احکام عبادی، همواره سلامت جسم و روح مورد نظر می باشند، آیا می توان چنین استنباط کرد که اگر شخصی - به هر دلیل- موقع

سحر خواب ماند و از خوردن سحری غافل شد، می تواند آن روز را روزه نگرفته و بعداً قضا نماید؟

با این خصوصیات که نوشته اید - که روزه ضرر مختصری دارد - خیر، نمی توانید روزه نگیرید.

س۲۹۲ : اگر خانم روزه دار، مقداری از موهایش توسط نامحرم دیده شود، روزه اش باطل است؟

خیر، باطل نیست.

س۲۹۳ : آیا رنگ کردن مو وقتی که روزه هستیم، روزه را باطل می کند؟

خیر، باطل نمی کند.

س۲۹۴ : اگر امکان دارد حکم پرداخت فطریه را برای افراد بفرمایید. اگر کسی در شب عید فطر مهمان ما باشد، آیا فطریه همه مهمانان را باید بپردازیم؟ و اگر کسی در شب عید فطر، فوت نماید و افراد زیادی مهمان خانه فرد فوت شده باشند، آیا فطریه برعهده میزبان است یا اینکه هر کس باید فطریه افرادی را بدهد که نان خور او هستند؟

اگر میهمان قبل از غروب بیاید، فطریه به عهده صاحب خانه است و اگر صاحب خانه بعد از خوردن غذا، فوت کند فطریه مهمان باز به عهده صاحب خانه است، اگر مهمان ولو دعوت شده باشد، بعد از مغرب بیاید، فطریه به عهده خودش است.

س۲۹۵ : در صورتی که مرد کفاره روزه خود را پرداخت نمی کند، آیا زن مجاز است بدون اجازه همسر از مال خود مرد، کفاره روزه او را پرداخت نماید؟

خیر، مجاز نیست، و نیز اگر زن بخواهد از مال خودش تبرعاً کفاره مرد را بدهد، جایز نیست؛ بلی بعد از مردن مرد کفاره او را از مال خودش باید داد.

س۲۹۶ : در مواردی که بر سر عید بودن یا نبودن عید سعید فطر، بین مراجع و

علما اختلاف به وجود آید، تکلیف ما چیست؟ شاید پاسخ بدهید که از مرجع تقلید خود تقلید نمایید، بلی این درست، اما مگر می شود یک روز هم عید باشد و هم نباشد؟ می دانیم که روزه در عید فطر حرام است، پس تکلیف آن گروه از افرادی که روزه گرفتند چیست؟ در ضمن مگر شهادت یک یا چند مرجع تقلید مبنی بر رؤیت هلال ماه، می تواند سند محکمی برای عید بودن باشد؟ خواهشمند است، نظر خود را بیان نموده و تکلیف ما را مشخص نمایید.

ثبوت عید مربوط به تقلید نیست. اگر از طریق متعارف اطمینان به رؤیت هلال پیدا کردید یا دو نفر شاهد عادل، شهادت دادند به دیدن ماه (با چشم عادی) آن روز را عید بگیرید و اگر خودتان راهی نداشتید، چنانچه یک مجتهد عادل ولو غیرمرجع حکم کند به عید بودن، بایدآن روز را عید گرفت.

مبطلات روزه

س۲۹۷ : اگر شخص روزه دار در ماه رمضان استمناء کند، آیا کفاره جمع بر او واجب می شود یا قضا وکفاره؟

استمناء اگر با دست زنش یا با ملاعبه با او باشد بر او کفاره جمع واجب نیست و اگر با دست خودش باشد، کفاره جمع واجب می شود.

س۲۹۸ : کسی که قصد دارد روزه مستحبی بگیرد، اگر عمدا تا اذان صبح جنب بماند، آیا روزه اش صحیح است؟

بلی، صحیح است. بقاء بر جنابت تا صبح موجب باطل شدن روزه مستحبی، بلکه روزه واجب غیرمعین (غیر از قضاء ماه رمضان) نمی شود; هر چند از روی عمد باشد.

س۲۹۹ : اگر کسی عمداً، عملی را انجام دهد که روزه اش باطل شود، نحوه جبران آن

از بابت پرداخت کفاره و قضای آن چگونه است؟

قضاءآوردن آن عمل بعد از ماه رمضان است. اما کفاره آن چنانچه روزه ماه رمضان باشد و با فعل حلال روزه را باطل کرده است، بین عتق (که فعلا مورد ندارد) و شصت روز روزه پیاپی و اطعام شصت فقیرمخیر است و اگر با حرام باشد، مانند مال غصبی خوردن یا نوشیدن شراب یا نزدیکی با زن (به صورت حرام)، کفاره جمع واجب می شود.

س۳۰۰ : اینجانب به هنگام روزه، به تصاویری نگاه کردم که کمی شهوت انگیز بود، من هم با علم به اینکه استمناء روزه را باطل می کند، و چون حدس زدم که ممکن است انزال پیش آید، سعی نمودم تا با سرد کردن بیضه ها و آلت توسط آب یخ، از انزال جلوگیری کنم، اما خود این عمل باعث انزال شد، آیا روزه من باطل است؟

چون با خصوصیاتی که نوشته اید، عمدا استمناء نموده اید، روزه باطل است و قضاء لازم، کفاره هم باید بدهید.

س۳۰۱ : اگر در روز ماه رمضان، انسان مطلب شهوت انگیزی را بخواند و بعد از مدتی احساس کند که رطوبتی بی اختیار از او خارج شده است و بعد از بررسی اثر رطوبت را در حد یک یا دو قطره بر لباس خود مشاهده کند; آیا این رطوبت حکم منی را دارد و باید غسل کند؟ آیا روزه او باطل است؟ در صورت بطلان روزه، آیا کفاره بر ذمه اوست و اگر پاسخ مثبت است به چه ترتیب؟

اولا تا وقتی که به خروج منی که علائمی دارد یقین نکردید، نه غسل واجب است نه روزه باطل می شود

و ثانیاً اگر قصد خروج منی نباشد، خروج منی موجب بطلان صوم نیست و کفاره هم ندارد.

س۳۰۲ : اگر روزه دار در ماه مبارک رمضان به صورت ارادی محتلم شود; یعنی با همسرخود باشد، ولی قصد ارضاء شدن را نداشته و به طور ناخواسته محتلم شده باشد (البته هیچ دخولی نشده باشد) آیا روزه این شخص باطل است یا خیر؟ و به فرمایید در این رابطه حکم چیست؟

احتلام ناخواسته موجب افطار نمی شود و روزه صحیح است.

س۳۰۳ : بنده در حالی که روزه بودم، مرتکب گناه شدم و با یک زن که خود او با من تماس گرفت، رابطه گناه داشتم. و تا به حال با هیچ زنی رابطه نداشتم و پشیمانم و توبه کردم. در آن روز غذا نخوردم لطفاً به من بگویید، حکم توبه و روزه من چیست؟.

چنان چه رابطه شما با دخول انجام گرفته، هم روزه شما باطل است و هم باید روزه را قضا کنید و کفاره بدهید ان شاءالله بعد از توبه حقیقی، خدای متعال شما را ببخشد.

س۳۰۴ : برای اینکه روزه باطل شود و کفاره نداشته باشد، چه باید کرد؟

روزه دار اگر بخواهد روزه را باطل کند و فقط قضاء داشته باشد، باید سفر برود قبل از ظهر که در این صورت روزه باطل می شود و کفاره ندارد.

س۳۰۵ : ۱. اگر زن و شوهری که در عقد یکدیگر می باشند; در حال روزه مرد به اوج لذت جنسی برسد به گونه ای که منی خارج شود، روزه آن چه حکمی دارد؟

۲. آیا بعد از ارضاء شدن که هر دو طرف مجبورند غسل کنند با همان غسل می توانند نماز

بخوانند.

۱. استمناعی که موجب خروج منی شود از مبطلات روزه است; یعنی روزه را باطل می کند و زن اگر مجبور باشد از روی اختیار از او منی خارج نشود، روزه او باطل نیست.

۲. بعد از غسل کردن با همان غسل می توانند نماز بخوانند.

س۳۰۶ : اگر در زمان صحبت با جنس مخالف، نعوظ ایجادشود و بعد از آن نعوظ کاهش یابد و بعد از گذشت چند ساعت، بعد از قضای حاجت(ادرار) کمی منی خارج شود، روزه باطل می شود.

خیر، باطل نمی شود.

س۳۰۷ : جنب شدن در ماه مبارک رمضان، بعد از اذان صبح و انجام غسل پس از بیدار شدن، برای روزه گرفتن چه حکمی دارد؟

جنب شدن به صورت اختیاری جایز نیست و مفطر صوم است و جنب شدن با احتلام مفطر نیست و غسل کردن در هر صورت جایز است.

س۳۰۸ : اگر روزه دار عمداً قی کند، کفارهواجب است یا فقط همان یک روز را باید روزه بگیرد؟

کفاره واجب است.

س۳۰۹ : اگر کسی بعد از نماز صبح در ماه مبارک رمضان بخوابد و جنب شود، تکلیف روزه او چیست؟

جنابت با احتلام، به روزه ضرر نمی زند.

س۳۱۰ : کسی که روزه دارد، اگر منی از بدن او خارج شود، آیا روزه او باطل می شود یا اگر غسل کند می تواند نماز بخواند و روزه او باطل نمی شود؟

چنان چه منی با احتلام خارج شود، روزه باطل نمی شود و با غسل می تواند نماز بخواند. و اگر با جماع یا ملاعبه یا استمنا در روز باشد، روزه باطل می شود. و قضاء و کفاره واجب می شود.

س۳۱۱ : اگر زن و شوهری در

روز ماه رمضان نزدیکی کنند، حکم آن - با توجه به جهل به این موضوع - چه می باشد؟

اگر معتقد باشند که نزدیکی در روز ماه رمضان اشکال ندارد روزه آنها باطل نمی شود ولی اگر احتمال دادند و یقین نداشته باشند عمل را انجام دادند، روزه باطل می شود.

س۳۱۲: آیا کشیدن سیگار روزه را باطل می کند؟

اجتناب از کشیدن سیگار در حال روزه امری است که سیره مسلمین و مراعات احتیاط لزومی، دلالت بر آن می کند.

روزه مسافر

س۳۱۳: اگر شخص روزه دار (روزه ماه رمضان و یا غیر آن) اول صبح از تهران به قم حرکت کند و تا پیش از ظهر شرعی به تهران بازگردد، آیا باید روزه خود را افطار کند یا روزه او صحیح است؟

چنانچه چیزی نخورد و در سفر قصد روزه نکند و قبل از ظهر به تهران برسد، روزه او صحیح است و نباید در تهران افطار کند.

س۳۱۴: آیا می توان در مسافرت روزه مستحب و یا قضا بجا آورد؟

خیر، روزه در سفر جایز نیست، مگر دو مورد; یکی مکه و دیگری نذرکردن روزه در سفر.

س۳۱۵: من ساکن «میانه» هستم و دانشگاهم در شهرستان «شبستر» است، اگر تا اذان ظهر در شبستر بمانم و بعد به شهر دیگری مانند تبریز بروم و افطار را آنجا نموده، شب نیز در آنجا بمانم، آیا روزه من صحیح می باشد.

بلی، روزه شما صحیح است.

س۳۱۶: همسر من فعلا در شهر دیگری ساکن است، ایشان شهر و زادگاه من را به عنوان شهر خود برگزیده است و قصد سفر به این شهر را دارد که اقامتش در آن شهر

کمتر از ۱۰ روز می باشد، آیا می تواند روزه بگیرد یا خیر؟

بلی. می تواند چون آنجا وطن دوم او است.

س۳۱۷ : اگر کسی برای کار مجبور باشد سه روز هفته، بیرون از شهر خود باشد، حکم روزه و نماز شخص چیست؟ مورد دیگر اگر گرفتن روزه به کیفیت کار شخص لطمه بزند (مثلا در هنگام تدریس نتواند حق مطلب را بیان کند)، حکم روزه و نماز شخص چیست؟

اگر زمان آن خیلی کوتاه نباشد، حداقل دو ساعت باشد و بیرون شهر هم به حد مسافت باشد، این شخص در آنجا هم باید روزه بگیرد و نمازش را تمام بخواند.

س۳۱۸ : پدرم برای انجام کاری از شهر خارج می شدند، به این صورت که با اذان صبح بیرون می رفتند و بعد از مغرب بر می گشتند; آیا روزه ایشان صحیح بوده است؟

اگر خارج شهر بحد مسافت بوده روزه ایشان درست نبوده است و اگر کمتر بوده روزه شان صحیح بوده است.

خمس و زکات

س۳۱۹ : اگر پولی که به عنوان قرض گرفته شده، به سر سال خمسی برسد، آیا باید خمس آن داده شود؟

خیر، خمس آن واجب نیست.

س۳۲۰ : آیا مالِ قرضی جزء فائده محسوب نمی شود که- می فرمایید- خمس ندارد؟! و اگر خمس ندارد یا فائده نیست یا از مستثنیات است، راجع به آن چه نظری دارید؟

مال قرضی فایده نیست، چون در مقابل، عوض آن در ذمه قرض گیرنده است.

س۳۲۱ : اگر انسان به چیزی نیاز دارد و آن را از درآمد تهیه کند و بعد نیازش برطرف شود، آیا خمس به آن تعلق می گیرد؟

بله، تعلق می گیرد.

س۳۲۲ : به علت نیاز وسایلی خریده

ام، ولی با اینکه بیش از یک سال از خرید آنها می گذرد، هیچ استفاده ای نکرده ام، آیا خمس به آنها تعلق می گیرد؟

چنان چه عرفاً از لوازم زندگی محسوب شود، ولی اتفاقاً مورد استفاده قرار نگرفته باشد، خمس تعلق نمی گیرد.

س۳۲۳ : خانواده دختر قادر به خرید یک مرتبه جهیزیه نیست، اگر از درآمد کسب به تدریج وسایلی به این جهت تهیه کند، آیا مشمول خمس می شود؟

خیر، مشمول خمس نمی شود.

س۳۲۴ : آیا وسایلی که پسران قبل از سال عروسی برای ازدواج تهیه می کنند، مثل جهیزیه است و خمس ندارد؟

خمس به آنها تعلق می گیرد در صورتی که بدون پس انداز پول امکان ازدواج داشته باشند.

س۳۲۵ : آیا به پولی که انسان برای ازدواج پس انداز کرده، خمس تعلق می گیرد؟

بلی خمس تعلق می گیرد.

س۳۲۶ : آیا به طلا و زیور آلات زنانه - که زن از درآمد شخصی تهیه کرده و خود را با آن زینت می کند - بعد از فروختن، خمس تعلق می گیرد؟

چون بعد از فروختن از زینت و مؤنه خارج شده، خمس تعلق می گیرد.

س۳۲۷ : آیا به پاداشی که بعد از بازنشستگی به کارمندان می دهند، خمس تعلق می گیرد؟

بلی، تعلق می گیرد.

س۳۲۸ : کسی که شیعه است; و خمس نمی دهد، اگر مالی که خمسش را نداده به من هدیه کند، آیا باید خمس آن را بدهم؟

خیر، چون وقتی هدیه می دهد، خمس آن در ذمه اش باقی می ماند و به کسی که به او هدیه داده منتقل نمی شود.

س۳۲۹ : چرا در اسلام خمس را باید به سادات داد؟ آیا این کار،

نوعی امتیاز محسوب نمی شود؟

هیچ گونه امتیازی نیست چون زکاه را نباید به آنها داد بلکه باید به غیر سادات داده شود.

س۳۳۰ : آیا تغییر زمان سال خمسی، جایز است؟

جلو انداختن مانعی ندارد.

س۳۳۱ : کسی که درآمد کسب دارد; ولی تا به حال خمس نمی داده و اکنون می خواهد خودش محاسبه کند و خمس اموالش را بپردازد، باید چگونه عمل کند؟

باید تخمین زده شود که در سال های گذشته چه مقدار خمس به ذمه او منتقل شده است و با یک مجتهد یا وکیل او مصالحه نماید.

س۳۳۲ : پدرم از دنیا رفته است; در حالی که می دانم خمس اموالش را نداده، تکلیف من چیست؟

تکلیف شما این است که اول خمس آن اموال را بدهید وبعد اموال باقی مانده را میان ورثه تقسیم کنید.

س۳۳۳ : آیا پدری که سید است، می تواند از خمس، مخارج تحصیل فرزندانش را بپردازد؟

بله، می تواند از سهم سادات و با اذن حاکم شرع از سهم امام مخارج تحصیل فرزندانش راببپردازد.

س۳۳۴ : سال مالی بنده به پایان رسیده است و بنده پول خود را برای خرید خانه در بانکی گذاشته ام، که بنابه دلایلی معادل همان پول (۳۰۰۰۰۰۰۰ریال) را از برادر خود قرض کرده ام وبا آن سهام خریده ام و به میزان ۵۰ درصد افزایش سرمایه داشته است. موجودی پول خودم هم در بانک تغییری نکرده است (سهام مذکور را درآغاز سال دوم مالی خودم خریده ام)

الف. آیا به پول بنده که برای خرید خانه در بانک است خمس تعلق می گیرد؟

ب. آیا درپایین سال مالی دوم خودم به سهام من اگر قیمت آن کاهش پیدا

کند، خمس تعلق می گیرد؟

پولی که سهام خریده اید، چون به ازاء آن در بانک موجودی دارید خمس تعلق می گیرد وپس انداز برای خرید خانه موجب عدم تعلق خمس نمی شود وبا افزایش سرمایه هر دو خمس دارند.

س۳۳۵ : درشرکت ما درآخرسال، پاداشی بنام پاداش مدیریت می دهند، آیا به این پاداش خمس تعلق می گیرد؟

بلی، تعلق می گیرد.

س۳۳۶ : آیا به عیدی که به کارمندان دولت داده می شود خمس تعلق می گیرد؟

بله، تعلق می گیرد البته اگر زاید بر مؤنه باشد.

س۳۳۷ : برادرم دو سال پیش برای بنده پیراهنی به ارزش ۶۰۰۰۰۰ ریال خریده است و به بنده سوغات (هدیه) داده است. اما من به دلایلی بسیارکم ازآن استفاده می نمایم آیا به این پیراهن در سر سال مالی بنده خمس تعلق می گیرد؟

خیر، تعلق نمی گیرد.

س۳۳۸ : آیا به کتاب هایی که بنده درگذشته خریده ام وهرچند وقت یک بارمقداری از هر کتاب را مطالعه می نمایم خمس تعلق می گیرد؟

چون کتاب ها مورد استفاده قرار می گیرد، خمس به آن ها تعلق نمی گیرد.

س۳۳۹ : آیا به تمبرها یا سکه هایی که برای کلکسیون شخصی، جمع آوری می شود، خمس تعلق می گیرد؟

بله، تعلق می گیرد.

س۳۴۰ : کسی مالش مخلوط به حرام است و منفعت کسب هم دارد و می خواهد مقداری از اموالش را رأس المال تجارت قرار دهد؛ حال اگر بخواهد در آن واحد خمس همه را بدهد، آیا باید سه بار خمس اموالش رامحاسبه کند؟یکبار به خاطر اینکه مالش مخلوط به حرام بوده؛ دوم منفعت کسب داشته وسوم از منفعت کسب، می خواهد رأس المال قرار دهد.

اول

خمس مال مخلوط به حرام را بدهد و بعد اگر زاید بر مخارج سال بود، خمس منفعت کسب رابدهد و دیگر خمسی واجب نیست.

س۳۴۱ : کسی که برای آذوقه منزل، (مثلا) چندین کیسه برنج تهیه می کند، در صورتی که سال بگذرد و از برخی کیسه ها استفاده نکند، آیا خمس آنها بر او واجب است؟ در مورد پارچه های دوخته نشده و کتاب های تقریبا بلااستفاده چطور؟

کیسه های برنج را باید حساب نمایید و اما کتاب ها و لباس دوخته نشده، چنانچه زیاد نباشد لازم نیست حساب شود.

س۳۴۲ : کسی که دیگری تمام خرجش را می دهد، اگر پولی به او ببخشند یا کار کند، باید خمس آن را بدهد یا نه؟

اگر پولش را در حساب قرض الحسنه بگذارد - به نیت اینکه سرمایه از ما کار از بانک - چه حکمی دارد؟

بلی باید خمس پول بخشیده شده به او و درآمد کار آن را بدهد، چنان چه در وسط سال خرج نکند و اما پس انداز پول درحساب قرض الحسنه به هر نیتی باشد جایز است.

س۳۴۳ : اینجانب تمام مخارجم را پدرم می دهد. در طی سالها مقادیری پول به من بخشیده اند، ولی من تا به حال خمس آن را نمی دادم; حالا چگونه سال تعیین کنم و خمس بدهم؟ (تا چند سال آینده نیز پدرم مخارجم را می دهد و شاغل نخواهم بود)

همین الان حساب کنید وخمس آن را بپردازید و همان روز، اول سال خمسی شما خواهد بود، تا یک سال بگذرد و اگر پولتان زیاد شد، آن زیادی خمس دارد وگرنه اصل مال تا ابد خمس ندارد.

س۳۴۴ : آیا

پولی که قرض می دهیم یا در حساب قرض الحسنه بانک می گذاریم، خمس دارد؟

چنانچه زیادی از مصارف سالانه باشد، خمس دارد.

س۳۴۵ : حکم هدیه ای که از کافر دریافت می شود چیست؟ در صورت مباح بودن آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

خود هدیه از کافر مباح است ودرصورت زیادی از مخارج سال خمس به آن تعلق می گیرد.

س۳۴۶ : بنده سال قبل مبلغی مثلا ۱۰۰۰ تومان در بانک داشته ام که در پایان سال مالی، ۲۰۰ تومان آن را به عنوان خمس پرداخت نمودم و باقیمانده پول من ۸۰۰ تومان شد. امسال در پایان سال مالی ۱۵۰۰ تومان در بانک دارم. آیا باید خمس - ۱۵۰۰ تومان یعنی ۳۰۰ تومان - را بدهم یا خمس ۷۰۰ تومان اضافه شده را یا خمس ۵۰۰ تومان را که ما به التفاوت ۱۰۰۰ تومان پارسال و ۱۵۰۰ تومان امسال می باشد؟

باید خمس (۷۰۰) تومان را بدهید و مال خمس داده شده هرچه بماند، خمس ندارد.

س۳۴۷ : آیا کسی که کارمند است و در ماه حقوقی دریافت می کند و پس انداز کمی هم دارد، باید زکات پرداخت کند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، مبنای محاسبه آن چگونه است؟

زکاه واجب نیست، ولی بعد از گذشتن یک سال خمس آن مال - یعنی یک پنجم آن - را باید بدهد.

س۳۴۸ : جوانانی که ازدواج ننموده اند و می خواهند تشکیل خانواده دهند، آیا جهت فراهم کردن مقدمات این امر، (مثل مسکن و مهریه و...) می توانند پس انداز کنند یا باید خمس آنها را بپردازند (که در این صورت برایشان معضل و کارشان کمی سخت می شود)

چنان چه

بدون ذخیره پول، نتوانند ازدواج نمایند یا مشقت داشته باشد، خمس واجب نیست، ولی درمورد مسکن ومهریه چون سکونت در خانه اجاره ای هیچ محذوری ندارد و مهریه نقد لازم نیست، پول پس انداز برای آنها خمس دارد.

س۳۴۹ : اگر برای گرفتن مغازه یا زمین، مبلغی جمع کرده شود، آیا خمس دارد؟

چنانچه زاید برمخارج سال باشد، خمس تعلق می گیرد.

س۳۵۰ : به پول و سکه ای که در هنگام تولد به طفل صغیر می دهند و پدر و مادرش در آن هیچ دخل و تصرفی نمی کنند، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

چنان چه پدر خمس آنها را بدهد مانعی ندارد، ولی اگر نداد، بعد از بلوغ خودش باید بپردازد.

س۳۵۱ : یک سیدی می شناسم محتاج و کسی نیست که خرجی اش را بدهد و خیلی پیر است، آیا اجازه می دهید که سهم امام را به او بدهم؟

تا مقدار ثلث بدهید.

س۳۵۲ : به سکه هایی که هنگام ازدواج داده اند و یک سال گذشته است، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

بله، چنانچه زاید بر مخارج سال باشد خمس تعلق می گیرد.

س۳۵۳ : سر سال محاسبه خمس ما ۱۵ مهر می باشد; مثلا سال گذشته ۹۰۰۰۰۰۰ تومان درآمد داشتیم، ولی این پول هنوز به دست ما نرسیده تا هزینه ها و ما یحتاج خودمان را برداشته و خمس باقیمانده را محاسبه کنیم. ما در حال حاضر و زمانی که بخشی یا تمام طلبمان به دستمان برسد، در رابطه با خمس مال خود چه کنیم؟

شما وظیفه دارید سر سال حساب موجودی زائد بر مخارج سال گذشته را بنمایید و با مجتهد دستگردان کنید آنچه تمکن دارید

بپردازیـد، زاید بر آن را مجتهد مهلت می دهد که وقتی ممکن بود بپردازید. و بر حسب روایات اگر خمس بدهید، مالتان زیاد می شود و به تجربه ثابت شده.

س۳۵۴ : اینجانب در پایان سال مالی گذشـته به طور فرض ۱۰۰۰ تومان در حساب بانکی خود داشتم که تصمیم داشتم خمس آن یعنی مبلـغ ۲۰۰ تومـان آن را پرداخت نمـایم. در این فاصـله مشـکلی برایم پیش آمـد که مجبور شـدم بخش اعظم حسـاب بـانکی خود را برداشـته و خرج نمـایم؛ در واقع پول خمس نـداده را خرج کردم. در حال حاضـر- بحمـدلله - در حساب بانکی مبلغ سابق و حتی بیشتر از آن موجود است، آیا اگر بـدهی خمس خود را از این مبلغ جدید جمع شده، که در واقع درآمدهای امسال من بوده است بـدهم، اشـکالی نـدارد و ثانیاً با توجه به این که سال مالی اینجانب آخر اسـفند ماه است، آیا بایـد بـدهی خمس خود را - که مربوط به سال قبل است تا تاریـخ آخر اسـفند امسال - بـدهم؟ آیا اگر به این امر موفق نشوم، به بـدهی ام خمس تعلق می گیرد؟

خمس آن مبلغ را که در پایان سال گذشـته داشتید مدیونید و هر چه زودتر- اگر امکان داشـته باشد - باید بپردازید ولو قبل از اسفند و آنچه- بیشتر- در بانک موجودی دارید آخر اسفند امسال، خمس آن زیادی را باید بپردازید.

س۳۵۵ : پدرم سید ومعیل، است می توانم همه خمسم را به او بدهم یا خیر؟

چنان چه پدر فقیر باشد برای خرج خودش نمی توانید به او خمس بدهید، چون واجب النفقه است؛ ولی برای خرج عیال و نان خوران

او می توانید از نصف خمس که سهم سادات است به او بدهید.

س۳۵۶ : درحکومت اسلامی، دادن خمس مهمتر است یا مالیات؟

خمس مهم تر است.

س۳۵۷ : دادن خمس و مالیات – با هم – در حکومت اسلامی اجحاف به مسلمانان و بالاخص شیعیان نیست؟

گویا – فعلاً – اگر کسی به یکی از مراجع خمس بدهد و بر حکومت ثابت شود که خمس داده از مالیات کم می کنند، بنابراین اشکال مرتفع است.

س۳۵۸ : حکم کسی که خمس مالش را نمی پردازد چیست؟ آیا مال او حرام محسوب می شود؟ آیا می توان در خانه او – که مطمئن هستیم با مالی که خمس نداده تهیه کرده – نماز خواند؟

بلی، می توانید نماز بخوانید و از غذاهای او استفاده کنید هرچند معتقد به خمس نباشد.

س۳۵۹ : آیا به پولی که به منظور خرید خانه یا ماشین یا ازدواج یا چیز دیگر، پس انداز می شود، خمس تعلق می گیرد؟

به پولی که برای خرید خانه یا ماشین سواری، پس انداز می شود، خمس تعلق می گیرد و اما ازدواج اگر تمکن از ازدواج بدون پس انداز ندارد، و ترک ازدواج هم مشقت دارد خمس تعلق نمی گیرد وگرنه به آن خمس تعلق می گیرد.

س۳۶۰ : اگر پدر شخصی سرمایه ای به عنوان هبه یا غیر آن بدهد، آیا سر سال خمسی بر اصل سرمایه خمس تعلق می گیرد، بر سود آن چطور؟

به هر دو خمس تعلق می گیرد، با تحفظ و با رعایت شرایط.

س۳۶۱ : ۱. آیا کسی که از کودکی دفترچه پس انداز داشته و والدین او در طول سال های متمادی برای او پول پس

انـداز نموده اند به طوری که پس از اینکه به سن تکلیف رسـیده است، مبلغی جمع شده است، باید خمس این مال را پرداخت نماید. ۲. اصولا پرداخت خمس برای افراد کارمند چگونه است؟

۳. اگر کسی بخواهـد مبلغی را خمس دهـد و توانایی پرداخت آن را به صورت یکجا نداشـته باشـد و به مجتهد یا نماینده وی دسترسی نداشـته باشد تا مبلغ مورد نظر را دسـتگردان نماید، آیا می تواند بعضـی اوقات مبلغی را که می تواند کنار بگذارد تا پس از مدتی مبلغ مورد نظر جمع شده را یکجا پرداخت نماید؟

۴. با توجه به مصارف خمس - که در رساله مشـخص است - آیا خود شـخص می تواند، مبلغ خمس خود را به محل مصـرف در صورت موجود بودن برساند؟

۱. باید پرداخت نماید.

۲. فرقی بین کارمند و غیر او نیست.

۳. با اجازه از مجتهد اشکال ندارد.

۴. نصف خمس سهم سادات است، بدون مراجعه به کسی می تواند به مصرف برساند ولی در نصف دیگر باید از یک مجتهد یا وکیل او اجازه گرفت.

س۳۶۲ : آیا پولی که در نتیجه قرعه کشی به دست می آید، خمس دارد؟

حکم سایر فوائد و منفعت های تجارت را دارد و در صورت زیادی از مخارج سال خمس دارد. والله العالم.

س۳۶۳ : خمس آیا جزء عبادت است یا معاملات؟

بهتر است سئوال را این گونه مطرح کرد: خمس از عبـادات است یـا توصـلیات؟ عبـادات تکالیفی است که در امتثال آنها باید قصد قربت نمود و در توصلیات قصد قربت معتبر نیست و خمس از توصلیات است.

س۳۶۴ : اگر بر شخصی حج واجب شود و زکات و خمس بدهکار نباشد و

در آن سال نرود و بعد از چند سال تصمیم بگیرد که برود، اما زکات و خمس بدهکار باشد، آیا واجب است پول خمس و زکات را اول بدهد یا می تواند حج (واجب) برود و بعد خمس و زکات را بدهد؟

چنان چه می تواند هم حج برود و هم خمس و زکات بدهد، باید به هر دو عمل کند و گرنه اگر خمس و زکات در ذمه باشد، حج مقدم است و احتمال تخییر هم نیست و اگر در عین مال باشد، خمس و زکات مقدم بر حج است.

س۳۶۵: اگر بر شخصی حج واجب شود و زکات و خمس هم بدهکار باشد و پول هردو را داشته باشد و در آن سال نرود و بعد از چند سال تصمیم بگیرد که برود، اما پول حج را فقط داشته باشد، آیا می تواند حج (واجب)برود و بعد خمس و زکات بدهد؟

باید خمس و زکات بدهد و اگربا عمل به یکی قدرت بر دیگری ندارد، مخیر است بین دادن زکات و خمس و بین رفتن به حج.

س۳۶۶: اگر بر شخصی حج واجب شود و نمی داند - یا مطمئن نیست - که آیا زکات و خمس بدهکار است، و اگر بفهمد که بدهکار است آیا می تواند حج برود و بعد خمس و زکات بدهد، و اگر بدهکار بود و بعد از حج فهمید یا نفهمید آیا حجش حج واجب است؟

در جمیع صور، حج صحیح است.

س۳۶۷: اگر بر شخصی حج واجب شود و زکات و خمس هم بدهکار باشد، اما پول هیچ کدام را نداشته باشد و کسی پول فقط حج را به

او هدیه کند (یعنی شرط هدیه حجه الاسلام رفتن باشد)، آیا می تواند بپذیرد و حج برود و آیا حجش حجه الاسلام است؟

باید بپذیرد و حجش حجه الاسلام است.

س۳۶۸ : اگر چیزی که انسان یکبار خمس آن را داده است، مثل زمین یا منزل یا ماشین و سکه و...بر اثر تورم و...گران بشود، آیا مقدار مبلغی که گران شده است، مشمول خمس می شود؟

چنان چه از مخارج باشد، مانند منزل مسکونی، مشمول خمس نمی شود وگرنه مشمول است.

س۳۶۹ : آیا چیزی که اصل آن مشمول خمس نمی شود، مثل ارث، اگر قیمت آن زیاد شود، زیادی مشمول خمس می شود؟

بله، مشمول خمس می شود.

س۳۷۰ : آیا چیزهایی که از شان انسان بیشتر است مثل خریدن چند اتومبیل یا زمین و انسان آن را تهیه کند، مشمول خمس می شود؟

بله، مشمول خمس می شود.

س۳۷۱ : مخارج سالیانه یعنی چه؟

آن مقدار مالی که در طول یک سال، برای مخارج زندگی انسان از قبیل خوراکی ها و پوشیدنی ها و... لازم است را مخارج سالیانه می گویند.

س۳۷۲ : اگر بطور مثال من در حساب بانکی خود ۱۰۰ تومان داشته باشم و بخواهم خمس آن – یعنی ۲۰ تومان – را پرداخت کنم باید این مبلغ را حتماً از همان حساب بانکی برداشت کنم یا می توانم از محل دیگری هم بدهم. یعنی اگر مثلا ۲۰ تومان از جایی به من رسید می توانم آن را به عنوان خمس پرداخت کنم دیگر به حساب بانکی خود دست نزنم؟

لازم نیست از همان حساب بانکی برداشت نمایید، بلکه از هر محل دیگری باشدکافی است.

س۳۷۳ : نظر مبارک حضرتعالی در خصوص اختصاص

دادن بخشی از مبلغ خمس به امر بازسازی اماکن و عتبات عالیات در عراق به ویژه حرم سامراء چیست؟ آیا مراکز و شماره حساب های بانکی ای که از طرف دولت برای این امر مشخص و اعلام شده است، معتبر می باشند و می توان پول را به حساب آنها واریز نمود؟ اگر پاسخ مثبت است، بنده در صورتی که امسال مبلغ ۲۶۰ هزار تومان باید خمس بدهم چه میزان از این مبلغ را اجازه می فرمایید که به این امر اختصاص یابد؟

چنان چه مطمئن باشید که صرف بازسازی می شود، بسیار عمل خوبی است، الان در نزد من مبالغی جمع شده است و در صددم نزد کسی که مطمئنم به مصرف بازسازی می رسد بفرستم. اما آنچه از طرف دولت اعلام شده است، شما اگر خودتان اطمینان دارید، بپردازید و شما می توانید تا نصف خمس خود را به آن محل اختصاص دهید و اما نصف دیگر که سهم سادات فقیر است، در غیر فقراء سادات نمی توان صرف نمود.

س۳۷۴: خانمی که شوهرش هیچ گونه خرجی نمی دهد و بچه هایش به او مبلغی داده اند که این خانم مبلغ را به کسی داده که با آن تجارت کنند وهر ماه مبلغی را به عنوان سود می گیرد و با آن پول وسایل شخصی و... را تهیه می کند، حالا می خواهد بداند چکار کند، همیشه احساس گناه می کند، ولی مجبور است. از شما عاجزانه کمک و راهنمایی می خواهد که چگونه از دست این گناه خلاص شود و مالش را پاک نماید.

چنان چه چیزی از پولی که کسب کرده و در

ضمن یک سال خرج زندگی نموده، زیاد آمد خمس آن زیادی لازم است و اما آن مقدار که خرج کرده، خمس ندارد.

س۳۷۵ : اگر کسی مالش را به گونه ای خرج کند که آخر سال مالی، چیزی اضافه نیاید، باید خمس بدهد؟ (مثلا سفر خارج رود که ضرورتی ندارد)

خیر لازم نیست خمس بدهد; به شرطی که خرج عقلائی باشد نه سفهی.

س۳۷۶ : خمس شامل چه افرادی و با چه شرایطی لازم می باشد و چگونه باید انجام گیرد و به چه کسانی تعلق می گیرد و به چه کسانی باید مراجعه کنیم؟

کسی که کاسبی دارد یا زراعت می کند و حقوق می گیرد، چنان چه یک سال از اولین استفاده او بگذرد و در این مدت خانه تهیه کند و مخارج سال خود و خانواده اش را بدهد و چیزی زیاد بیاید، یک پنجم آن را باید به عنوان خمس بدهد، البته نصف خمس که سهم امام است، به مرجعتان بدهید بهتر است.

س۳۷۷ : در کدام سوره و آیه آمده که باید خمس داد و در کجا آمده صیغه جایز است؟

آیه خمس در سوره انفال آیه ۴۱ است. آیه متعه صیغه در سوره نساء آیه ۲۴.

س۳۷۸ : ۱. شهریه طلاب به نظر معظم له خمس دارد یا خیر؟

۲. هدایایی که به طلاب می دهند و ما مطمئن هستیم که از وجوهات تهیه شده آیا خمس دارند یا خیر؟

۳. آیا شما این اجازه را به عموم طلبه ها می دهید که مقداری از خمسی که والدین طلاب می پردازند، قسمتی را برای تهیه کتاب یا مخارج دیگری که مربوط به تحصیل است استفاده کنند؟

۴.

همین فرض در مورد خمسی که خود طلاب می پردازند، نیز شما اجازه می دهید یا خیر؟

۱. شهریه طلاب در حکم منفعت کسب است و چنان چه سال بگذرد و زیادی از مخارج بود، خمس دارد.

۲. هدایایی که به طلاب داده می شود ولو وجوهات باشد حکم منفعت کسب را دارد.

۳. بله، مجاز است.

۴. در سهم مبارک امام اجازه مجتهد لازم است و من اجازه می دهم.

س۳۷۹ : خمس و زکات به کسی که نان آور خانواده است و شوهر و بچه سید هستند، تعلق می گیرد؟

خانمی که نان آور است، برای مخارج زندگی می تواند به شوهرش خمس بدهد، ولی اگر نان آور مرد باشد نمی شود برای مخارج به زنش و بچه خمس بدهد.

س۳۸۰ : من حدود سه سال است که مشغول کار هستم آیا پولی را که برای خرج عروسی جمع کرده ام خمس دارد یا نه؟

بله، خمس دارد.

س۳۸۱ : شخصی مدعی است که عقیده به دادن حقوق شرعی سهم امام(علیه السلام) به روحانی و مرجع ندارد، و مصرانه مایل است خودش آن را در مواردی که مطابق شرع می داند ویقین دارد، مورد رضایت امام زمان (عج) می باشد، مصرف نماید؛ آیا شما اجازه می دهید آن را خودش به مصرف شرعی بحسب تشخیص خودش برساند؟

بله، مجاز است؛ به شرط آنکه به همان مصرفی که مرجعش مصرف می داند، صرف نماید.

حج

س۳۸۲ : من مردی ۳۴ ساله هستم و از من خواسته شده، برای دایی مرحومم، حج نیابتی به جا آورم، من در حال حاضر توانایی ثبت نام به مکه و رفتن به حج را دارم، ولی به دلیل

اینکه مهریه همسرم را تاکنون به طور کامل پرداخت نکرده ام، (حدود ۱۵ میلیون تومان دیگر) هنوز اقدام به این عمل ننموده ام; آیا من می توانم به نیابت ازآن مرحوم حج را به جا آورم؟

بجا آوردن حج به نیابت آن مرحوم هیچ اشکال ندارد، مورد اشکال، حج واجب بر خود انسان است.

س۳۸۳ : اگر جوان مجردی پولی داشته باشد و می تواند با آن ازدواج کند یا حج واجب انجام دهد، اولویت با کدام است; یعنی اگر این پول را صرف ازدواج کند، دیگر نمی تواند به حج واجب برود و اگر این پول را صرف حج واجب کند، دیگر نمی تواند ازدواج کند; بنابراین وظیفه این جوان مجرد چیست؟

اگر شرائط دیگر وجوب حج محقق باشد و جوان هم راه دیگر برای رفع حاجت ازدواج مانند(صیغه موقت) داشته باشد یا قدرت بر صبر داشته باشد و در مشقت نیفتد، باید به حج برود وگرنه خرج ازدواج نماید.

س۳۸۴ : تشرف هر ساله به عمره و حج استحبابی اولویت دارد یا قضای حاجت و کمك به مؤمن; مانند خرید جهیزیه یا دادن هزینه ازدواج یا خرید یخچال یا لوازم ضروری برای همسایه یا نیازمندانی که قادر به تهیه آنها نیستند؟ در خصوص کسانی که چند سال یکبار یا برای سال اول مشرف می شوند چگونه است؟ همچنین در خصوص کسی که هر ساله به حج تمتع مشرف می شود؟ لطفا اگر سند روائی دال بر اولویت وجود دارد، ذکرنمایید.

در صورت امکان جمع بین هر دو بنمایید وگرنه قضاء حاجت مقدم است. بله، کسی که سال اولی که مشرف می شود، بعید نیست حج مقدم باشد; البته

اینها در مورد غیر حج واجب است و اما حج واجب قطعاً مقدم است.

س۳۸۵ : در تلبیه گفتن، آیا لبیک آخر (پنجمی) گفته می شود یا خیر؟

لبیک آخری چهارمی است.

س۳۸۶ : اگر در هنگام حج در بعضی مسایل مشکلی داشتیم و ندانیم تکلیف چیست، آیا می توانیم به مجتهد دیگری رجوع کنیم، در صورت رجوع شما چه کسی را معرفی می کنید؟

تبعیض در تقلید، خلاف احتیاط است و چنانچه چنین مسأله ای پیش آمد، احتیاط کنید یا به وسیله تلفن یا فاکس و یا اینترنت از مرجعتان سئوال کنید.

س۳۸۷ : در رمی جمرات، در سنگ زدن به شیطان طبقه اول با طبقه دوم تفاوتی وجود دارد؟

بله، اکتفاء به رمی طبقه دوم خلاف احتیاط است.

س۳۸۸ : ماکه در جحفه احرام می بندیم، آیا می توانیم در تهران غسل احرام انجام دهیم؟

البته غسل احرام واجب نیست و مستحب است؛ و چنان چه در تهران غسل کنید و همان روز به جحفه برسید و در جحفه غسل نکنید، اشکالی ندارد و اگر نرسیدید در آن روز مستحب است دو مرتبه غسل کنید.

س۳۸۹ : با توجه به اینکه در جامعه، افرادی نیازمند هزینه تحصیل یا هزینه ازدواج یا مایحتاج ضروری زندگی هستند، آیا بهتر است بنده که چند بار به عمره مشرف شده ام، دوباره به عمره مشرف شوم یا هزینه آن را صرف امور ذکر شده بنمایم؟ آیا فرقی بین همسایه بودن فرد نیازمند یا رحم بودن یا غیرآنها وجود دارد؟

اگر جمع ممکن است به هر دو عمل شود وگرنه رفع حوائج مسلمان خصوصاً همسایه و رحم مقدم است.

س۳۹۰ : در اصابت سنگ حاجیان به جمرات، آیا باید

به خود ستون ها بخورد؟

بله، باید به ستون ها بخورد; یعنی انداختن در محل نزدیک به جمرات کافی نیست.

قضاوت

س۳۹۱ : اگر پسر بچه ای در بدو سن تکلیف در یک عمل مطایبه ای و غیرمقصود و بدون هیچ غرضی و در یک نزاع غیرجدی دقیقاً مشابه دعوای دو کودک که بر سر یک چیز بسیار ساده دعوا می کنند و بدین صورت که ابتدا مقتول که تقریباً ۱۸ ساله است، یک شیء فلزی (متر فلزی که با آن پارچه را متر می کنند) را به سمت متهم پرتاب کند و متهم به قتل نیز- طبق شناسنامه ۱۶ ساله - متقابلا همان شیء را به سمت او از فاصله ۴ الی ۵ متری پرتاب می کند که به صورت اتفاقی به بنا گوش او اصابت می نماید و وی فوت می کند. در حالی که نه قصد و غرضی مبنی بر قتل در میان باشد و نه اینکه از آلت و ابزاری استفاده شده باشد، که آلت قتاله باشد و نه اینکه از چنین کسی با چنین سنی که دوست صمیمی مقتول نیز می باشد، چنین امری اصلا و تحت هیچ شرایطی چنین امری قابل تصور نمی باشد. در حالی که این دو باهم رابطه خویشاوندی سببی دارند. و برادر مقتول داماد خانواده متهم به قتل نیز می باشد. خواهشمند است نظرتان را در خصوص عمدی یا شبه عمدی یا غیرعمدی بودن این امر بیان فرمایید.

این کشته شدن نه عمدی است، نه شبه عمد، بلکه خطای محض است و دیه قتل خطائی معلوم است و خلاف شرع هم نکرده است.

س۳۹۲ : اگر حکم اختلاف مالی

در دادگاه یا نزد ریش سفیدان، منوط به نظر کارشناس دادگستری در امور مالی شود و اختلاف بر سر دادن پول به دیگری است. اگر ما به کارشناس پول بدهیم تا قیمت کمتری یا بیشتری از واقعیت بر روی مال یا جنس بگذارد تا سود کنیم و طرف دیگر متضرر شود و کارشناس قبول کند;آیا کار ما گناه است و رشوه؟ آیا کار کارشناس هم خلاف است و پولش حرام؟ آیا راهی برای توجیه شرعی این کار هست؟ آیا در این موضوع فرقی بین اینکه طرف مقابل پولدار هست یا نه هست؟

کاری خلاف است و خیانت محسوب می شود و پول برای گیرنده هم حلال نیست و راهی برای توجیه شرعی آن به نظر نمی رسد، مگر آنکه به طرف بگویید که من اطمینان به نظر این کارشناس ندارم و ممکن است قیمت این جنس بیشتر باشد، ولی من بیش از این مقدار حاضر به معامله نیستم، در این صورت معامله هم صحیح هم لازم است و پولی هم که به کارشناس می پردازید هبه کنید; یعنی ببخشید و یا راضی باشید به تصرف او در این مال که در این دو صورت مال هم حلال می شود.

س۳۹۳ : آیا یک قاضی بعد از رسیدن به مقام قضاوت، مادامی که بر اساس علم خود و بدون تحت تاثیر دیگران حکم کند، مصونیت شرعی در پیشگاه خدا دارد؟ (منظور این است که اگر قاضی اشتباهاً حکم به اعدام شخصی داد و یا با حکم غلط کسی را چند سال زندانی کرد و عمر او و آبرویش را از بین برد و البته کسی هم تا آخر

متوجه نشود که قاضی اشتباه کرده است در اینجا قاضی مصونیت شرعی دارد) آیا خداوند متعال در این قبیل موارد برای فرد بی گناه درجاتی را در نظر می گیرد؟

در چنین مواردی چنانچه بر قاضی اشتباه خودش ثابت شود واجب است اعلام اشتباه کند و نسبت به خسارت مادی حتی آنچه در مقابل اعدام باید بدهد که دیه قتل خطئی است، باید از بیت المال پرداخت شود.

س۳۹۴ : شبه ای که برای یکی از دوستان بنده پیش آمده یک مسأله فقهی و کلامی است که به راستی حکم کشتن کافر چیست؟ و آیا شارع مقدس دستور به حمله و کشتن کافران را می دهد؟ با توجه به آیه ۲۹ سوره توبه که در آن دستور مقاتله با اهل کتاب داده شده است تا اینکه به خواری جزیه بپردازند; آیا این منافاتی با اخلاق و اصول انسانی ندارد، حتی منافات با آیات دیگر قرآن که می فرماید اگر با شما مشرکین جنگیدند، بجنگید یا آیاتی که به کافران می فرماید دین شما برای شما و دین ما برای ما. همچنین آیا امام علی(علیه السلام)موافق حمله عمر به ایران بوده و موضع ائمه در این مورد چه بوده؟ آیا کشتن یک زرتشتی مجاز است یا نه؟ آیا با کشتن یک کافر باید مسلمان قاتل، قصاص شود؟

کشتن کافر به عنوان کافر جایز نیست، بلکه در صورتی که جهاد باشد، واجب می باشد.

س۳۹۵ : در آیه ۲۳ از سوره شریفه انفال آمده است که بدترین چهارپایان(جنبندگان) نزد خداوند کسانی هستند که نه می شنوند، نه می بینند و نه تفکر می کنند، حال آیا داور یا داورانی که بدون

بررسی محتویات پرونده و لوایح موجود و یا حتی از روی خصومت شخصی، مبادرت به صدور رأی می نمایند، مشمول آیه فوق می باشند؟ و با این افراد چه برخوردی باید داشت؟

این افراد چه مشمول آن آیه کریمه باشند یا نباشند، عملشان خلاف شرع و خداوند جزای سختی برای آنها در نظر دارد و این دنیا در صورت بسط ید مجتهد و ثابت شدن این کار قبیح تعزیر قرار داده است.

س۳۹۶ : در مورد آیه شریفه: «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم»، آیا معنی آیه این است که چنانچه فردی یکی از اعضای خانواده ما را به عمد کشت، برای قصاص ما می توانیم فردی از اعضای خانواده او را بکشیم یا فقط فرد قاتل باید قصاص شود؟ و آیا در این مسأله قیدی وجود دارد یا نه؟

معنی آن آیه کریمه این است: اگر شخصی اعتدا کرد به شخصی، فقط شخص معتدی به می تواند به همان شخص همان مقدار اعتدا نماید. بنابراین مورد سئوال هیچ ربطی به آیه کریمه ندارد.

س۳۹۷ : شرایط تحقق زنای به عنف چیست؟ مردی با وعده های گوناگون دختران دانشجو را اغفال نموده و پس از مدتی ارتباطات غیر از زنا نهایتاً با برخی از آنان زنا نموده است و در دفاع از خود گفته است خود دختران هم تمایل داشته اند. آیا این شیوه ها زنای به عنف است؟

خیر این زنای به عنف نیست، چون در حین عمل دختر با میل و اختیار خود تسلیم این عمل شده است. چنانچه در حین عمل تمکن از جلوگیری نداشته باشد و بدون رضای او عمل محقق شده باشد

زنای به عنف است.

دیه سقط جنین

س۳۹۸ : رأی حضرتعالی درباره دیه سقط جنین نامشروع چیست؟ مبلغ آن چقدر است و به چه کسی باید داده شود؟

چنانچه نطفه باشد «۱۶ درهم» و اگر علقه باشد «۳۲ درهم» و اگر مضغه باشد «۴۸ درهم» و اگر استخوان پیدا کرده باشد «۶۴ درهم» و اگر گوشت رویپده و تام الخلقه شد «۸۰ درهم» و اگر روح دمیده و پسر است «۸۰۰ درهم» و اگر دختر باشد «۴۰۰ درهم». هر درهم یک مثقال نقره شرعی است که نصف مثقال صیرفی و یک چهلم آن می باشد و به پدر و مادر و اقرباء آنها داده نمی شود، بلکه مال امام است.

س۳۹۹ : آیا سقط جنین (حدوداً ۴۰ روزه) حرام است و در این صورت دیه آن چقدر است؟

بلی حرام است و دیه آن تا نطفه است و در حد ۴۰ روز است، ۲۰ دینار و هر دینار یک مثقال طلا است.

نذر

س۴۰۰ : بنده مسئول هیئت عزاداری سید و سالار شهیدان امام حسین(علیه السلام) می باشم. چندی قبل تعدادی صندوق به طور امانت نزد عده ای از افراد گذاشته شد، تا نذورات خود را داخل آن بیندازند، ولی احتمال این نیز می رود که عده ای هم نذورات و هم صدقات خود را داخل آن بیندازند. با طرح این مسأله، خواستم از جنابعالی بپرسم که آیا می توان این پول ها را صرف مخارج هیئت، شامل خرید تجهیزات و دادن شام و... کرد؟ اگر می شود آن مقدار از پول ها که با هم مخلوط شده اند را چگونه جدا سازیم و در مجموع چه کاری باید کرد؟

چنانچه آن افراد را می شناسید از آنها

سؤال کنید که با این پول ها چه کنیم. اگر نمی شناسید و مصرف آنها را نمی دانید، من اجازه می دهم که در عزاداری امام(علیه السلام) مصرف نمایید. و اگر مصرف را می دانید در آن صرف نمایید.

س۴۰۱ : دادن نذر به سادات و قبول آن از طرف سادات چگونه است؟

شما اگر سید نیستید نمی توانید از طرف سادات قبول کنید.

س۴۰۲ : اگر من نذری کنم و فراموش کنم که آن نذر چه بوده و در چه تاریخی باید انجام می شده است، چه باید کرد؟

به حداقل محتملات که به آن اطمینان دارید، در راه خیر و عبادت در هر وقت که خواستید صرف نمایید.

س۴۰۳ : حقیر نذر کردم که اگر دانشگاه آزاد قبول شوم پای تخته سیاه بنویسم «بی حجاب منتظر نگاه دیگران» الحمدلله قبول هم شدم. اگر این کار باعث دشمن تراشی شود و در صورتی که یادم نیست که قول داده ام یا نذر کرده ام و نمی دانم صیغه نذر را خوانده ام یا نه؟ وفای به این عهد بر من واجب است؟

خیر، واجب نیست.

س۴۰۴ : بنده نذر کرده بودم به مدت ۱۰ ماه یک دهم حقوق خود را صدقه بدهم، ولی بنا به مشکلاتی این کار را انجام نداده ام به جای این کار در هر ماه مقدار کمتری پول (از یک دهم حقوق) را صدقه می دهم. آیا بنده در نذر خودم تخلف کرده ام؟ واگر تخلف در نذر کرده ام چه مقدار باید کفاره بپردازم؟

بله، نسبت به مقدار کمتر از یک دهم تخلف کرده اید و باید آن مقدار را صدقه بدهید و به جهت تخلف نذر

کفاره هم بدهید.

س۴۰۵ : من جهت تهذیب نفس با خودم سوگندی یاد کردم، تا مدت زمان معینی برخی کارها را انجام ندهم و چندین غذای خاص که بسیار مورد علاقه ام بود نخورم، ولی متأسفانه مدتی نتوانستم به آن سوگندم که فقط میان من و پروردگارم بود وفا کنم؛ حال که هنوز مدت معینی از زمان سوگندم مانده تصمیم گرفتم به عهدم وفادار بمانم. برای آن عهدشکنی ام باید توبه کنم یا کفاره دهم؟

برای عهد شکنی که معصیت و گناه است، باید توبه کنید و کفاره بدهید، به این نحو - یا شصت فقیر را سیر کنید یا دو ماه روزه بگیرید یا یک بنده آزاد کنید - که آخری ظاهراً فعلا مورد ندارد.

س۴۰۶ : شخصی نمی دانسته که برای نذر واجب است صیغه خوانده شود و فقط نیت کرده؛ آیا بعد از رفع حاجت باید به نذر خود عمل کند

من صیغه خواندن در نذر را لازم نمی دانم، بنابراین باید به نیت نذر خود عمل کند.

س۴۰۷ : من نذر کردم که سه روز پشت سر هم روزه بگیرم و در دلم گفتم از فلان روز تا فلان روز می گیرم، ولی نتوانستم روزه بگیرم حکمش چیست؟ وآیا در نذر کردن حتماً باید نام خدا را ببرم (به عنوان صیغه نذر) یا مثلا بگویم نذر امام رضا می کنم، نذرم صحیح است؟

در نذر تلفظ لازم نیست، ولی باید در نیت چنین نیت کنید؛ یعنی بناء قلبی داشته باشید که برای خدا این عمل را انجام می دهید. فعل قلبی کفایت می کند، البته گفتن لفظ بهتر است.

س۴۰۸ : ۱: اگر کسی نذری کند و آن

را با تأخیر زیاد انجام دهد، گناه دارد یا هر وقتی باشد اشکال ندارد؟

۲: اگر کسی نذرش را فراموش کند که به چه صورتی بوده و فقط (مثلا) یادش بیاید که پولی نذر کرده، ولی جزئیاتش را به هیچ وجه بیاد نیاورد وظیفه اش چیست؟

۳: آیا برای کلیه امور حلال می توان نذر کرد؟

۱: تأخیر در انجام، چنانچه نذر مطلق باشد و مقید به زمان خاصی نباشد اشکال ندارد.

۲: اگر مصرف را فراموش کرده می تواند در مطلق وجوه خیر صرف کند.

۳: و اگر هیچ گونه مصرفی را تعیین نکرده باشد و برای کلیه امور حلال نذر کرده باشد نذرش باطل است.

س۴۰۹ : اینجانب در مسافرت به یکی از شهرهای ایران مبلغی را برای امامزاده ای نذر کردم و امکان سفرم به آنجا فعلا نیست; چون ۷۰۰ کیلومتر فاصله دارد در این حالت چگونه نذر خود راادا کنم؟ (امکان دادن آن به مسافرها هم نیست).

اگر نذر مطلق کرده اید، می توانید آن وجه را بدهید که برای آن امام زاده قرآن بخوانند و یا زیارت امام رضا(علیه السلام) به نیابت او یا حج و... انجام دهند. و اگر نذر کرده اید که صرف در تعمیر مقبره آن امام زاده یا تشکیل مجلس در جوار او بنماید و مسافرت به آنجا ممکن نیست یا مشقت زیاد دارد و به این زودی ها هم تمکن پیدا نمی شود، در امور خیریه ای صرف کنید که ثوابش عائد آن امامزاده بشود.

س۴۱۰ : آیا مصداق نذر را می توان تغییر داد؟ (مثلا نذر کنیم برای موضوعی یک گوسفند بدهیم و بعد از قطعیت نذر به جای گوسفند پول بدهیم.

یا مثلا یک سکه طلا بدهیم. آیا چنین تبدیلی صحیح است)؟ اگر یک گوسفند را بدون قید و خصوصیتی نذر کنیم و در نظرمان باشد که گوسفند صد هزار تومان است; حال آنکه گوسفند ارزان تر هم می باشد و ما مطلع نبودیم، چگونه باید نذر را ادا کنیم؟

به آنچه نذر کرده اید عمل کنید و تبدیل آن به چیز دیگر جایز نیست گرچه قیمت آن زیادتر باشد. چنانچه درحین نذر کردن مقید به اینکه صد هزار تومان باشد ننموده اید، و فقط خیال می کردید قیمت این مقدار است; گوسفند ارزان تهیه کنید عمل به نذر کرده اید و لازم نیست قیمت صد هزار تومان را مراعات کنید.

س۴۱۱ : من ۲۰ سال پیش نذری برای پسرم کردم که در روز تولد حضرت امام رضا(علیه السلام)غذا بپزم و پخش کنم. فقط زبانی گفتم و معلوم نکردم چقدر و چه چیز را نذر کنم تا به حال این نذر انجام شده است. حالا آیا می توانم معادل آن وجه نقدی که در توانم هست را به مستحق بپردازم یا مواد خشک نپخته بخرم و پخش کنم و یا باید حتماً غذایی پخته شود گرچه به اندازه دو نفر باشد.

همان گونه که نذر کرده اید عمل کنید. در صورتی که نذر شرعی بوده است باید عمل کنید و دادن پول نقد و یا مواد خشک نپخته مجزی نیست.

قسم

س۴۱۲ : من قسم خورده ام که مشروب نخورم; اگر به عهد خود وفا نکنم حکم آن چیست؟ (قسم به قرآن خداوند)

اولا شما را نصیحت می کنم که مشروب نخورید، زیرا معصیتی بسیار بزرگ است و عواقب بد دنیوی

و اخروی زیادی دارد. و ثانیاً در صورتی که قسم به خداوند خورده اید چنانچه عمل نکنید، باید فقیر را اطعام کنید یا به ده فقیر لباس بدهید.

س۴۱۳ : به من کاری پیشنهاد شد. من هم چون از کار اطلاعاتی نداشتم و برای رهایی از پیشنهاد کننده، قسم خوردم وارد کار نشوم. حالا بعد از مدتی با اطلاعات کاملی که از این کار بعد دست آوردم، فهمیدم که این کار زندگی من را تغییر می دهد و می خواهم وارد آن کار شوم. مسأله قسم خوردنم چه می شود؟

قسم به غیر اسم الله منعقد نمی شود و مخالفت با آن کفاره ندارد. و اگر با کلمه الله باشد، نباید مخالفت نمود واگر مخالفت شود کفاره لازم است.

س۴۱۴ : اگر شخصی جهت اثبات موضوعی، با علم و اطلاع بر دروغ بودن آن به جان کسی قسم بخورد، مثلا به جان پدرش، مادرش و برادرش یا به جان شخص دیگری، و پس از مدتی حقیقت را برای شخصی که برایش قسم دروغ خورده بگوید، حکمش چیست و برای جبران قسم های دروغی که خورده باید چه بکند؟

این قسم ها کفاره ندارد.

میت و ارث

س۴۱۵ : چندی قبل، شخصی از دنیا رفت و افراد در تشییع او شرکت کردند. زمانی که می خواستند پیکر میت را داخل ماشین بگذارند، یکی از نزدیکان میت زیر تابوت را گرفت و با اذکار مقدس یا حسین(علیه السلام) یا زهرا(علیها السلام)، چندین مرتبه تابوت حامل میت را بالا و پایین برد و حاضران نیز این اذکار را تکرار نمودند و سپس میت را داخل ماشین قرار دادند. بعد از چندی برخی اقوام به نامبرده

گفتنـد، انجـام این عمـل درست نبوده است و موجبات اذیت و آزار میت شـده است و دلیل آورده بودنـد که در روایت آمـده است: «بدن کسـی که تازه از دنیا رفته است، آسـیب دیده و خرد می باشد و تا زمانی که دفن نشود و مورد سؤال و جواب قرار نگیرد، بدن راحت نیست». لطفاً نظر خود را در این خصوص بیان فرمایید.

این گونه حرکات و اذکار مطمئناً موجب آزار و اذیت میت نخواهد شد و بسـیار عمل خوبی است و میت هم از این عمل فایده می برد.

س۴۱۶ : بنـده امسـال بـا خرج خودم سـالگرد پـدرم را گرفتم، و قیم شـخص دیگری است; آیا ثواب این مجلس و فاتحه ها به روح پدرم می رسد؟ (بنده ۲۰ سال دارم).

ثواب به ایشان می رسد و خوشـحال می شود که پسـری مانند شـما دارد و در فکر او است، تا می توانید برای او کار خیر انجام دهید.

اگر مادرتان زنده است به او خدمت کنید که آن مرحوم هم خوشحال می شود، قطع نظر از ثوابی که مترتب است.

س۴۱۷ : اگر شخصـی بـدون وصـیت بمیرد و ورثه او نابالغ باشـند، آیا جایز است از مال میت برای او خرج شود؟ و همین طور آیا جایز است، در آن خانه غذا خورده شود؟

اگر بـالغین از ورثه، از سـهم خودشـان که با ارث به آنها می رسـد، با اجازه حاکم شـرع خرج کننـد جایز است و همچنین اگر مصـلحت صـغیر و غیربـالغ در آن باشـد، جـایز است وگرنه جـایز نیست. اما غـذا خوردن در آن خانه، در صورتی که مبلغی به عنوان اجرت در سهم بچه در نظر

بگیرید یا صلاح صغیر در آن باشد جایز است، به شرط مراجعه به حاکم شرع و اجازه از او.

س۴۱۸ : خانمی در خواب مادر مرحومش را دیده است، می گوید: در عالم خواب دو آقای بلند قد، با صورت های بسیار جدی و با لباس مشکی در مقابل مادرم ایستاده بودند (ظاهراً از بابت بدهی مادرم آنجا بودند)؛ مادرم از هر جای خانه اش، تکه کوچک طلا- پیدا می کرد و به آن دو مرد می داد، ولی آنها می گفتند که این مقدار کافی نیست. تا اینکه تمامی طلاهایش را می دهد و همه وسایل خانه (حتی لحاف و تشک) را به آن دو مرد می دهد؛ اما آن دو نفر می گویند که اینها کم هستند. این خانم می گوید در عالم خواب من در کنار مادرم بودم و سه تکه طلا داشتم که آنها را درجیبم پنهان کردم و به مادرم ندادم و مادرم را می دیدم که خیلی پریشان است و دنبال چیز با ارزشی برای پرداختن بدهی می گردد. آن سه تکه طلایی که داشتم عبارت بودند از:

۱. انگشتری از مادرم به ارث رسیده است و الان آن را دارم.

۲. گردنبندی که مال پسر بچه ام بود و مادرم در زمان حیات، پسرم را به پارک برد و گردنبند دزدیده شد.

۳. انگشتری که تا حالا مانند آن ندیدم.

حال این خانم می پرسد که مادرم چه گرفتاری دارد و من برای بر طرف شدن گرفتاری ایشان باید چه کار کنم؟

آیا برای عمل به پاسخ شما، حتماً باید شما مرجع تقلید من باشید؟

من دو خواهر و یک برادر دارم، پس ار مرگ

مادرم، یک ششم مالش را خرج مخارج ایشان کردیم. هر کدام از دخترها یک ششم و برادرم دو ششم ارث بردند. خواهرم از سهم خودش برای مادرم نماز قضا گرفت. در حال حاضر از نظر مالی در مضیقه هستم. باید چه کار کنم؟

به قدر امکان، دیون مادرتان را اعم از مادی و معنوی، مانند قضاء نماز و روزه انجام دهید، معلوم می شود گرفتار است. اگر مدیون است، دین او را اداء کنید، اگر صاحبش را نمی شناسید رد مظالم بدهید.

س۴۱۹ : پدری دارم حدوداً ۵۴ سال دارد. - الحمدلله - از لحاظ بدنی هم در صحت کامل به سر می برند، اما متأسفانه اهل نماز و روزه و سایر مسائل فقهی نیست و به خیلی از مسائل بدگمان و بدبین است سوال نخست من این است: من که پسر بزرگ خانواده هستم، آیا بعد از ایشان فرایضی که از ایشان قضا شده و می شود، به عهده اینجانب است؟ و با در نظر داشتن این مطلب که تذکر دادن به ایشان موجب رنجش ایشان می شود، اگر در این گونه مواقع، به خاطر تذکر در امورات دینی بگوید اگر تذکر بدهی، عاقت می کنم، آیا تکلیف از من ساقط می شود؟

سوال دوم: پدر بزرگی داشتم که به رحمت خدا رفت، یکی از آشنایان از جسد ایشان چندین عکس گرفته است، نگاه کردن به این عکس ها چه حکمی دارد؟

تذکر دادن به انجام فرائض نماز و روزه، نه اینکه بد نیست، بلکه از واجبات شما است و گفتن اینکه عاقت می کنم، هیچ اثری ندارد، تا می توانید سعی کنید که ایشان را وادار به

انجام وظائف شرعی بنمایید.

چنانچه نماز نخوانند، بعد از مردن به عهده شما است باید بخوانید.

نگاه کردن به عکس های جسدشان، هیچ اشکالی ندارد، البته به عورت میت نباید نگاه کنید.

س۴۲۰ : من مردی ۴۸ ساله هستم که مرحوم پدرم پس از طلاق مادرم در ۴۰ سالگی با خانمی ازدواج کردند و مادر خوانده من به دلیل ناراحتی زنانه بچه دار نشد و اکنون ۸۳ ساله و بیمار می باشد، آیا نامبرده که فامیل درجه یک ندارد و همه فوت کرده اند و یک مشت بچه برادر و بچه خواهر دارد، پس از فوتش من می توانم در اموالش ادعایی داشته باشم؟

خیر نمی توانید.

س۴۲۱ : در یک قبرستان یازده عدد قبر وجود دارد و قرار است در آنها یازده مرده دفن شود، پس از غسل و دفن کردن، موقع حسابرسی، مرده شور می گوید که من ده نفر را غسل دادم; در حالی که در قبرها یازده نفر دفن شده است. سوال این است که تکلیف آن یک نفر که بدون غسل دفن شده است چیست؟ و چگونه می توان در بین آن یازده نفر که دفن شده اند، آن یک نفر را پیدا کرد و غسل داد؟

چنانچه محذوری نداشته باشد، باید همه را یک مرتبه غسل دهد وگرنه غسل ساقط است و چنانچه ممکن است بعضی را غسل دهد، باید غسل دهد.

س۴۲۲ : میتی را غسل دادند و کفن نمودند و داخل قبر قرار دادند; کسی که مشغول امور تلقین واعمال دیگرشد، مقدار بسیار کمی خون در روی لب میت دید، به گونه ای که به جایی سرایت نمی نمود. شخص مربوطه کار خود را

تمام نمود و قبر را پوشاندند، بعداً نزدیکان میت را احضار کردند که از بالای قبر آثار خون را در کفن میت مشاهده کردند; البته این مطلب را با شک و تردید ابراز می داشتند و می گفتند که مطمئن نیستند و شاید هم اشتباه کرده باشند; این در حالی است که شخصی که داخل قبر شده کاملا مطمئن باشد، آیا باید مقدار کمی خون که روی لب میت بود را پاک می کردند و چون شخصی که داخل قبر شده بود نسبت به این مسأله بی توجهی کرده است، آیا گناه کرده و در صورت ارتکاب معصیت، چگونه باید جبران کند؟ در خصوص ادعای توأم با شک و تردید نزدیکان میت نظر مبارک چیست؟

اگر به بدن میت نجاستی برسد، باید تطهیر شود حتی بعد از دفن، به شرط آنکه بعد از گذاشتن در قبر و دفن تطهیر موجب هتک یا مشقت نباشد و اگر شک در نجاست باشد، تطهیر لازم نیست. بنابراین نزدیکان میت وظیفه نداشته و ندارند و شخصی که داخل قبر رفته، اگر یقین به نجاست داشته در آن وقت موظف بوده آب بکشد و فعلا اگر او هم شک نموده یا آب کشیدن مشقت داشته باشد، تکلیف ندارد.

و خداوند تعالی غفار است، در صورت توبه، او را می بخشد اگر گناه کرده باشد.

س۴۲۳ : اگر پس از اینکه میتی را در قبر نهادند و روی صورت او مقداری آب که مخلوط آب زمزم، آب علقمه و آب فرات است، به جهت تبرک بریزند (در حد یک لیوان) به گونه ای که حنوط پیشانی پاک شود، آیا این عمل درست است و

اگر درست نمی باشد، در صورتی که اقدام کننده جهل به مساله داشته است نظر مبارک چیست؟

خود آب ریختن جایز است، ولی لازم است پس از پاک شدن حنوط، دو مرتبه عمل حنوط را انجام دهند و اگر قبر میت را پس از پاک شدن حنوط بپوشانند، تا موقعی که نبش قبر اهانت به میت نباشد، باید نبش نموده و عمل تحنیط را انجام دهند.

س۴۲۴ : اگر فرضاً مادر من از دنیا رفته باشد و من برای او قرآن بخوانم، ثواب بیشتری به او می رسد یا اینکه وقتی قرآن می خوانم، ثواب آن را به روح چند نفر هدیه نمایم؛ یعنی آیا در حالت دوم، ثواب بین آن چند نفر تقسیم می شود یا به همه به یک میزان می رسد؟

بین علماء اختلاف است و منشأ آن اختلاف روایات است؛ بعضی معتقدند که به هر کدام از آنها، چند ثواب کامل قرآن داده می شود و بعضی می گویند، توزیع می شود. من خودم در اعمال، چون عقیده ام توزیع است جداگانه می خوانم، مثل قرآنی که سحرها می خوانم. در این ماه یک قرآن بیشتر نخواندم و آن را هم به روح دو نفر یکی ملکه نبوت خدیجه کبری و دیگری ملکه ولایت نرجس خاتون، هدیه نموده و ثوابی که از این عمل به من می رسد به روح پدر و مادرم هدیه نمودم.

س۴۲۵ : با توجه به اینکه نماز لیله الدفن نمازی است که به جای خیرات، در شب اول قبر میتی خوانده می شود، آیا می توان این نماز را یک خیرات همیشگی در نظر گرفت و هر شب آن را

به جا آورده و ثواب آن را به روح آن میت هدیه نمود؟

در یک شب به عنوان نماز کلی مانعی ندارد، ولی به عنوان نماز خاص با کیفیت مخصوص جایز نیست.

س۴۲۶ : اگر کسی متوجه شود که پدرش همه اموال خود را از طریق مشروع به دست نیاورده و خانه ای که در آن زندگی می کنند و سایر اموال دچار مشکل است، وظیفه فرزند در مقابل اموالی که از پدرش به ارث برده چیست؟ آیا احترام و اطاعت از چنین پدری لازم است؟

اول باید دیون پدر را اداء نماید، بعد در آن اموال تصرف کند، مرتبه اول نهی از منکر، عدم احترام و عدم اطاعت است.

س۴۲۷ : مرحوم پدرم در سال ۸۳ فوت شد و مقدار ۶۰۰۰ متر زمین که ۲۰۰۰ متر آن باغ است، سهم این جانب شده است. حال سؤالم این است، ثلث پدرم را کی و چگونه بدهم. آیا می توانم درطول زندگیم به تدریج بپردازم یا باید زمین را هرمقدار که خریدند بفروشم و حق ایشان را بدهم؟ پول ثلث میت صرف چه کاری بشود که برای میت مؤثرتر باشد؟

پدرتان اگر وصیت نکرده اند که ثلث صرف خودشان بشود، شما تکلیفی ندارید و اگر وصیت کرده اند، لابد نوشته اند یا گفته اند که کجا و در چه راهی مصرف شود; اگر وصیت کرده اند که ثلث صرف خودم شود و مصرف را تعیین نکرده اند در مطلق کارهای خیر، از قبیل اطعام به فقراء، خرج عزاداری امام حسین(علیه السلام) و اداء دین مضطرین و امثال اینها بنمایید.

س۴۲۸ : حدود سی و شش سال از فوت پدر بزرگ اینجانب می

گذرد. محل دفن ایشان دیگر وضعیت مناسبی ندارد; بطوری که مورد ناراحتی خانواده شده است. آیا امکان جابجایی این قبر هست و چه شرایطی دارد؟

چنانچه می توانید نبش قبر کرده و میت را انتقال دهید; به گونه ای که اهانت به مرده نباشد اشکال ندارد.

س۴۲۹ : آیا پسر و دختر از مادر به یک اندازه ارث می برند؟ اگر نه به چه اندازه؟

اگر وارث یک پسر و یک دختر باشند، مال را سه قسمت کرده دو قسمت را پسر و یک قسمت را دختر می برد.

س۴۳۰ : اگر یکی از وراث غیرمسلمان، در بیماری منتهی به فوت مورث خود مسلمان شود، آیا موجب محروم شدن سایر وراث از ارث می شود؟

اگر یکی از ورثه، قبل از موت مورث مسلمان شود، حکم همان وضعیتی را دارد که مورث بمیرد و یک وارث مسلمان دارد و بقیه کافرند; بنابراین مانع از ارث Ṣjـ..Ơدیگران می شود.

س۴۳۱ : شخصی یک قطعه باغ انگور خود را به مدت صد سال، وقف خاص برای روضه خوانی حضرت سید الشهداء می کند; صد سال منقضی شده و جده مادری یکی از فرزندان آن مرحوم بوده; این شخص(جده مادری) دو دختر و دو پسر داشته، حال سهم الارث فرزندان به چه صورت بین آنان تقسیم می گردد؟

این وقف، وقف منقطع الاخر بوده و به مجرد فوت واقف، آن محل مسلوب المنفعه، منتقل به ورثه او و کسانی که در آن وقت ارث می برند می شود واگر آنها هم مرده اند هر کدام به مقدار حصه شان به ورثه آنها می رسد.

س۴۳۲ : در میراث زوجه گفته می شود که از قیمت اعیان

و اشجار ارث می برد. اگر بواسطه مرور زمان یا در اثر حوادث قهری از قبیل طوفان و زلزله اعیان و اشجار تلف شود و چیزی از آن باقی نماند، آیا سایر ورثه می توانند در عرصه - بدون در نظر گرفتن حق زوجه - تصرف نمایند؟ اگر ورثه از پرداخت حق زوجه نسبت به اعیانی امتناع کنند، آیا زوجه می تواند با فروش ملک، حق خود را استیفا کند؟

تصرف ورثه در عرصه و اعیان مطلقاً جایز است، چون ظاهر ادله این است که نامفهوم پس به مجرد موت، قیمت اعیان به ورثه منتقل می شود. بنابراین تصرف ورثه در عرصه بدون در نظر گرفتن حق زوجه درست است

و زوجه نمی تواند با فروش ملک حق خود را استیفاء کند.

بله مسأله دیگری پیدا می شود و آن حق تقاص است که ما قائلیم و شرایطی دارد که در محلش ذکر شده است.

س۴۳۳ : اگر متوفی وصیت کرده باشد که جزئی از اموالش را به شخص معینی بدهند، آیا عمل به آن واجب است؟

اگر عنوان هبه بر چنین وصیتی منطبق باشد، آیا قبض در صحت آن شرط است؟ موهوب له می تواند از ماترک متوفی، بدون اذن یا موافقت ورثه، مال مورد وصیت را قبض نماید؟

چنانچه کمتر از ثلث ماترک اوست عمل به آن واجب است و قبض درصحت آن شرط نیست; ولی موصی له نمی تواند بدون رضایت ورثه، مال مورد وصیت را قبض کند، چون مال مشاع است.

س۴۳۴ : پدری دارای ۳ فرزند می باشد، یک پسر و دو دختر. بعد از مرگ پدر، یکی از دخترها و چند سال بعد هم پسر این

خانواده فوت می کننـد و از این خانواده فقط یک دختر باقی می مانـد. باید به این نکته هم اشاره شود که در حال حاضـر تمام دارایی های این پـدر چند فقره زمین می باشد که در اختیار فرزندان پسـر این خانواده است. حال که دختر خانواده درخواسـت ارث خود را از برادر زاده ها می کنـد، آنها می گوینـد شـما سـهمی نداریـد و بایـد در زمانی که پـدر ما زنـده بود، تقاضا می کردی و الان به شـما و فرزندان آن یکی دختر هم چیزی تعلق نمی گیرد. حال سوال من این است، آیا گذشت زمان باعث می شود که فقط به پسر و فرزندان آن ارث برسد و به بقیه فرزندان دختر ارثی نرسد. لطفاً توضیح دهید.

چنانچه پدر در زمان خود چیزی به کسـی نداده و وصـیت هم نکرده، اموال او ۲ قسـمت می شود نصف آن برای پسر و نصف دیگر ۲ قسمت می شودکه بین دو دختر تقسیم می شود.

عزاداری و اعیاد

س۴۳۵ : وظیفه مـا در مراسم هـای مـداحی، که اشـعاری خوانـده می شود و علمـاء خوانـدن آن را جـایز نمی داننـد یـا سـبک خواننده ها می خوانند یا دروغ هایی در قالب مصیبت به ائمه(علیهم السلام)نسبت می دهند(روضه دروغ می خوانند) چیست؟ آیا ترک این گونه مجالس واجب است؟

چنـانچه مرجع تقلیـدتان فتوی می دهـد، به حرمت آن، ترک آن قبیـل مجـالس از بـاب نهی از منکر واجب است; مگر آن که تالی فاسدی مترتب برترک آن بشود ویا بدانید نهی از منکر شما اثری در جلوگیری ندارد.

س۴۳۶ : در راست و دروغ بودن روضه ها، آیا باید یک مطلب در کتب

متعدد موثق، آمده باشد یا اینکه بودن در یک کتاب موثق کافی است واگر در کتاب موثقی مطلبی به صورت غیرمشهور آمده باشد، آیا خواندن آن به عنوان روضه و مصیبت جایز است؟

در هر سه مورد خواندن روضه جایز است.

س۴۳۷ : آیا این کلام صحیح می باشد «حقوق شخصی که در تاسوعا و عاشورای حسینی به سرکار می آید حرام می باشد» و درکل کارکردن در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی چه حکمی دارد؟

حقوق حرام نیست، ولی برای شعائر حسینی کار نکردن بهتر است و کار کردن در روز تاسوعا و عاشورا حرام نیست.

س۴۳۸ : آیا شرکت کردن در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی بهتر است یاخواندن زیارت عاشورا و کتاب در مورد مصیبت سالار شهیدان در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی؟(بغیر از حضوردر نماز جماعت)

هیچ تنافی بین این اعمال نمی باشد و همه اش خوب است.

س۴۳۹ : آیا حضور در مراسم نوحه خوانی برای امام حسین(علیه السلام) که کلماتی به کارمی رود که در شأن امام حسین نمی باشد و در این مراسم اشخاص پیراهن های خود را در می آورند و به خود سیلی و مشت می زنند جایز می باشد؟

آنچه به حسب عرف عقلاء و شارع عنوان عزاداری امام حسین(علیه الاف التحیه و الثناء) باشد خوب است و باید در عزاداری شرکت نمود و جلوی حرف های غیرمناسب را باید گرفت.

س۴۴۰ : در حسینیه ها و مساجد بیشتر مناطق- به خصوص روستاها- مراسم شبیه خوانی (شبیه خوانی: نمایش وقایع حادثه کربلا است که به صورت سنتی در یک مکان ثابت یا در حال حرکت در مسیرهای عزاداران حسینی انجام می

شود) به اعتبار اینکه از سنتهای قدیمی است، برگزار می شود که گاهی اثر مثبتی در نفوس مردم دارد، این مراسم چه حکمی دارند؟

در صورتی که بعضی از اعمال موجب اهانت به اهل بیت(علیهم السلام)نباشد، کاری است عقلانی و شرعی و بسیار خوب است.

س۴۴۱ : در بعضی از مساجد در ایام عزاداری از عَلَم های متعددی استفاده می شود (چوب یا آهن بزرگی است که به صورت افقی بر روی کتف انسان در جلوی هیئت ها و دسته های عزاداری حسینی به عنوان نوعی شعار حمل می شود و بالای آن صفحه های فنری قابل انعطافی وجود دارد که مزیّن به پَر و جواهرات و مجسمه و غیرآنهاست.) که دارای تزئینات زیاد و گرانبهایی است و گاهی موجب سؤال متدینین، از اصل فلسفه آنها می گردد که در برنامه های تبلیغی خلل ایجاد می کند و حتّی با اهداف مقدس مسجد تعارض دارد، حکم شرعی در این رابطه چیست؟

این اعمال فی نفسها جایز است و به عنوان شعائر حسینیه راجح هم می شود.

س۴۴۲ : اگر شخصی عَلَمی را برای عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) نذر کرده باشد، آیا جایز است مسئولین حسینیه از قبول آن خودداری کنند؟

نذر صحیح است و لازم العمل و نباید قبول نکنند، مگر آنکه احتیاج به آن نباشد، در این صورت می توانند، قبول کنند و بفروشند و پول آن را در کارهای مربوط به مسجد مصرف بنمایند.

س۴۴۳ : اگر بعضی واجبات از مکلّف به علت شرکت در مجالس عزاداری، فوت شود، مثلاـ نماز صبح قضا شود، آیا بهتر است بعد از این در این مجالس شرکت نکند یا اینکه عدم شرکت

او باعث دوری از اهل بیت (علیه السلام)می شود؟

مگر شرکت در این مجالس سبب می شود که انسان قادر نباشد نماز بخواند، این حرفها وسوسه شیطانی است و نباید اعتناء نمود.

س۴۴۴ : در بعضی از هیئت های مذهبی مصیبت هایی خوانده می شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت درباره منبع مطالب سؤال می شود، پاسخ می دهند که اهل بیت(علیهم السلام)اینگونه به ما فهمانده اند و یا ما را راهنمایی کرده اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط گفته های علما نمی باشد، بلکه گاهی بعضی امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

نه تنها صحیح نیست، بلکه خلاف شرع هم هست. حتماً باید از اینگونه حرف ها جلوگیری نمود و عزاداری که بقاء دین مرهون آن است با این گونه حرف ها منافات دارد.

س۴۴۵ : صدای قرائت قرآن در مجالس حسینی بسیار بلند پخش می شود، به طوری که صدای آن از بیرون شهر هم شنیده می شود و این امر منجر به سلب آسایش همسایگان شده است و مسئولین و سخنرانان حسینیه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟

در مواردی که موجب اذیت مؤمنین بشود، باید جلوگیری نمود.

س۴۴۶ : نظر شریف حضرتعالی نسبت به ادامه حرکت دسته های عزاداری در شب های محرم تا نصف شب، همراه

با استفاده از طبل و نی چیست؟

خصوص نی را نمی دانم، ولی بقیه هیچ اشکالی ندارد و خوب است.

س۴۴۷ : استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

حرام است و جایز نیست.

س۴۴۸ : باقیمانده اموالی که به عنوان هزینه های مراسم عاشورای امام حسین(علیه السلام)جمع آوری می شود، در چه موردی باید خرج شود؟

چنان چه می شود نگه داشته و برای مراسم بعد استفاده شود نگه دارند و اگر ممکن نیست می توانند در موارد خیر دیگری صرف نمایند.

س۴۴۹ : آیا جایز است در ایام محرم از افراد خیّر اموالی را جمع آوری کرد و با تقسیم آنها به سهم های مختلف، قسمتی را به قاری قرآن و مرثیه خوان و سخنران داد و باقیمانده را برای برگزاری مجالس مصرف کرد؟

چنان چه تعیین مصرف خاصی در وقت پول دادن ننموده اند در موارد یاد شده می شود صرف نمود.

س۴۵۰ : آیا جایز است زنان با حفظ حجاب و پوشیدن لباس خاصی که بدن آنان را بپوشاند، در دسته های سینه زنی و زنجیر زنی شرکت کنند؟

در صورت حفظ حجاب و نگاه نکردن به بدن مرد نا محرم اشکال ندارد.

س۴۵۱ : آیا مرثیه خوانی زن در مجالس عزاداری، با علم به اینکه مردان نامحرم صدای او را می شوند، جایز است؟

چنان چه صدای آنها مهیج شهوت جوانان نباشد، اشکال ندارد.

س۴۵۲ : همان گونه که مستحضرید پنج روز اول ماه ربیع الاول با ایام سقیفه و غصب خلافت حضرت علی(علیه السلام) و وقایع شوم دیگری که سر منشاء حوادث تلخی چون

عاشورا می باشد، مصادف است نظر حضرتعالی در خصوص حفظ حرمت این چند روز، مانند ایام عزا چه می باشد؟ نظر شما در خصوص اینکه اگر در مکانی که به مناسبت ایام محرم و صفر سیاه پوش شده است، حرمت این ایام نیز حفظ شود و در این چند روز نیز همچنان سیاه پوش باقی بماند چیست؟

روز اول ربیع - قطع نظر از آنچه نوشته اید - احتمالاـ روز شهادت امام عسگری(علیه السلام) است، سیاه پوش بودن بسیار خوب است و ظاهراً عمل می شود.

و چون مصائب اشاره شده، منحصر به چند روز اول نیست از این رو میان ایام محرم وصفر و این ایام سیاه پوشی ها جمع می شود.

ولی نظر من این است که تا روز هشتم که احتمالا شهادت امام عسگری(علیه السلام)است و می گویند روز اول روز سم دادن به حضرت بوده و روز هشتم، روز شهادت آن حضرت است، سیاه پوشی باقی باشد، البته در صورتی که همه این عمل را انجام دهند، نه یک نفر که اهانت به حضرت است و اما بعد از هشتم مسلماً باید جمع کرد.

س۴۵۳ : آیا خواندن مصیبت، مثلا روایت اهل بیت به صورت خودمانی و به قصد اشک ریختن ایرادی دارد؟

چنانچه مصیبت مجعول نباشد; یعنی در کتب تاریخ و روایات ذکر شده باشد، اشکال ندارد، بلکه خوب هم هست.

س۴۵۴ : نظر شما درباره استفاده از موسیقی های شادی آفرین در مجلس عروسی (با توجه به این که در تاریخ آمده پیامبر(صلی الله علیه وآله) دستور داده در عروسی حضرت فاطمه(علیها السلام)شادی کنند مثلا دف بزنند)، چیست؟ اکر مشکل دارد اسلام در چنین جشن

هایی چه چیز جایگزین ارائه کرده، تا هم حرام نباشد و هم مردم شاد باشند؟

خصوص غناء در شب زفاف برای زنها به قید آن که آلات دیگر مانند دف و... نباشد و مردان هم در آنجا شرکت نکنند، جایز است. موسیقی و دف زدن مطلقاً حرام است.

س۴۵۵ : نظر جنابعالی در رابطه با روی آتش راه رفتن به عنوان عزاداری برای سیدالشهداء(علیه السلام)، در روز عاشورا چیست؟

با فرض این که با جملاتی که می گویند و روی آتش می روند و آتش آنها را نمی سوزاند، جای هیچ تأمل و تردیدی نیست که کاری است خوب و موجب تقویت عقاید مردم به مذهب و تشیع می شود، بنابراین من معتقدم کار خوبی است.

س۴۵۶ : آیا پدر و مادر می توانند فرزند را از رفتن به مراسم عزاداری منع کرده یا به او بگویند (مثلا) خیلی نباید در این مراسم شرکت کنی؟

چنان چه پدر و مادر از رفتن به آن مراسم اذیت بشوند و رفتن او برای یاد گرفتن مسائل دینی نباشد، باید اطاعت نماید.

س۴۵۷ : آیا امر و نهی پدر و مادر در مورد امری غیر از واجبات و محرمات باعث ایجاد حکم ثانوی می شود؟

در مواردی که اطاعت واجب باشد، قهراً این حکم مترتب بر عنوان ثانوی است.

س۴۵۸ : نظر حضرتعالی در مورد مراسم تعزیه و شبیه سازی امام حسین(علیه السلام) و حضرت زینب و... آن هم توسط افراد معمولی چیست؟

کار خوبی است، فقط باید رعایت کنند که به جملات غیرشرعی و توهین آمیز توهین به آن بزرگواران نشود.

س۴۵۹ : آیا ایستادن خانم ها و تماشا کردن عزاداری آقایان که گاهی لخت هم می

شوند و اکثراً جوان هستند، اشکال دارد؟

نگاه کردن خانم ها به بدن لخت آقایان جایز نیست، ولی بر مرد واجب نیست که خود را بپوشاند.

س۴۶۰ : خواهشمند است بفرمایید که آیا به عزاداری ها و مرثیه خوانی هایی که با موسیقی همراه است، می توان گوش کرد؟

خیر، گوش کردن به موسیقی مطلقاً حرام است.

س۴۶۱ : آیا زیبا بودن صدای یک مداح به نحوی که انسان از شنیدن مداحی او لذت ببرد اشکال دارد؟

لذت بردن که با موسیقی و غنا باشد، جایز نیست، ولی بدون آنها هیچ اشکالی ندارد.

س۴۶۲ : در خصوص دو ماه عزاداری اهل بیت(علیهم السلام) در ماه های محرم و صفر نکته قابل توجه چنین است که با توجه به مستندات تاریخی مصیبت از روز هفتم محرم شروع می شود و تا اربعین ادامه می یابد، ولی عملا مشاهده می شود از اول محرم عزاداری شروع می شود و اوج آن روز عاشورا است و تمام می شود; این درحالی است که بخش اعظم مصائب از عصر عاشورا شروع می شود. همچنین در آخر ماه صفر درست پس از رحلت حضرت رسول(صلی الله علیه وآله) وقایع حزن انگیزی چون سقیفه و غصب خلافت و به آتش کشیدن منزل وحی و... به وقوع پیوست که اگر آن وقایع نبود، اصلا عاشورا به وجود نمی آمد، در واقع ۵ روز اول ماه ربیع الاول بدترین مصیبت ها رخ داد که سر منشا مصائب بعدی بود، ولی عملا دیده می شود با پایان ماه صفر، هیچ گونه اقامه عزا و حتی یادآوری از این مصائب نمی شود; آیا مناسب نیست جهت اصلاح این امر ابتدا

مراجع معظم و سایر آحاد پیشقدم شوند. خواهشمند است نظرات راهگشای خود را در این زمینه بفرمایید.

شروع به عزاداری از اول محرم به دستور ائمه اطهار(علیهم صلوات الله الملک العلام) می باشد و در دهه اول ربیع چنین دستوری نداده اند. ولی به واسطه اموری که اشاره کردید و ایام شهادت امام عسگری(علیه السلام) خوب است تا هشتم ربیع مراسم عزاداری باقی باشد ولی بعد از غروب هشتم حتماً تمام مراسم عزاداری جمع شود.

س۴۶۳ : صحن مسجدی که طبق وقف نامه الی الابد باید به عنوان صحن (حیاط) باقی بماند، آیا جایز است از صحن به نفع مسجد مغازه بسازند و اجاره و یا سر قفلی آن را به دیگری واگذار کنند؟

«الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها»; یعنی باید به وقف به همان گونه که وقف شده است عمل شود و تخلف جایز نیست. بنابراین، در مورد سؤال مغازه ساختن جایز نیست.

س۴۶۴ : دو سؤال را که متفرع بر جواب آن حضرت است مطرح می نمایم: الف از صحن مذکور قسمتی را به مسجد الحاق و قسمت دیگر آن را چند مغازه ساخته و سرقفلی آن را به دیگری واگذار نموده و وجه آن را در همان مسجد هزینه کرده اند و بنا بر جواب حضرتعالی، تغییر عنوان صحن به مسجد و یا به مغازه برخلاف نظر واقف و معاملات مذکور خلاف شرع و باطل است; در این صورت آیا حاکم شرع جامع الشرایط می تواند با اجازه بعدی خود، اعمال خلاف شرع مزبور را تصحیح و امضاء کند یا تغییرات مذکور باید طبق نظر واقف دوباره به حالت اولی بر گردد؟

ب: واقف مسجد فوق

الـذکر برابر وقف نامه پنـج مغازه وقف کرده و موارد مصـرف عائدات آنها را سه قسـمت کرده; یک قسـمت آن را به مخارج مسـجد و یک قسـمت آن را به امام جماعت همان مسـجد و یک قسمت دیگر آن را به عتبات عالیات مختص کرده است و در حال حاضـر مغازه های مزبور در مسـیر خیابان واقع و از بین رفته است که شـهرداری در عوض آنها یک مغازه داده، ولی یکی از متصـدیان مسـجد فـوق الـذکرهمان مغـازه را هم فروخته و وجه آن را در همـان مسـجد مصـرف کرده است و بنـا بر جواب حضـرتعالی عمـل این متصـدی بر خلاـف نظر واقف و خلاف شـرع است در این صورت آیا متصـدی مـذکور ضامن است که عوض آن مغازه را خریداری نماید یا خیر؟

موقوفات غیر از مسـجد اگر به آن غرضـی که وقف شده است استفاده نشود، تبدیل آن و فروختن آن جایز است. بنابراین، اگر صحن مسـجد به عنوان مسـجد بودن ولی غیر سـقف باشد که آن مقدار که جزء مسـجد شده است، بی اشـکال است اگرچه به عنوان مسـجد بودن نباشـد و غرضـی که آن را وقف کرده اند فعلا مورد نداشـته باشد و تمام آن تصـرفات جایز است و اما آن مقـداری که جزء مسـجد نشـده است، چون خراب کردن و به حالت اولیه برگردانـدن موجب مشـقت و ضـرر اجتماع می شود اسـتناداً به حـدیث شـریف «لاضـرر» من اجازه می دهم به همین نحو باقی بماند و اما آن عملی که متصدی مسـجد راجع به آن مغازه نموده است به نظر من اشکال ندارد.

س۴۶۵ : در مراسمی

که به نام اهل بیت خصوصاً ابی عبدالله(علیهم السلام) اقامه می شود، آیا لخت شدن و سینه زدن اشکال دارد؟

خیر، اشکال ندارد. چنان چه نامحرم به بدن شما نگاه کند بر او نگاه کردن حرام است و بر شما اشکال ندارد.

س۴۶۶ : آیا استفاده از سبک های خواننده ها چه خواننده های غربی و چه داخل کشور برای مداحی اهل بیت(علیهم السلام)جایز است؟

سبک ها چنان چه توأم با موسیقی و غناء باشد، جایز نیست وگرنه هیچ اشکال ندارد.

س۴۶۷ : در بعضی مجالس مولودی خوانی اهل بیت(علیهم السلام)، از دف استفاده می کنند و معتقدند که دف زدن، نوعی دق الباب درب خانه اهل بیت است، نظر جنابعالی در مورد دف زدن در چنین مجالسی چیست؟و شرکت کردن و نشستن در چنین مجالسی چه حکمی دارد؟

دف زدن حرام است و دق الباب خانه اهل بیت(علیهم السلام) نیست و نشستن در چنین مجالسی جایز نیست.

کف زدن

س۴۶۸ : کف زدن در مراسم ائمه(علیهم السلام) که در مساجد، حرم ائمه ((علیهم السلام))، حسینیه ها و حرم امامزاده ها برگزار می شود چه حکمی دارد؟

کف زدن اگر توأم با کارها و آوازهای غیرجایز نباشد، هیچ اشکال ندارد و توأم با مداحی بودن هم اشکال ندارد.

س۴۶۹ : در بعضی مناطق، زنان مراسمی را به اسم سفره حضرت ابوالفضل(علیه السلام) و برنامه هایی به عنوان جشن عروسی حضرت فاطمه(علیها السلام)برگزار می کنند و در آن شعرهای عروسی خوانده و کف می زنند و سپس شروع به رقص می کنند، انجام این امور چه حکمی دارد؟

اشکال ندارد.

س۴۷۰ : کف زدن در مجالس جشن اهل بیت در غیر مساجد، چه حکمی دارد؟

جایز

است و اشکال ندارد.

س۴۷۱ : کف زدن در مراسم ائمه(علیهم السلام) چه حکمی دارد؟

کف زدن در مراسم ائمه(علیهم السلام) که در مساجد، حرم ائمه(علیهم السلام)، حسینیه ها و حرم امام زاده ها برگزار می شود، چه حکمی دارد؟

کف زدن، اگر توأم با کارها و آوازهای غیر مجاز نباشد، هیچ اشکال ندارد و همراه با مداحی هم اشکال ندارد.

س۴۷۲ : شادی کردن و کف زدن در مجالس تولد اهل بیت(علیهم السلام) چه حکمی دارد؟

عملی خوب و جایز است; به شرطی که توأم با کارهای غیرشرعی دیگر از قبیل موسیقی و... نباشد.

معاملات

س۴۷۳ : دریافت حق الزحمه بازاریابی، بابت تلاش و معرفی مشتری جدید به شرکت کارگشا و یا هر شرکت دیگری که این کارها را انجام می دهد، حلال است یا حرام؟ آیا معامله و مشارکت و دخالت و انجام دادن کارهای این شرکت ها و سود بردن و پور سانت گرفتن از این بازاریابی ها، تحت کدام عنوان از معاملات اسلامی قرار می گیرد؟

حلال است و این کارها ممکن است به عنوان جعاله و یا شرط ضمن عقد باشد; بهر تقدیر از لحاظ شرعی هیچ اشکالی ندارد، بلکه اگر عناوین معاملات متداوله بر آنها صدق نکند، حلال و مشروع است.

س۴۷۴ : بازاریابی شبکه ای، به صورتی که با ورود شما به این کار، با مبلغ ۵۵۰۰۰ تومان به شما یک کارت جهت تخفیف از مراکز خرید برای یکسال داده می شود که علاوه بر این شما در یک طرح درآمدزایی وارد می شوید و می توانید این کار را با معرفی افراد دیگر و از بازاریابی آن درآمد کسب کنید و همچنین به شما امکان

خرید از یک مجموعه محصولات صنایع دستی ایرانی هم می دهد که با این کار بازار تولید این قبیل اجناس هم رونق گرفته است.

کسب مشروعی است و اشکال ندارد.

س۴۷۵ : همانگونه که مستحضرید، جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون جهانی حق مؤلف (کپی رایت)، نپیوسته است. از این رو، از نظر قانون کشوری، وظیفه ای جهت رعایت حق مولف کتاب های خارجی در ایران وجود ندارد. بر این اساس حدود ۹۹ درصد کتاب های خارجی موجود در بازار، بدون مجوز نویسنده خارجی ترجمه شده و با مجوز وزارت ارشاد به بازار ارائه شده است. از نظر شرعی استفاده از این کتاب ها چه حکمی دارد؟

چون من به حق تألیف قائلم و آن مستلزم ثبوت حق ترجمه بر مؤلف است. از این رو کار متصدی بر ترجمه و نشر آن حق از قیمت ساقط می شود، بنابراین استفاده از آن کتاب ها جایز است.

س۴۷۶ : دانلود و استفاده از کتاب های الکترونیکی فنی، مهندسی خارجی موجود در اینترنت و احیاناً ترجمه آنها، بدون کسب مجوز از نویسنده خارجی چه حکمی دارد؟ (توضیح اینکه این نوع کتاب های ضروری فنی و مهندسی، جهت دانشجویان تنها از طریق اینترنت قابل دسترسی است).

همان حکم مسأله سابق را دارد.

س۴۷۷ : با توجه به نظر برخی مراجع تقلید، مبنی بر جایز نبودن استفاده از کتاب های الکترونیکی خارجی، بدون مجوز نویسنده خارجی، مگر در صورت کافر حربی بودن، آیا انتشار کتاب در کشوری که با ایران متخاصم است، مانند آمریکا و اسرائیل، دلیل بر کافر بودن نویسنده و حلال بودن استفاده از کتاب می شود؟

خیر، دلیل بر حلال بودن نیست.

س۴۷۸ : اینجانب

در کارخانه ای مشغول به کارهای برق می باشم و جدای از آن در بیرون به ساخت تابلوهای برق وخدماتی در زمینه برق مشغولم; حال چند سؤال از محضر شما دارم که انشاءا... مرا در این زمینه راهنمایی بفرمایید.

اول: قیمت کارهای من، از قبیل ساخت تابلو یا خدمات را چه کسی تعیین می کند؟ من که مجری هستم یا فرد متقاضی یا هر دوی ما یا عرف جامعه؟

دوم: اگر عرف می باشد و در عرف هم قیمت مشخصی (به دلیل متنوع بودن و تخصصی بودن کار و...)نبود، تکلیف چیست؟

سوم: کلا در خرید و فروش هر چیزی به غیر از این کار چه کسی قیمت را مشخص می کند.

چهارم: سؤال دیگرم را با یک مثال می گویم; من برای شخصی (مثلا- علی) تابلوهایی می سازم با قیمت فرضی ۲۰۰۰۰۰ تومان (برای اجناس به کار رفته و دستمزد) که در این قیمت از قبل به توافق رسیده ایم و هر دو راضی هستیم هر چند ممکن است با قیمت عرف بازار فرق داشته باشد. حال این شخص(علی) فرد دیگری را به من معرفی کردند که برای ایشان تابلوهایی تقریباً با همان مشخصات بسازم و علی با من قرار کردند که از این فرد برای هر تابلو ۲۵۰۰۰۰ یا ۲۶۰۰۰۰ تومان دریافت کنم که ۵۰۰۰۰ یا ۶۰۰۰۰ تومان اضافی را به علی بدهم. سؤال این است که آیا این اضافه حساب کردن، با توجه به اینکه من در قیمت ۲۵۰۰۰۰ تومان با نفر معرفی شده به توافق رسیده ام و ایشان هم این مبلغ را داده اند و در کارهای بعد هم باز به من رجوع کرده اند.

چه صورتی دارد، گرفتن آن درست است یـا نه، دادن آن به علی چه؟ اصـلا می شود قیمت یـک کـار یا یک جنس را بین دو مشتری فرق گذاشت؟

تعیین قیمت بـا دو طرف معـامله است و تنهـایی کـافی نیست و به عرف هم مربـوط نیست. در صـورت معرفی فرد دیگر، طرف معـامله آن شـخص سوم است و پنجـاه هزار تومان مال خود شـما است، ولی آن واسـطه، حق پیـدا می کنـد و بایـد با هم توافق کنید.

س۴۷۹ : بنده در سال ۱۳۶۹ اقـدام به خرید زمینی نموده که با انقضاء چندین سال، مبیع مسـتحق الغیر در آمده است. به طوری که استحضار کامل دارید، خصـیصه ام والا غیرمنقول دارای ارزش افزوده در خور و چشم گیری است که هر لحظه با گذشت زمـان ارزش اراضـی رو بـه افزایش است. بـا در نظر گرفتن زمـان معـامله، ثمن پرداختـی به میزان فاحشـی تغییر یـافته است که مسـتقیماً در آن زمان، با فروش یک دستگاه آپارتمان نوساز، کارسازی می شده است; حال با مراجعت به فروشنده وی مدعی است که صـرف مبلغ پرداختی را به این جانب مسترد نمایـد; در حالی که گـذشت چندین سال و افزایش بهای مال غیرمنقول، ضرر قابل توجه به این جانب متصور گردیده. سوال از حضـرتعالی این است که افزایش قیمت اموال غیرمنقول که مستحق الغیر درآمـدن مبیع متوجه این جانب گردیده است. مشـمول غرامت است مندرج در متن ماده ۳۹۱ قانون مدنی که برگرفته از متون فقهی است می باشد یا خیر؟

ترقی قیمت زمین چون مال شما نبوده است مشمول دلیل غرامت نیست، ولی مسأله دیگری در این موارد است و آن

اینکه آن مقدار پولی که در آن موقع داده اید و فروشنده زمین، از شما ظلماً و غصباً گرفته است و در این مدت نزد او مانده است، در آن موقع حساب کنید چند مثقال طلا می دادند، حال باید قیمت آن چند مثقال طلا را به شما بدهند و چون این مساله هم پر پیچ است، از این رو مصالحه کنید که حلال و طیب قطعی باشد.

س۴۸۰ : در عقد بیع هر گاه ثمن شخصی باشد، مثلاً منزل مسکونی به عنوان ثمن معامله زمینی قرار داده شود ولی مبیع مستحق للغیر در آید، آیا مشتری می تواند عین ثمن را مسترد کند؟ اگر بایع مالکیت ثمن شخصی را به دیگری منتقل کرده باشد، آیا معامله نسبت به آن، به هم می خورد. آیا مشتری می تواند ثمن را از شخص منتقل الیه مطالبه کند؟

در صورت بطلان معامله ثمن را (زمین)- مورد سؤال مال مشتری - می توانید پس بگیرید و اگر منتقل به غیر شده است، مشتری مخیر است بین آنکه آن معامله را امضاء کند - ثمن آن زمین را از مشتری ثانی بگیرد- و بین آنکه امضاء نکند و خود زمین را پس بگیرد.

س۴۸۱ : فردی اعلام می کند که کلاهش را در خانه اش گم کرده است و حاضر است به یابنده صد هزار تومان مژدگانی، بدهد. البته برای استفاده از این مژدگانی هر داوطلب باید دو هزار تومان ورودی پرداخت کند. فرد مذکور با تبلیغات مردمان بسیاری را قانع می کند که یافتن یک کلاه در خانه کار مشکلی نیست و با دریافت حق عضویت نامشان را ثبت می کند.

روز موعود فرا می رسد. همه برای یافتن کلاه تلاش می کنند و یکی موفق می شود. صاحب خانه از دویست هزارتومان، صد هزار تومان مژدگانی به یابنده می دهد. آیا بقیه پول برای او حلال است؟

در معاملات شرعیه میزان داعی و غرض نیست، بلکه میزان انشاء است. هبه به هر داعی باشد، امضاء شده است، حتی اگر داعی باطل باشد. تمسک به عامل حرمت با فقه شیعه سازگار نیست واکل مال به باطل در صورتی است که بدون رضایت انجام گیرد. اگر با علم به این که ممکن است ضرر بکند، با رضایت معامله کند صحیح است و هیچ اشکال ندارد.

س۴۸۲ : اگر مشتری از طرف شخص دیگری ملک را بخرد، ولی هنگام عقد به بایع نگوید که معامله را برای دیگری می کند، اگر معامله مورد اجازه آن شخص واقع نشود، آیا نسبت به مباشر; یعنی فضول نافذ است یا خیر؟

خیر، نافذ نیست.

س۴۸۳ : با سلام من کار تایپ صفحه ای ۱۸۰ تومان، از دوستم می گیرم و این کار را بین دیگران به قیمت پایین تر می دهم، (مثلا ۱۵۰ تومان) آیا این کار حلال است یا خیر؟

اشکال ندارد، مگر آنکه دوست شما شرط کند که باید خودتان تایپ را انجام دهید که این شرط بعید است، بنابراین حلال و بی اشکال است.

س۴۸۴ : مستأجری آپارتمانی را برای ۱۲ یا ۱۸ ماه از موجر اجاره می کند و تنها موجر برای ۱۲ ماه از او بابت اجاره بها ۶ چک می گیرد. پس از گذشت حدود سه ماه، موجر به مستأجر اعلام می نماید، محل اجاره را خودم به علت بیماری همسر نیاز دارم

و بیش تر از ۱۲ ماه به فکر اقامت در محل اجاره نباشید و موجر با تشدید بیماری همسر خود، حدود دو ماه قبل از اتمام ۱۲ ماه، به مستأجر اعلام تخلیه در موعد ۱۲ ماه می نماید و به مستأجر و بنگاه اعلام می کند. با این حال، برای موجر محرز می شود که مستأجر در اتمام ۱۲ ماه، مورد اجاره را تخلیه و تحویل می دهد; لیکن متأسفانه بعد از اتمام ۱۲ ماه، مستأجر دلایلی می آورد و حاضر به تخلیه مورد اجاره می باشد. به نظر من حرکت مستأجر غصب مال او می باشد و به مستأجر اعلام غصبی بودن اقامت خود و خانواده اش را در محل مورد اجاره می کند. خواهشمند است حکم شرع مقدس را در این مورد اعلام فرمایید.

در مدتی که آپارتمان اجاره شده است و مستأجر تأخیر در اداء مال الاجاره ننموده است، موجر حق ندارد مستأجر را بیرون کند و رضایت و عدم رضایت او هیچ اثری ندارد; ولی اگر مستأجر تأخیر در اداء مال الاجاره بنماید، موجر حق فسخ دارد و در صورت فسخ رضایت او شرط است و با عدم رضایت اقامت مستأجر در آن خانه، غصب و حرام است; و اما بعد از انقضاء مدت اجاره، چنانچه در حین اجاره، مالك حق سرقفلی را به او واگذار کرده است، با پول یا بدون آن باز موجر نمی تواند مستأجر را به زور بیرون کند، ولی چنانچه سرقفلی را موجر به مستأجر نداده است، مستأجر حق ندارد بدون رضایت موجر در خانه بماند و ماندنش حکم غصب دارد.

س۴۸۵ : لطفا حکم خرید و فروش

چک را بیان کنید؟

فروختن چک چنانچه چک محل دارد; یعنی صاحب چک مقابل آن در بانک پول دارد اشکال ندارد. و چنانچه محل نداشته باشد جایز نیست.

س۴۸۶ : آیا فروش کامپیوتر جایز است، چون ممکن است بعضی از افراد

استفاده غیرشرعی از آن بکنند؟

بله، جایز است.

س۴۸۷ : ما در فروش خود، به فراخور حال مشتری به او قیمت می دهیم; مثلا همکار باشد یا مصرف کننده یا آشنا باشد یا غریبه، تلفنی خرید کند یا حضوری جنس بخرد; به نظر شما این کار ما از لحاظ فقهی و اخلاقی اشکال دارد؟

البته انصاف در معامله خوب است، ولی به این مقدار که نوشته اید، شرعاً اشکال ندارد.

س۴۸۸ : اگر کسی متوجه شود که پدرش همه اموال خود را از طریق مشروع به دست نیاورده و خانه ای که در آن زندگی می کنند و سایر اموال، دچار مشکل است; آیا می تواند از آن مال برای امور خود و تجارت استفاده کند (با توجه به اینکه راه درآمدی ندارد)؟

در صورت عدم یقین به داخل بودن مال حرام در آن پولی که در تحت اختیار او است، استفاده از آن پول اشکال ندارد.

س۴۸۹ : اگر کارفرما هزینه آموزش کارگر را بپردازد، بازده بیشتری که در پی می آید، آیا از آن کارفرما است; یعنی کارفرما چون هزینه آموزش کارگر را پرداخت کرده، آیا مالک دانش و مهارت کارگر می شود؟

ملکیت احتیاج به سبب دارد. سبب تحقق دانش و مهارت درس خواندن است. پرداخت هزینه از مقدمات اعدادیه است و نمی تواند سبب ملکیت باشد، مانند آنکه کسی راه محلی که مباحات اصلیه در آنجا است را نشان دهد

و شخصی با صرف مبلغی پول شخص دیگری را به آنجا برساند و در آن محل شخص ثانی با حیازت مباحی را تملك کند، آیا می شود گفت که مالك کسی که حیازت کرده نیست، بلکه آن کسی که راه را نشان داده است می باشد.

س ۴۹۰ : اگر بنگاهی کارگری را آموزش دهد و کارگر به بنگاه دیگر انتقال یابد و آموزش های قبلی که هزینه آنرا بنگاه اول پرداخت کرده، موجب افزایش بازدهی و بهرهوری کارگر در بنگاه دوم شود، آیا بنگاه اول نوعی حق (چونان حق سرقفلی) می یابد که باید از بنگاه دوم و یا از خود کارگر دریافت دارد (با فرض اینکه کارگر مزد بیشتری را به خاطر آموزش های بنگاه اول دریافت می دارد)؟

از آنچه در مسأله قبل بیان شد، معلوم می شود که هیچ حقی بنگاه اول ندارد; مگر آنکه پرداخت هزینه در ضمن عقدی باشد و در ضمن آن عقد شرط کند که اگر در بنگاه دیگر برود; آنچه به ازاء دانش به او می دهند مقداری از آن را به بنگاه اولی بپردازد، در این صورت حق پیدا می کند.

س ۴۹۱ : آیا قراردادها باید بر اساس عدالت تدوین گردند؟

قراردادها باید بر طبق یکی از معاملات عقلائیه باشد که شارع مقدس هم آن را با (اوفوا بالعقود) امضاء نموده است.

س ۴۹۲ : آیا مالکیت ماشین آلات عظیم چند میلیاردی می تواند در اختیار یک فرد باشد; یعنی آیا نظام صحیح اقتصادی امکان انباشت ثروت های بسیار عظیم را به یک فرد می دهد؟

اگر از راه مشروع چند میلیارد پیدا شده باشد و آن ماشین اگر در اختیار یک فرد

باشـد و به نظام صـحیح اقتصادی ضـرر نرسانـد می تواند در اختیار یک فرد باشد، ولی عمده رعایت این دو امر است، بلکه در مالکیت یک فرد بر مال کم ارزش تر، چنانچه موجب ضـرر جامعه اسـلامی باشد، حاکم می تواند دخالت کند و آن را تعدیل کند; کما اینکه پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله)، راجع به آن درخت خرما عمل نمودند.

س۴۹۳ : آیا بورس بازی زمین و خریـد و فروش آن، به گونه ای که فروشـنده هیـچ ارزش افزوده ای در زمین ایجاد نمی کند، بلکه با ترفنـدهای مختلف زمین را با سود بسـیار گزاف انتقال می دهد و نتیجه آن تورم و سوق ثروت های چشـمگیر به بخش واسطه گر است و بسیاری از استعدادها را به جای تولید مولد به این بخش می کشاند، جایز است؟

در صورتی که برای اقتصاد مملکت و نظام اجتماعی مضر باشد، حاکم شرع حق دارد با هر تقدیر ممکن تعدیل کند.

س۴۹۴ : اگر سوبسـیدها و یـارانه هـا، جهت کمـک اقتصادی به قشـر مستضـعف باشـد، آیا برای اغنیا جایز است که علی رغم توانمندی مالی، از یارانه ها برخوردار شوند; به خصوص اگر یارانه ها برای قشر ضعیف کفایت نکند؟

خیر، جایز نیست; مثلا حقوق شرعیه مانند زکات، خمس و کفارات مال فقیر است و جایز نیست اغنیاء از این ها استفاده کنند; بلکه اگر وضعیت به نحوی باشد که فقراء در مضیقه مالی شدید قرار گیرند، بر اغنیاء واجب است حتی از اموال شخصی غیر از وجوه شرعیه برای زندگی آنان بپردازند.

س۴۹۵ : اگر کسی زمینی را احیا کند، آیا مالک زمین می شود یا نوعی اختصاص و

اولویت ایجاد می شود؟

مالک می شود.

س۴۹۶ : اگر احیاکننده زمین موات، سالها از کشت و زرع زمین صرف نظر نماید، آیا به صرف احیاء اولیه، مالکیت زمین برای تمامی نسل ها در اختیار خاندان او باقی می ماند و یا مالکیت (و یا اختصاص)، مادام الاحیاء است; به خصوص اگر جامعه به آن زمین نیازمند باشد، آیا می توان وی را مجبور به احیاء و یا اجاره نمود؟

اگر زمین احیاء شده یا خریده شده دو سال رها شده و هیچگونه احیائی در آن نشود و معطل باشد و شخصی برود آن را احیا کند مالک می شود و از ملک اولی خارج می گردد. جمعی از فقهاء فتوی داده اند با تعطیل دو سال اگر چه کسی احیاء نکند، از ملک او خارج می شود.

س۴۹۷ : اگر کسی معادن استخراج شده را مهمل گذارد و جامعه اسلامی به آن نیاز داشته باشد، آیا می توان حق استخراج و احیاء را به دیگری واگذار نمود؟

اولا حاکم شرع آن را اجبار می کند به استخراج و احیاء و اگر نکرد، مجبور به نقل به غیر به عوض می کند واگر قبول نکرد، حاکم به عنوان ولایت این عمل را انجام می دهد.

س۴۹۸ : اگر مالک کارخانه ماشین آلات را مهمل رها کند و یا کارآیی لازم برای اداره آن و تولید کالاهای مورد نیاز جامعه را از دست دهد، آیا جامعه حقی نسبت به اداره کارخانه و انتقال آن به یک مدیریت کارا پیدا می کند؟

خیر، به مجرد اهمال حقی بر جامعه ثابت نمی شود; بله چنانچه رها کردن موجب اختلال نظام اجتماعی بشود و جامعه متضرر

بشود، حاکم با رعایت شرایط دخالت می نماید و با رعایت حال مالك و اجتماع مسأله را حل می نماید.

س۴۹۹ : با توجه به اینکه نظام ناسالم اقتصادی منجر به ثروت های بادآورده گزاف می شود، آیا می توان برای برخی مالکیت ها محدودیت هایی قائل شد؟

با رعایت موازین شرعیه، مانند حرمت ربا و مانند آن که حاکم اسلامی موظف به اجراء آن است، جلوگیری بشود و مالکیت محدود شود، کار خوب و لازمی است و بدون رعایت موازین شرعی جایز نیست، و تشخیص آن هم با مجتهدین است.

س۵۰۰ : آیا خرید و فروش دلار، ماشین، موبایل، طلا، ارز که با سودهای بسیار همراه است و تورم زایی دارد، اگر با هیچ خدمت و منفعت و ارزش افزوده ای برای جامعه همراه نباشد و تنها باعث ترغیب مردم به سرمایه گذاری در واسطه گری های پرسود و دوری جستن از فعالیت های تولیدی ضروری می گردد، جایز است؟ ولو بلغ ما بلغ؟

مادامی که موجب فلج شدن اقتصاد مملکت اسلامی نشود جایز نیست، ولی در صورت فلج شدن، حاکم اسلامی با رعایت قوانین شرع باید جلوگیری کند.

س۵۰۱ : اگر رقابت شرکت های تولیدی وافزایش کیفیت، تنوع، کاهش قیمت کالا و کاهش هزینه در برخی بنگاه ها، منجر به ورشکستگی بنگاه های ضعیف تر شود، اسلام در این باره چه تدبیری می اندیشد؟ آیا محو رقیبان از صحنه را جایز می شمارد و یا نوعی همیاری و یا حمایت از بنگاه های ضعیف را ارائه می دهد؟

اسلام اهمیت زیادی به معاونت و کمک به ضعفاء و رفع گرفتاری و فقر جامعه داده، تا حدی که در روایات

است: «من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»؛ ولی به شخصی که می تواند کار کند و محتاج نباشد اجازه نداده است از سهم فقراء داده شود و باز به ترقی مملکت و مسلمین نیز اهمیت می دهد و می فرماید: (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّه). بنابراین هم به تولید اهمیت می دهد، هم به کمک به ضعفاء و باید جمع بین آنها نمود.

س۵۰۲ : مالکیت صنایع بزرگ و توسعه فن آوری و جایگزین دستگاه های کوچک و بزرگ به جای کارگر، روزبروز نیاز صنایع به کارگر را کاهش می دهد و به بیکاری کارگران می انجامد، آیا اسلام راهکاری ارائه می دهد؟

در این مورد باید حکومت برای کارگر کار تهیه کند و چنانچه او برای کار حاضر باشد، ولی کار نباشد یا ضعیف شود و نتواند کار کند، از بیت المال سهم به او تخصیص داده تا به زندگی شرافتمندانه ادامه دهد، همانگونه که در صدر اسلام عمل می شد.

س۵۰۳ : آیا نظام اجاره کار و دستمزد ساعتی، از نظر اسلام مطلوب است و یا نظام مشارکتی (همچون مساقات، مضاربه، مزارعه و...) که کارگر را در سود عادلانه شریک می سازد؟

همه اش خوب است و«الکاسب حبیب الله» همه را شامل می شود.

س۵۰۴ : آیا ابتکار و نوآوری فنی، می تواند به قیمت های گزاف فروخته شود؟

با رضایت طرفین معامله اشکال ندارد.

س۵۰۵ : آیا کارخانه ها می توانند از انتقال علوم و فنون خود به جامعه و شرکت های دیگر بخل ورزند؟

در روایات از چنین بخلی مذمت شده است و سخاوت در بذل علم را از بهترین عبادات شمرده است، و

لکن به نحو مطلق نمی شود حکم به عدم جواز نمود.

س۵۰۶ : آیا مهندسین کارخانه می توانند از ارائه دانش خود به نیروی کارگر خودداری نموده و آنها را در جهل نگاه دارند و مانع ارتقاء علمی کارگران شوند؟

جواب این سؤال از جواب سؤال قبل ظاهر می شود.

س۵۰۷ : آیا آیه (وَ لا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْراً لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ ما بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ)، شامل بخل در انتقال علوم و فنون و نوآوری های فنی نیز می شود؟

آیه کریمه مربوط به بخل در بذل مال واجب، مانند زکات است و شامل بخل در بذل علم نیست. به خصوص با قرینهء ذیل آیه کریمه (وَ لِلّهِ مِيراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ...).

س۵۰۸ : آیا قراردادهای مشارکتی، مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و... امضایی هستند یا تأسیسی؟

همه امضائی است. نهایت شارع مقدس شرایط و قیودی را اضافه فرموده است، مانند بقیه امضائیات.

س۵۰۹ : آیا قراردادهای اضطراری کارگر که در آن کارگر برای تأمین معاش و کسب اشتغال مجبور به پذیرش قرارداد است اگر با سوء استفاده کارفرما همراه باشد، آیا هیچ ضمانی برعهده کارفرما نمی آورد که به نوعی کارگر را استثمار می کند؟

خلاف اخلاق شرعی است، ولی ضمانی نمی آورد، در صورتی که در اول با رضایت طرفین قرارداد بسته شده باشد.

س۵۱۰ : آیا صرف افزایش تقاضای یک کالا، این حق را به عرضه کننده می دهد که قیمت آن کالا را افزایش دهد؟

بله. چنین حقی دارد در صورتی که ظلم به جامعه نباشد.

س۵۱۱ : آیا صرف افزایش نیروی کار این حق را به کارفرما می دهد که مزد

کمتری بپردازد یا باید حق عادلانه کارگر رابراساس بازدهی و بهره وری او پرداخت نماید؟

چنانچه استخدام به مزد عادلانه شده است خیر; ولی اگر به مقدار معینی استخدام بکند که آن مقدار عادلانه نباشد کارگر قبول کند و رضایت بدهد، آنچه قرار داده اند باید بدهد و لازم نیست زیادتر بدهد، البته زیادتر دادن بسیار خوب است.

س۵۱۲ : حکم حضرتعالی در مورد چک، سودهای بانکی، جوایز بانکی و بورس با توجه به بانکداری اسلامی چیست؟

پولی که در بانک می گذارید و سود می دهند، آن سود جایز و همه اش حلال است و اشکال ندارد و بانک های ممالک کفر به طریق اولی سودش حلال است.

س۵۱۳ : آیا در موارد خاص اجازه کپی برداری از کتاب ها و... را دارا می باشیم (مواردی مثل نیاز فوری به کتابی داشتن و در دسترس نبودن آن کتاب برای خرید و یا استفاده)؟

مجازید.

س۵۱۴ : در خیلی از مراکز کشور، مثل دانشگاه ها و... بر روی کامپیوترها انواع مختلف نرم افزارهای خارجی نصب است که قیمت اصلی انگلیسی آن به گفته دوستان چندین دلار می باشد و در داخل این نرم افزارها به راحتی کپی برداری شده و با قیمت ارزان به فروش می رسد. وظیفه ما در برخورد با این موارد چیست؟ آیا نباید از این نرم افزارها مثل Wordو یا Windows که در این کامپیوترها است استفاده بکنیم؟ در صورت نیاز به این امکانات آیا اجازه خرید این خدمات و نرم افزارها را از بازار به صورت ارزان تر و کپی شده اصلی را داریم؟

بعد از آنکه کپی برداری شده است و از قیمت اولی افتاده است،

فعلا به قیمت ارزان خریدن اشکال ندارد.

س۵۱۵ : اینجانب مغازه ای دارم که از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۸۲ به شخصی کرایه داده ام. قرارداد هر سال یکبار تمدید می شد. حال که برای تخلیه اقدام کرده ام مستأجر تخلیه نمی کند و به دادگاه نیز شکایت کرده ام و دادگاه نظر داده که باید بر طبق نظر کارشناس به مستأجر حق کسب پیشه بپردازم. سؤال من این است که آیا این حق کسب پیشه که به مستأجر باید بپردازم از طرف مستأجر، حلال است یا حرام. یعنی پولی که مستأجر از بنده می گیرد حلال است یا حرام. لازم به ذکر است که مغازه سرقفلی ندارد.

با سر قفلی حلال است و بدون آن حرام; مگر دهنده هبه کند و راضی باشد.

س۵۱۶ : احتراماً بفرمایید نظر جنابعالی در خصوص اینکه شخصی جهت بازار گرمی، مقداری چربی گوسفند را داخل منقل آتش بیندازد که بواسطه دود آن مشتریان از وی خرید نمایند چیست؟

اشکال ندارد.

س۵۱۷ : آیا وامهایی که برای اموری خاص به مردم اعطا می شود، مثل وام فرش یا منزل یا اشتغال و... را می شود در غیر مورد آن استفاده کرد؟

چون این گونه وام ها مشروط به صرف در مورد خاص است، صرف آن در غیر آن مورد جایز نیست.

بله اگر شرط ضمن عقد نباشد اشکال ندارد.

س۵۱۸ : ۱. حضرتعالی درباره حق تألیف فرموده اید که تکثیر نسخه با چاپ و غیره جایز نیست، ولی مطالعه و گوش کردن جایز است. نظر شما درباره شخصی که یک عدد سی دی فیلم یا نرم افزار مادر و اصل را خریده است و صاحبان تألیف این

آثـار، کپی و تکثیر آن را ممنوع اعلام کرده انـد چیست؟ آیـا می توانـد یـک عـدد از آن سـی دی فیلم و یـا نرم افزار را برای خودش و چنـد تا نیز برای دوسـتان کپی بکند و بدون دریافت پول به آنها بدهد، تا خودش و دوسـتانش آن را مطالعه بکنند و گوش بدهند و از آن استفاده بکنند؟

۲. شخصـی بـا اسـتفاده از منـابع موجود در سایتهـای اینترنتی یـک کتاب نوشـته است. آیا بـدون رضایت صاحبان آثار (مقاله، عکس، کتاب و...) می تواند این کتاب را تکثیر و به چاپ برساند؟ اگر اشـکال شـرعی دارد، بهترین روش شـرعی در تألیف و گردآوری مطـالب یـک کتاب از اینترنت چیست (قابل ذکر است، آثاری که در اینترنت مشاهـده می شود، قابل چاپ و انتشار می باشد)

۳. آیا حیوان نجس العین مانند سگ به حرم مطهر امامان معصوم (علیهم السلام)پناهنده می شود یا نه؟

۴. آیـا نمـاز معصوم (علیهم السـلام) به قضـا می رود یـا نه؟ می گوینـد در لیله التعرس نماز به قضا رفته و لیله التعرس چه شبی است؟

۱. شخصـی که ممنوع نموده، منع را مختص به دریافت پول نکرده است. بنابر این کپی کردن برای دوستان جایز نیست، مگر با اجازه صاحب تألیف

۲. عین آن چه در سایت است را نمی توان تکثیر نمود، ولی تألیف کتابی با اسـتفاده از مطالب آن اشـکال ندارد; به شـرط آن که مطلب آن کتاب را به خودش نسبت ندهد که دروغ باشد.

۳. مانعی ندارد، ولی در خارج واقع شده یا نه نمی دانم.

۴. التعریس نزول المسافر آخر اللیل للنوم و الاستراحه من قولهم عرس القوم اذا نزلوا آخر اللیل

للاستراحه (مجمع البحرین ۱:۳۶۰) و اما نماز معصوم به قضاء می رود یا نه، روایت معتبری را شـهید(ره) نقل فرموده است. امام باقر(علیه السـلام)چنین فرموده است: «ان رسول الله(صـلی الله علیه وآله)عرس فی بعض اسـفاره و قال من یکلؤنا - ای یحفظنا - فقال بلال انا فنام بلال و ناموا حتی طلعت الشـمس فقال یا بلال ما ارقـدک فقال یا رسول الله اخـذ بنفسـی الذی اخذ بانفاسـکم الحدیث».

س۵۱۹ : آقای (ش) از تاریخ ۲۰/۹/۸۳ در شـرکتی مشغول به کار می شوند. پس از گذشت مدتی قرارداد کتبی بین طرفین از تاریخ ۱/۵/۸۴ لغایت ۳۰/۸/۸۴ منعقد می گردد. قرارداد کتبی دیگری نیز از تاریخ ۱/۹/۸۴ لغایت ۲۹/۱۲/۸۴ منعقد می شود. بر روی کارت شناسایی(پرسنلی) که شرکت به شخص مذکور می دهد، تاریخ اعتبار آن ۳۱/۶/۸۵ می باشد و مدیر عامل شرکت نیز ذیـل کـارت را امضـاء نموده است. حـال اگر فرض شود قرارداد کتبی دیگری بین طرفین موجود نمی باشـد; آیـا بـا وجود چنین کارتی که مورد قبول آقای «ش»، می باشد عقد(قرارداد) واقع شده است یا خیر(چنین عملی ایجاب و قبول است یا خیر)؟ و آیا می توان گفت مدت قرارداد آقای «ش» با شرکت تا تاریخ ۳۱/۶/۸۵ می باشد یا خیر؟

ایجـاب و قبول متوقف است بر قصـد و اعتبـار نفسـانی و انشاء آن با قول یا فعل. مجرد کتابت بـدون قصـد کافی نیست، ولی با قصد معامله که خیال می کنم به حسب عادت این گونه باشد کافی است.

س۵۲۰ : نظر جنابعالی در رابطه با مسأله اجاره به شرط تملیک چه می باشد؟ آیا در فقه چنین مسأله ای وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت

است منابع آن را ذکر بفرمایید؟

به این عنوان در جایی ندیدم، ولی مسأله اشکال ندارد به این نحو که اجاره داده شود ملکی و در ضمن اجاره شرط شود تملیک العین بعد از تمام شدن اجاره.

س۵۲۱ : اگر شخصی به عنوان مثال مبلغ ۶ میلیون تومان را در بانکی سرمایه گذاری کند و بانک پس از مدتی مبلغ ۱۸ میلیون تومان به او وام جعاله یا وام مسکن دهد. آیا ما می توانیم با پرداخت مثلا ۴ میلیون تومان به آن شخص اول، امتیاز وام او را از آن خود کنیم و وام را برای خود مصرف کنیم. آیا چنین معامله ای جایز است؟

ظاهراً اشکال ندارد.

س۵۲۲ : حکم فروش سگ شکاری به فرد برای شکار چه می باشد؟

فروش سگ شکاری; یعنی سگ صید جایز است، اگرچه خریدار برای شکار نخواهد.

س۵۲۳ : زید ملکی را به فرزندش هبه می کند، مشروط به اینکه آن را نفروشد. اولاـ این شرط تا چه زمانی معتبر است آیا دامنگیر ورثه موهوب له هم می شود; یعنی آنها نیز نسل بعد از نسل حق فروش آن را ندارند؟

اگر شرط کند حق فروش نداشته باشد شرطی فاسد است، چون خلاف کتاب وسنت است و اگر شرط کند که عملا نفروشد اولا اگر خود او بفروشد معامله اش صحیح است، فقط خلاف شرع تکلیفی انجام داده است.

و ثانیاً ظاهر آن است مراد شخص موهوب است.

ثانیاً اگر موهوب له با تخلف از مفاد شرط مالکیت عین موهوبه را به دیگری منتقل کند، آیا تصحیح چنین معامله ای نیاز به تنفیذ مشروط له دارد یا اینکه او فقط خیار تخلف شرط دارد و در

صورت عدم اعمال خیار معامله دوم نافذ می گردد؟

از آنچه در قسمت اول سؤال نوشتم مشخص است.

ثالثاً آیا واهب می تواند بدون اعمال خیار معامله دوم را بدلیل اینکه بدون اجازه او صورت گرفته بهم بزند؟

خیر، نمی تواند.

س۵۲۴ : اینجانب عضو هیئت علمی دانشگاه میباشم. از جمله فعالیتهای هر استاد دانشگاه، انجام طرحهای پژوهشی است که ابتدا یک طرح پژوهشی توسط مجری طرح نگاشته میشود و روش کار، مواد مصرفی و غیرمصرفی با هزینه مربوطه و هزینه پرسنلی (مجری، مشاورین و همکاران طرح) برآورد میشود. پس از تصویب طرح در شورای گروه، شورای دانشکده و شورای دانشگاه، نهایتاً این طرح به دو نفر اهل خبره در موضوع (با هویت مخفی برای مجری و بصورت محرمانه) ارجاع میشود تا هم از لحاظ علمی و هم برآورد هزینه، طرح را ارزیابی کنند. تا پس از تأیید آنها، دانشگاه با مجری قرارداد بسته، به صورت فازی و مرحله ای هزینه لازم را در اختیار مجری قرار دهد.

در پایان هر فاز، مجری گزارشی از روند کار و نتایج ارائه می دهد. این گزارشات نیز مورد داوری اهل خبره و فن قرار گرفته و پس از تأیید، هزینه پیش پرداخت فاز بعد، پرداخت میشود. در هر طرح پژوهشی، باید لیست تمام مواد مورد نیاز طرح با هزینه ذکر شود. و معمولا بدلیل ترس از اینکه احتمالا کار به صورت پیش بینی شده پیش نرود و هزینه بیشتری مصرف شود، معمولا هزینه مواد مصرفی را اندکی بالاتر از مقدار لازم نوشته میشود. که همین نیز به نظر داور محترم می رسد و توسط داور بررسی میشود. یا اینکه بدلیل کاهش بهای

چند مورد از اقلام، کل هزینه طرح پائین تر از هزینه برآوردشده طرح است. عده ای می گویند که طرح پژوهشی نیز یک کار پیمانی و اجرایی (هر چند در قالب علمی) است و حتی در صورت اینکه کل هزینه مصرفی کمتر از مقدار پیش بینی شده باشد، مجری میتواند کل هزینه پیش بینی شده را از صاحب کار (دانشگاه) بگیرد. عین کارگر ساختمان که به صورت کنترات کار می کند، ولی عده ای می گویند، بنا به قاعده امانت، مابقی پول (تفاوت هزینه واقعی وهزینه برآورد شده) باید به دانشگاه مسترد شود (گو اینکه تا بحال این کار سابقه نداشته است). حکم شرع مقدس در این مورد چیست؟ آیا تأیید داور زبده و اهل فن، مجری را بریء الذمه می کند؟

چنانچه احتمال اینکه هزینه بیشتری مصرف نوعیت داشته باشد و مقامات دانشگاه هم می دانند، چنین احتمالی هست و داور هم تایید می کند عملا در صورتی که کل هزینه کمتر از طرح باشد، مجری می تواند کل هزینه پیش بینی شده را از صاحب کار بگیرد. بنابراین عمل شما نوشتن مقداری زیادتر خلاف امانت نیست، چون در ضمن اجیر شدن برای این کار شرط ضمنی می شود که مقداری زیادتر نوشتن اشکالی ندارد. و لازم نیست زیادی را به دانشگاه برگردانید.

س۵۲۵ : بنده سایتی راه اندازی کرده ام که در آن انواع موسیقی از قبیل سنتی، کلاسیک، پاپ و بدون کلام را در آن به فروش می رسانم. با توجه به این که این سی دی ها صوتی می باشند و به نظر اینجانب باعث شادی دل انسان می شوند، آیا پولی که

از این راه به دست می آورم حلال است؟

موسیقی حرام است و درآمد حاصل از آن نیز حرام است.

خیارات

س۵۲۶ : در بیع که منافع ملک متعلق به مشتری است، آیا می تواند شرط کند که به مدتی بیش از زمان خیار ملک را اجاره دهد؟

بله، می تواند، چون مالک بودن منافع، متوقف برمضی زمان خیار نیست و در اجاره هم شرط نیست ملک منفعت متزلزل نباشد. نهایت اگر فسخ کرد باقی ماندن اجاره متوقف است بر اجازه بایع که خیار متعلق به او است و اگر خیار متعلق به مشتری باشد; ظاهراً اجاره پیش از زمان خیار مانع از فسخ است.

س۵۲۷ : هر گاه در عقد بیع، بایع برای مدت معینی خیار فسخ معامله داشته باشد، آیا مشتری می تواند برای مدت طولانی پیش از زمان انقضاء مدت خیار، ملک را اجاره دهد؟

می تواند، ولی اگر بایع فسخ کرد، بقاء اجاره متوقف بر امضاء او است و عوض آن مدت هم مال او است.

س۵۲۸ : در بیع شرط بایع می تواند ظرف مدت معینی با استرداد ثمن، ملکیت مبیع را به خود برگرداند; اگر بایع در اثناء مدت ادعای غبن نماید، آیا می تواند با اعمال خیار غبن، مالکیت مبیع را به خود برگرداند بدون اینکه طرف موعد ثمن را برگرداند؟

بله، می تواند، «لعدم التنافی بین الخیارین».

س۵۲۹ : در دعوی غبن گفته اند که مغبون نمی تواند ما به التفاوت قیمت را مطالبه کند بلکه فقط حق بهم زدن معامله را دارد. اگر موجر یا مستأجر بعد از انقضاء مدت اجاره یا انجام عمل مورد اجاره ادعاء غبن کند، آیا می تواند تفاوت اجره

المثل و اجره المسمی را مطالبه کند؟

چون تمام شدن مدت اجاره یا انجام عمل را مانند تلف عوضین مسقط خیار نمی دانیم. و گرفتن ما به التفاوت خارجاً با فسخ اجاره از این حیث فرق نمی کند از این رو اثری مترتب نمی شود که ما به التفاوت را مطالبه کند یا نه کما لایخفی.

قرض

س۵۳۰ : آیا پولی که قرض گرفته شده مال قرض دهنده است یا عوض آن را قرض گیرنده بدهکار به اوست؟

مال قرض گیرنده می شود و عوض آن در ذمه قرض گیرنده برای قرض دهنده است.

س۵۳۱ : همکار و دوستی دارم که پدر وی ۲۹ سال قبل فوت کرده و فردی اکنون به وی مراجعه کرده و می گوید که حدود ۳۷ سال پیش مبلغ ۷۰ ریال به پدرت قرض داده ام، ولی نه دوستم و نه هیچ یک از بستگان خبر از این موضوع نداشتند؛ حال ایشان برای طلب قرضش یک مقایسه انجام داده و می گوید در آن زمان با این مبلغ می توانسته یک حب آب تلمبه خریداری کند و حالا ـ برای راضی شدن، همان یک حب تلمبه را می خواهد. لازم به ذکر می باشد که در آن زمان چاه آب، قیمت زیادی نداشت، ولی هم اکنون که بازار پسته پر رونق می باشد. بیش از تورم جامعه قیمت بالا رفته است.

بدون شاهد و نوشته دین ثابت نمی شود و شما مدیون نیستید؛ مگر آنکه یقین کنید که این دین بوده و بعد هم خود آن مرحوم نپرداخته است.

و در این فرض شما باید قبل از تقسیم ما ترک بین ورثه، آن را بپردازید و حساب

کنید که درآن زمان چه مقدار طلا می دادند به ازاء ۷۰ ریال، قیمت فعلی آن مقدار طلا را بدهید آن هم با مصالحه.

س۵۳۲ : در بعضـی قراردادهـای اجـاره امروزه متعارف است که ملکی کمتر از مبلغ اجاره بهای متعارف اجاره داده می شود و در عوض مسـتأجر مبلغی را به عنوان قرض الحسـنه به موجر می دهـد. اگر بعـد از انقضاء مدت موجر از بازپرداخت دین امتناع کنـد یـا اینکه مسـتأجر با وجود مطالبه موجر، از تخلیه ملك خودداری نمایـد، آیا اجره المثل به نرخ متعارف بر عهـده مسـتأجر قرار می گیرد یا اینکه با ملاحظه شرط قرض مبلغ اجاره بها معین می شود؟

ظاهراً فرق است بین دو فرض سؤال; زیرا اگر موجر از بازپرداخت دین امتناع نمایـد اجره المثل همان است که قرار داده اسـت و اگر مستأجر تخلیه نمی کند و موجر دین را می پردازد، باید اجره المثل را به نرخ متعارف بپردازد.

ربا

س۵۳۳ : آیـا رشوه فقـط در قضـاوت مصـداق پیـدا می کنـد؟ اگر مثلاـ در اداره ای، برای انجـام سـریع تر کار، به کسـی پولی پرداخت شود بی آنکه حق کسـی ضایع شود، آیا حکم رشوه دارد؟ آیا برای رهایی از دست مأمور راهنمایی و رانندگی که به ناحق یا به حق، ما را جریمه می کند، می توان پولی داد تا از دست او رهایی یافت. آیا دادن این پول حکم رشوه دارد؟

رشوه مختص به پولی است که انسان به قاضـی شرع بدهد که به نفع او حکـم بکند - و آن حرام است و در غیر این صورت، از جمله مواردی که ذکر کرده اید; حرام نیست

و برگیرنده هم حلال است.

س۵۳۴ : وام گرفتن از بانک های دولتی، با کارمزد ۱۶٪چه حکمی دارد؟

با تصریح به اینکه ربا نیست و به عنوان کار مزد مجانی داده شود، حلال است و اشکال ندارد.

س۵۳۵ : آیا سپرده گذاری در بانک های دولتی و گرفتن سود بانکی از آنها مشکل شرعی دارد یا خیر؟

خیر، اشکال شرعی ندارد و حلال است.

س۵۳۶ : آیا پولی که بنده در بانک می گذارم و پس از آن، سودی به آن تعلق می گیرد، با توجه به آنکه بنده قدرت کار با پول خود را ندارم حلال است یا حرام؟ آیاکسب درآمد از طریق خرید و فروش سهام و یا افزایش سهام که در بردارنده سود است، حلال است یانه؟

در هر دو مورد سود حلال است.

س۵۳۷ : من جوانی ۲۳ ساله هستم که مدتی در انجمن صنفی شرکت های حمل و نقل کار می کردم و در یک معدن مسئولیت نمایندگی ۴۰ شرکت حمل و نقل را برعهده داشتم؛ بدین صورت که این شرکت ها به نوبت بارنامه های خود را برای من ارسال و بعد از چند روز من پول و ته چک بارنامه ها را به آنها بر می گرداندم. شرکت های حمل و نقل هر کدام یک محدوده کاری دارند؛ یعنی شرکت های حمل و نقل یزدی، نمی توانند بار مخصوص شهر مهریز یزد را حمل و نقل نمایند یا شرکت های حمل و نقل اردکان،توانند بار مخصوص یزد را بار نمایند، چون از نظر قانون یک محدوده مشخص شده است. در این معدنی که من کار می کردم، یک شرکت به نام امید ترابر رباط بودکه

یزدی ها به زور و پارتی این بار را گرفته و فقط مقداری از این بار را به این شرکت برای حمل و نقل می دادند (شرکت های حمل و نقل جهت باری که کامیون ها می دهند، تا حمل کنند حدود ۱۰ درصد از کرایه ای که برای راننده در بارنامه جهت دریافت زده می شود را به عنوان کمیسیون می گیرند). بعد از مدتی من و چند نفر دیگر، بدون خبردار شدن کسی (مثلا شرکت های یزدی)، در لابه لای باری که برای شرکت های دیگر بار می کردیم، مقداری از این بار را برای این شرکت که گفتم محدوده کاری آن است بار می کردیم و از کمیسیون پرداختی به این شرکت، مقداری پول دریافت می کردیم. حالا سوال من از شما این است که این پولی که ما برای خودمان گرفته ایم حرام است یا حلال؟

چنانچه شرکت محقق شده و همه موظف به عمل برطبق اعمال تعیین شده از شرکت می باشند و حقوقی هم که تعیین کرده اند، برای شما به ازاء اعمال تعیین شده باشد و شما تخلف کرده اید، پس حق گرفتن آن پول را نداشته اید، مگر آنکه آن کسی که پول به شما می دهد، بگوید من به شرکت کار ندارم و خودم این وجه را به شما می پردازم که در این صورت پول برای شما حلال است. به شرط آنکه از حقوق شرکت کسر نشود.

س۵۳۸ : خواهشمند است نظرات معظم له، درباره گرفتن سود از بانک و دادن بهره وام به بانک را بیان فرمایید؟

من در رساله توضیح المسائل مفصل نوشته ام، اجمالا ربا

مختص به قرض است؛ یعنی (وام) و خرید و فروش در موارد خاصه در بقیه معاملات ربا نیست، بنابراین وامی که به دولت می دهید؛ یعنی پول در بانک می گذارید و بهره می گیرید از چند راه جایز است:

۱. پول را به عنوان سپرده بگذارید نه وام، و اجازه تصرف بدهید، و در سپرده شرط کنید که اگر تلف شد، عوض آن را بانک بدهد و شرط کنید که در عوض این سپرده مقداری بهره داده شود.

۲. پول را به عنوان اباحه به بانک بدهید. راه های دیگری هم هست. اما وامی که بانک می دهد، چنانچه به عنوان وام (قرض باشد)، بهره آن حرام است و اگر به عنوان مضاربه باشد حلال است.

س۵۳۹ : سؤالی در مورد گرفتن وام از بانک ها، داشتم. مرسوم است که افراد با مراجعه به بانک ها درخواست وام، مثلا ماشین یا وام مسکن می کنند و بعد از طی مسیر قانونی، با تهیه فاکتور قلابی ضمن اینکه وام را از بانک می گیرند، هیچ ماشین و مسکنی هم نمی خرند. (البته معمولا این پول ها، برای حل سایر مشکلات زندگی پر خرج امروزه مصرف می شود) آیا گرفتن وام از این طریق صحیح است یا باید در همان عنوان خرج شود؟

اگر در ضمن عقد وام شرط بکنند که باید ماشین خریده شود یا مسکن تهیه کنند تخلف شرط جایز نیست و گرنه مانعی ندارد و به هر تقدیر، در آن وام می توان تصرف کرد. والله العالم.

س۵۴۰ : آیا شیعیان می توانند از هم سود بگیرند؟

مراد از سود اگر ربا است، جایز نیست و اگر سود معامله

است جایز است.

س۵۴۱ : مقدار درصد سود شرعی روی اجناس چقدر است؟

هر مقداری که طرفین راضی باشند.

س۵۴۲ : اخیراً در منطقه علوی اهواز افرادی پیدا شده اند که یا سود کلان معاملاتی به شکل بیع سلم انجام می دهند؛ مثلا دو میلیون کمتر از قیمت معمولی ماشین، پول می گیرند که بعد از مدت کوتاهی ماشین صفر کیلومتر تحویل دهند. و هنگام معامله می گویند فرض کن پولت را به دریا انداخته ای (یعنی حق اعتراضی نداری) فقط یک کاغذ معمولی به عنوان رسید تحویل طرف می دهند، و تا به حال خوش حساب بوده اند و سر موعد اجناس را تحویل داده اند و در موعد مقرر هم می گویند خود جنس را می خواهی یا پولش را و بعضاً مشتری مبیع را تحویل نگرفته دوباره به او به مبلغ دو ملیون گران تر می فروشد آیا این گونه معاملات شرعی وصحیح است؟

به نظر من صحیح است، چون هیچ وجهی بر عدم شرعی بودن نمی بینم.

س۵۴۳ : مستدعی است نظرتان را بدون هیچ گونه ملاحظه ای در مورد عملیات بانکی جمهوری اسلامی ایران بفرمایید. لطفاً به طور صریح بفرمایید در کدامیک از عقوداسلامی آن گونه که در جریان وام دهی و بازپرداخت

وام ها در بانک ها اجرا می شود. یکی از طرفین عقدنامه فقط در سود شریک است (بانک) و طرف دیگر در سود یا ضرر(مشتری).

عملیات بانکی جمهوری اسلامی احکام خاصی ندارد. وامی که بانک می دهد، اگر به عنوان قرض باشد و شرط زیادی بکند ربا و حرام است. و اگر به عنوان مضاربه باشد و پول در دست پول گیرنده تلف شود(اتلاف)،

ضرر متوجه بانک است نه مشتری; مگر آنکه در حین معامله شرط کنند که گیرنده پول باید تدارک ضرر بنماید و در سود هم تابع قرارداد هنگام عقد است. ثلث یا ربع یا نصف و... و همین احکام به ترتیب بر مضاربه ای که پول دهنده شخص است و گیرنده بانک اجرا می شود. به هرحال منع خصوصی عملیات بانکی جهوری اسلامی ندارد.

س۵۴۴ : گرفتن ربا از غیرمسلمان چه حکمی دارد؟ اگر احتمال نزدیک به یقین داشته باشیم که سود حاصله راغیر مسلمان از راه کلاهبرداری به دست آورده باشد، آن وقت حکم چیست؟

گرفتن ربا از غیرمسلمان جایز است و اشکال ندارد، مگر بداند که آنچه می دهد، عین پولی است که با نیرنگ از کسی گرفته است.

س۵۴۵ : برای خرید خودرو به صورت اقساطی، فروشنده مبلغی را به عنوان پیش از شخص گرفته و در قرارداد فیمابین قید می کند که مثلا ۳ میلیون تومان را خریدار، جهت خرید خودرو می پردازد و مابقی قیمت خودرو را فروشنده به صورت وام، مثلا ۱۹ درصد پس از تحویل خودرو از خریدار دریافت کند; حال می خواستم بدانم این معامله ربا است یا خیر؟

شما چنانچه خودرو را بخرید; به این صورت که ۳ میلیون را نقد و مابقی را پس از تحویل خودرو که آن ۱۹درصد را جزء قیمت خودرو قرار دهید نه سود وام که درحقیقت ثمن خودرو مرکب از نقد و نسیه باشد اشکالی ندارد.

س۵۴۶ : من حدود ۱۰ سال است که پس از مدتها شاگردی، موفق به راه اندازی مغازه ای شده ام و ۸ سالی است که ازدواج کرده ام. از آنجا

که با توجه به تعالیم خانوادگی به کسب و کار حلال اعتقاد بسیار دارم، در تمام مدت کاسبی ام اجناس خریداری شده را اعم از آنکه بعد از خرید گران یا ارزان شده باشند، با حد اکثر ۱۰ درصد سود نسبت به قیمت خرید به مردم فروخته ام و هنوز مغازه و خانه ام اجاره ایست و فقط توانسته ام از عهده مخارج روزانه برآیم. پس ازسالها توانستم پولی پس انداز کنم تا بتوانم مرکبی دست و پا کنم. اما می بینم بزرگترین کارخانه خودرو سازی جمهوری اسلامی ایران ماشینی را که برایش طبق اظهارات خودشان و مطالبی که در رسانه های عمومی گفته می شود، ۵ تا حداکثر ۶ میلیون تومان تمام شده به قیمت ۱۱ میلیون به مصرف کننده می فروشند و عملاـ با جلوگیری از واردات خودروهای ارزان قیمت، امکان دیگری نیز برای مردم وجود ندارد و انحصار در اختیار آنهاست. در مقابل همین ماشین ۱۱ میلیونی به هم کیشان اهل تسنن سوریه و کشورهای افریقا، به قیمت ۶ میلیون تومان صادر می شود. سؤال من از شما این است که آیا کشیدن ۱۰۰ درصد سود روی قیمت تمام شده خودرو و متحمل کردن آن بر مردمی مانند من که تمام پس اندازم پس از سالها کسب حلال، به اندازه قیمت یک ماشین نیست، در شرایطی که مردم مجبورند از این کارخانه ها خرید کنند. آیا سود حلالی برای دولت اسلامی و کارخانه آن است؟ و اگر به نظر شما این سود مجاز و حلال است، آیا من نیز می توانم از این پس سود اجناس خود را بر این اساس محاسبه

و به مردم بفروشم؟

راجع به شخص شما البته انصاف بسیار خوب است، ولی شرعاً با رضایت مشتری بدون تدلیس و اغراء اشکال ندارد، مثلا سود قیمت تمام شده را یا نگویید یا واقعیتش را بگویید در این صورت معامله صحیح است.

س۵۴۷ : حساب های سپرده کوتاه مدت و بلند مدت بانکها که ماهیانه درصدی مشخص و از قبل تعیین شده، به سپرده گذار می دهند چه حکمی دارد؟ و در این حکم بین بانکهای خصوصی و دولتی فرقی وجود دارد؟

چون پولی که در بانک گذاشته می شود قرض نیست، بلکه ودیعه است، بنابراین اگر چه تعیین سود و شرط بشود اشکال ندارد، چون ربا نیست.

س۵۴۸ : وام هایی که بانک ها وصندوق های قرض الحسنه می دهند که باید مقداری و درصدی اضافه تر به آن موسسه پرداخت شود اشکال دارد؟

چون شرط در ضمن وام نیست و به عنوان کار مزد داده می شود اشکال ندارد.

س۵۴۹ : ۱. آیا سودی که بانک به مبالغ سپرده می دهد حلال است؛ حال آنکه همین سود در قبل از انقلاب حرام بود؟ آیا سودی که به خاطر پرداخت وام به مشتری از او اخذ می شود حلال است؛ حال آنکه بانک به این کار شراکت می گوید، ولی فقط در سود کار شریک است و در صورت زیان کار، بانک مبلغی را که ابتدا طی کرده است دریافت می کند؛ یعنی این طی کردن مصداق ربا نیست؟

ربا مختص به قرض است، و اگر پول به عنوان ودیعه و سپرده در بانک گذاشته شود و یا به عنوان اباحه به عوض و یا به عنوان فروش پول نقد به

نسیه و شرط زیادی شود، ربا نیست و حلال است و قبل از انقلاب و بعد از آن حکم شرعی فرق نکرده است. شما به توضیح المسائل ما نگاه کنید به تفصیل بیان شده است.

س۵۵۰ : در امر خرید و فروش کالا منظور از گرانفروشی چیست؟ و تا چه حد می توان روی یک کالا سود کشید(درصد) که مال حرام نشود؟

حد معینی ندارد و منوط بر رضایت طرفین است و در بعضی موارد هم شارع مقدس خیار غبن قرار داده است که در رساله های علمیه مذکور است.

س۵۵۱ : آیا فروختن مالی به صورت نسیه و دریافت وجه توافقی بیشتر در آینده اشکال دارد؟

خیر، اشکال ندارد.

?عقاید

س۵۵۲ : می خواهیم از جنابعالی درباره مسأله ای که در بین گروهی از مسلمانان مورد بحث می باشد سؤالی کنیم و آن مسأله تحریف قرآن کریم است و آیا در قرآن کریم تحریفی شده؟ و پاسخ قائلین به تحریف چیست؟

تحریف معانی مختلفی دارد: معنای اول: انتقال دادن شیء از جایگاهش و تغییر دادن و تبدیل کردن آن به چیز دیگری. در بین مسلمانان در مورد واقع شدن چنین تحریفی در قرآن اختلافی نیست بدین ترتیب که هر کس که قرآن را بدور از حقیقت خود قرآن و بر اساس رأی و نظر شخصی اش تغییر نماید پس قرآن را تحریف نموده است. کاری که اهل بدعت و مذاهب انحرافی با تأویل آیات قرآن بر اساس رأی و نظر شخصی خود انجام می دهند از این قبیل است.

معنای دوم: اضافه یا کم کردن کلمه ای با حفظ همان قرآن نازل شده و تحریف به این معنا در صدر اسلام اتفاق

افتاده است ولی در زمان عثمان متوقف گردید و قرآن منحصر شد به آنچه که تواتر آن از پیامبر(صلی الله علیه وآله) ثابت شد.
معنـای سوم: تحریف از طریق اضـافه یـا کم کردن در آیه ای یا سوره ای با حفظ همان قرآن نازل شـده که رفتار پیامبر آنگونه قرائت را تأییـد کرده باشـد؛ که شـیعه، تحریف به این معنـا را نفی می کنـد و گروهی از علمای اهل سـنت بر این اعتقادنـد که چنین تحریفی به وقوع پیوسته است و به عنوان مثال قائلند به اینکه بسم الله الرحمن الرحیم جزء قرآن نمی باشد.

معنـای چهـارم: تحریف از طریق اضافه کردن و اینکه قرآنی که در دست ماست بعضـی از اجزاء آن جزء کلام نازل شـده نمی باشد؛ و چنین تحریفی به اجماع تمام مسلمانان باطل است.

معنای پنجم: تحریف از طریق کم کردن به این معنا که قرآنی که در دست ماست همه آن قرآن نازل شده نمی باشد و پاره ای از آن مفقود گردیـده است. تحریف به این معنا مورد اختلاف است و گروهی آن را پذیرفتند و گروهی آن را رد نموده اند. و اما علمای شیعه: اکثر آنها فرموده اند که اتفاق علما شیعه بر عدم وقوع تحریف به این معنا در قرآن می باشد.

به سـخن رئیس محـدثین شـیخ صـدوق دقت نماییـد که عـدم تحریف در قرآن را جزء اعتقادات مذهب امامیه به شـمار آورده است و شـیخ طوسـی خودشان و علم الهدی همین را نقل نموده و مفسـر مشـهور طبرسـی و فیض کاشانی و استاد بزرگوار سید خوئی و بزرگان دیگر نیز چنین اعتقادی دارند و دلایل بسیاری برای آن

آورده اند که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. آیه کریمه: (إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحافظون) حجر آیه ۹

۲. (وإنه لکتاب عزیز لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید) فصلت آیه ۴۱.

۳. حدیث ثقلین که پیامبر(صلی الله علیه وآله) پس از خودش برای امت به یادگار گذاشت و فرمود که این دو جدایی ناپذیرند تـا اینکه بر سـر حوض کوثر به نزد من آینـد و به امتش دسـتور داد به آن دو تمسک جوینـد که آن دو کتاب قرآن و عترت و اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله) می باشند.

این روایات از طریق شیعه و اهل سـنت متواتر می باشد و پرواضح است قائل شدن به تحریف مستلزم قول به عدم حجیت ظاهر قرآن می باشد علاوه بر این سفارش اهل بیت به تمسک به ظاهر قرآن را نیز می بایست اضافه نمود بنابراین چاره ای نیست جز اعتقاد به عدم تحریف قرآن.

۴. ملاحظه چگـونگی جمـع آوری قرآن و حفـظ آن توسـط حـافظین و جمـع آورنـدگان و نویسـندگان به خصوص حضـرت علی(علیه السـلام) به اینصورت که هر آیه ای که نازل می گشت پیامبر گرامی(صـلی الله علیه وآله) به نویسـندگان دسـتور می فرمود آن آیه را در جایگـاه مخصوص به خودش درج نماینـد و همین مسأله سـبب می شود که ما به عـدم تحریف قرآن یقین پیـدا کنیم. و اما روایات ضـعیفی که تحریف در قرآن را می رساند، راوی اکثر آنها احمد بن محمد السیاری که علمای رجال بر انحراف مذهب او اتفاق نظر دارند; و علی بن احمد الکوفی که علمای رجال

قائلنـد به دروغگویی و انحراف مـذهبش. و اما بحث درباره باقی دلایل قائلین به تحریف احتیاج به زمان بیشتری دارد و بهترین سخن را اسـتاد بزرگوار سـید خوئی فرموده اند: موضوع تحریف قرآن موضوعی خرافه و بر اساس وهم و خیال می باشد و تنها کسـی که عقلش ضعیف است به آن قائل می باشد یا کسی که درباره این موضوع حق تأمل را به جا نیاورده یا کسی که عشق میورزد به چنین مطلبی قائـل باشـد که عشق، انسـان را کور و کر می نمایـد. ولیکن انسـان عاقل و با انصاف و متفکر در خرافه بودن و بطلان چنین مطلبی شک نمی کند.

س۵۵۳ : تفسیر این حدیث چست؟

اگر تو نبودی ما فلک ها را نمی آفریدیم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدیم و اگر فاطمه نبود همگی شما را نمی آفریدم.

سخنـان همگی علمـای خـاصه و بسـیاری از علمـای عـامه مالامال است از اینکه اصل ماده بـدن حضـرت صـدیقه طاهره فاطمه زهرا(علیهـا السـلام) از جنس مـاده این عـالم نیست بلکه از بهشت و از برترین درخت هـا و میـوه هـایش می باشـد. و امـا روح متناسب با این بدن که خداوند برای فاطمه(علیها السلام) برگزیده از اسرار خداوند متعال است که ما توانایی فهم آن را نداریم و فقط می توانیم بوسیله روایات بفهمیم که روحش از نور عظمت پروردگار آفریده شده است.

امام صادق(علیه السـلام) از جدش رسول خدا(صـلی الله علیه وآله) روایت کرده در کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق ص **۳۹۶** که پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله)فرمود: قبل از اینکه زمین و آسمان خلق شوند نور فاطمه خلق شده بود. گروهی از

مردم گفتند: ای پیامبر خدا! پس فاطمه انسان نیست؟ پیامبر(صلی الله علیه وآله)فرمود: فاطمه حوریه ای به صورت انسان است و فرمود: خداوند عزوجل او را از نورش آفرید قبل از اینکه آدم(علیه السلام) را بیافریند زمانیکه ارواح... تا آخر حدیث؛ و به این ترتیب حدیث قدسی روایت شده در بسیاری از کتب اخبار: (لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما) روشن می گردد؛ همینطور ظاهر می گردد که چرا زمانیکه فاطمه(علیها السلام) داخل بهشت می شود، انبیاء(علیه السلام)از آدم(علیه السلام)گرفته تا دیگر انبیاء به زیارت حضرتش مشرف می شوند و حتی رسول خدا به زیارت او می آیند و همچنین روشن می گردد که چرا پیامبر پس از اتمام حشر همه مردمان و حسابرسی آنان، اولین کسی می باشد که به سوی بهشت رهسپار می شود و جلوتر از ایشان قافله ای حرکت می کند که قافله فاطمه سلام الله علیها می باشد.

پیام مرجع عالیقدر و مجاهد آیت الله العظمی روحانی به مناسبت سالروز شهادت صدیقه زهرا(علیها السلام):

درود و سلام بر صدیقه شهیده، سلام بر محسن شهیدش، سلام بر دنده های (پهلوی) شکسته اش سلام بر پهلوی مجروحش، سلام بر چشمان خون آلودش، سلام بر سینه خون چکانش. یاد و خاطره شهادت آن سیده لطف پروردگار (ارواح عالمیان فدای خاک کفن آن بزرگوار) تکرار می شود و درد غم نیز بر آستانه اش تکرار می گردد. سایه بان عرش از زنگار این فاجعه به لرزه می افتد و ملائکه از سنگینی این مصیبت به اندوه می افتند، از شدت درد این غم، قلب صاحب الامر(عج) پاره پاره

گشته است; شهادت صدیقه زهرا واقعه ای است که خداوند اراده کرده جدا کننده عادلانه حق و باطل باشد به نحویکه مرتدان، آشکارا به دشمنی پرداختند و برای تضییع حق و سرپوش نهادن روی آن همدستی نمودند. شهادت زهرای شهیده با همه جوانبی که یک فاجعه می تواند شامل آن باشد از جمله آتش زدن خانه و شکستن پهلویش و کشتن جنینش و تازیانه زدن به پهلویش و سیلی زدن به چشمش و میان در و دیوار فشردن بدنش و زخمی نمودن سینه اش و هتک حجابش – همه و همه فریاد رعد آسایی است که همدستی غاصبان را در تمام مکان ها و زمانها آشکار می کند و در یک جمله می توان گفت: (شهادت حضرت زهرا نور ولایت مداری و شرارت دشمنی را می نمایاند.) پس هر کس راه را گم کرده و نمی داند حق کدام است حقی که با تبعیت حقیقی و با دفاع از ولایت امیرمؤمنان (درود بر او باد) و دور نمودن او از دسترسی غاصبان منجر به شهادت حضرت زهرای اطهر گردید. و از این رهگذر: ما همه مسلمانان عالم را به مطالعه فاجعه های زهرای مظلومه در کتاب های خودشان فرا می خوانیم تا با میزان سنگینی حادثه و بزرگی مصیبت آشنایی پیدا کنند و آنچنان که شایسته است به اسباب و دلایل وقوع آن پی ببرند تا به آنچه از حق بر آنها پوشانده شده برسند همچنان که به فرزندان زهرا(علیها السلام) و شیعیان آن حضرت سفارش و تأکید می کنیم به زنده نمودن این حادثه بزرگ و مصیبت سنگین کمر همت گمارند زیرااین رویداد

جداکننــده و حــد فاصل جریان تشــیع از دیگر جریانهامی باشــد و مبالغه نکرده ایم اگر بگوییم علت ماندگاری امامت امیرمؤمنان(علیه السلام)و عترت معصومین(علیهم السلام)همین رویداد می باشد.

ولیکن ای فرزندان زهرا: بر حذر باشــید از تلاش و کنجکاوی بیش از حد و تشــکیک در این رویداد زیرا تلاش بسیار خطرناکی است به این دلیل که اگر از آن چشم پوشی نموده و به آن گوش فرا داده شود تأثیر بی نهایت خطرناکی بر مهمترین حادثه که از جمله حوادث جوهری در تاریخ اسلام به شمار می رود می گذارد که از پایه با تعیین مرجعیت دینی و خلافت الهی و امامت ربوبی پس از وفات سید پیامبران و خاتم رسولان(صلی الله علیه وآله)مرتبط می باشد. و در پایان: گرمترین تسلیت ها را به ساحت ولی الله الاعظم (جانها به فدای خاك پای او باد) تقدیم می نماییم و از خداوند متعال خواستاریم که ما را از خونخواهان جده اش صدیقه شهیده در رکاب و در زیر پرچم حضرتش قرار دهد و ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.

س۵۵۴ : آیا شهادت دادن به عصمت حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) به صفت «عصمت الله الکبری و حجه الله علی الحجج» در اذان و اقامه جایز است، اگر جایز است باید به چه نیتی باشد؟

داعی بر این امر چه چیزی است!؟ شما بعد از نماز، تسبیح آن حضرت - که آن قدر ثواب دارد که امام معصوم(علیه السلام)می فرماید: تسبیح حضرت زهرا(علیها السلام)، از هزار رکعت نماز مستحبی در نزد من محبوب تر است - را بجا آورید.

س۵۵۵ : می خواستم بدانم که گوینده جملات زیر

(از نظر اسلام و کفر و ارتداد)، چه حکمی دارد؟

۱. «شعله های آتش سوزانش، از کرانه های وجود زبانه می کشد و انسان را واله و شیدا می گرداند; این گونه است که حضرت حق باری تعالی می فرماید: من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و فمن قتلته فعلی دیته فمن علی دیته فانا دیته». برای این حدیث، سندی به این شرح ذکر شده است: «قره العیون، ص ۳۶۶; الحقائق، مصباح الانظار، ص ۳۶۹; خلاصه المنهاج، ج۶; کلمات مکنونه، ص۸۰، سطر اول.»

۲. حضرت زهرا(علیها السلام) ام الله بودند.

۳. ای که عالم همه ایجاد به فرمان تو شد، هستی کون و مکان خلق زامکان تو شد، مادرت ام ابیهاست; نه بل ام خداست، چون که ثاراللهی و خون تو برهان تو شد«(شعر در مورد امام حسین (علیه السلام) است).

این جملات و اشعار اگر مراد ظاهر آنها باشد، موجب کفر است; ولی اگر ظاهر مراد نباشد و تأویلاتی برای آن می کنند که موجب کفر نشود; چون موجب گمراهی بعضی از عوام الناس می شود، جرم شدیدی مترتب بر آنها می شود (خداوند همه اینها را هدایت کند).

س۵۵۶ : به تازگی حدیث شریف کساء، زیر سوال رفته و حتی بعضی از آقایان این حدیث را از مفاتیح الجنان حذف کرده اند. لطفاً نظر خود را بفرمایید؟

اصل حدیث کساء از مسلمات است و کسی را که مطلع باشد، سراغ ندارم که حدیث شریف را زیر سؤال برده باشد. اگرکسانی حدیث کساء را از مفاتیح حذف کرده اند به علت این است

که خود محدث قمی آن را در مفاتیح نیاورده بود و بعد اضافه شده است، و شاید بعضی جملات نیز به حدیث افزوده شده باشد.

س۵۵۷ : چرا اصولا در اسلام، زن باید تابع مرد باشد؟

زن مطلقاً تابع مرد نیست، بلکه آنچه در آیه کریمه در جهات عامه اجتماعیه، مانند حکومت، قضاوت و امثال آن، بیان شده است، چون زن عاطفی است و مبتنی بر رقت و لطافت است و این گونه امور متفرع بر شدت، قوت، طاقت بر شدائد و تحت تاثیر قرار نگرفتن احساسات است; از این رو در این امور زن نمی تواند متصدی این امور شود و اما اموری که مربوط به زندگی فردی است، مرد هیچ گونه امتیازی ندارد.

س۵۵۸ : چرا در دنیای امروز که زن ومرد، دو شادوش هم در سازندگی یک زندگی سهیم هستند، اما حق طلاق و تصمیم گیری هایی از این دست با مرد است و چرا اسلام این حق را برای مردان لحاظ کرده است؟

اولا اسلام اجاز داده که در هنگام ازدواج شرط کنند که در اموری مثل طلاق - بدون مراجعه به مرد - زن وکیل باشد. ثانیاً زن چون لطیف تر و عاطفی تر است زودتر، گول می خورد وموجب مختل شدن زندگی می شود; لذا مقداری سخت تر قرار داده اند. ثالثاً شرع در مواردی که مرد ظلم به زن بنماید به زن اجازه داده که خودش را طلاق دهد.

س۵۵۹ : چرا اگر (مثلا) زن بخواهد منزل پدرش برود، باید از شوهر اجازه بگیرد; یعنی چرا به طور کلی اختیار زن با مرد است؟ چرا اگر زنی در حادثه ای کشته شود، دیه

او نصف مرد است; آیا ارزش جان یک زن از مرد کمتر است و چرا همین مسأله در مورد ارث وجود دارد؟

مرد بایـد مخـارج زنـدگی خود و خـانواده اش را بپردازد، حتی اگر زن بگویـد من غـذای آمـاده می خواهم و خودم تهیه نمی کنم، مرد بایـد غـذای او را بدهد. اما مسأله دیه ;حقیقت انسان به نفس ناطقه و روح اوست، در آنچه مربوط به آن است فرقی بین زن و مرد نیست. در قرآن می فرماید: ما شـما را دو نوع آفریدیم، برای اختلاف در فضـیلت نیست، بلکه بزرگوارتر از شـما همان است که تقوای او زیادتر است و مسأله دیه مربوط به جسم است.

س۵۶۰ : روایات «یملاالله الارض قسطا وعدلا» و اینکه امام(علیه السلام) با دشمنان می جنگد و این نشان دهنده وجود ظالمین در زمـان ظهور است; علاوه بر اینکه امـام(علیه السـلام) به دست «زنی» کشـته می شونـد; این گونه مطـالب چگونه با عـدالت مطلقه خداوند سازگار است؟

البته به مجرد این که ظهور محقق بشود لا یملا الارض قسطا و عدلا بل بعد الحرب و الجهاد و نابودی دشمنان است.

و ملا الارض لاینافی مع و جود افراد غیرمسلم.

س۵۶۱ : شغل من پاسخ به سوالات شنوندگان برون مرزی است. از شـما می خواهم در رد «تکتف» اهل سنت، دلایل متقن و احادیث از پیامبر(صلی الله علیه وآله) مبنی بر تکتف نکردن آن حضرت در نماز، برایم بفرستید.

اولاـ تکتـف در زمـان پیغمـبر(صـلی الله علیه وآله) نبـود در زمـان خلاـفت عمر، اسـیران مجوس را که آوردنـد، به نحو تکتف ایستادند; عمر خوشش آمد و گفت ما هم در مقابل خدای تعالی به این نحو

عمل می کنیم و لذا روایاتی که وارد شده است بر عدم جواز تکتف از ائمه طاهرین (علیهم السلام)است.

ثانیاً اگر عملی را خدای تعالی بوسیله انبیاء آن را جزء عبادت قرار نداده باشد، مانند همین تکتف، و کسی آن را جزء قرار دهد، اصطلاحاً آن را تشریع می گویند; یعنی داخل کردن چیزی در دین درحالی که جزء دین نیست (ادخال ما لیس من الدین فی الدین). که از محرمات است و لذا فقهاء فتوا داده اند اگر کسی تکتف در نماز بکند که آن را از اجزاء نماز بداند حرام است.

س۵۶۲ : چرا اقلیتهای مذهبی نمی توانند وارد مساجد ما بشوند یا دست دادن با آنها چه اشکالی دارد؟ مسیحیان مگر خدا را قبول ندارند و پیامبرشان صاحب کتاب نیست؟ مگر اصحاب پیامبر اسلام جهت حفظ جانشان به پادشاه حبشه که یک مسیحی بود، پناهنده نشدند؟ چرا پیامبر اسلام در زمان حیاتشان این موضوع که مسیحیان نجس می باشند را روشن نکردند؟ ما یک ارمنی همکار داریم که فقط نماز نمی خواند، اما تمام کارهایش از ما مسلمانان درست تر است; نه غیبت می کند و نه تهمت می زند. هم خدا را قبول دارد، هم پیامبرشان صاحب کتاب است. پس چرا ما مسلمانان حتی از دست دادن به آنها هم منع شده ایم؟

به فتوای من اهل کتاب; یعنی مسیحیان، یهودیان و مجوس، پاکند و نجس نیستند و مصافحه با آنها هم جایز است و می توانند وارد مسجد شوند. اشکالات شما بی مورد است.

س۵۶۳ : در جلسه ای مذهبی اعلام شد که در زیارت عاشورا در قسمت «تابعاً له علی ذلک»، مربوط به

همه افرادی که گناه می کنند است چه مسلمان و چه غیره و مواظب باشید که این دعا گریبان گیر شما نشود.

می خواستم بدانم واقعاً چنین حرفی درست است و آیا این نفرین شامل دوست دار شیعه که گناهی از او سر زده می شود؟

خیر مراد از تابع بر معصیت کار نیست، بلکه منظور کسانی هستند که تابع آن اول ظالم که غصب خلافت نموده است می باشد.

س۵۶۴ : در بعضی مجالس اهل بیت گفته می شود که کسی که در جوار حرم سیدالشهدا یا امیرالمومنین یا امام رضا مدفون است، سوال نکیر و منکر یا فشار قبر ندارد; آیا چنین چیزی ممکن است؟

سؤال نکیر و منکر برای همه هست.

س۵۶۵ : آیا امکان دارد کسی سکرات موت یا فشار قبر یا سوال نکیر و منکر نداشته باشد؟

سکرات و فشار قبر ممکن است، ولی سؤال نکیر و منکر امکان ندارد.

س۵۶۶ : آیا در استمداد و صدا زدن ائمه(علیه السلام)، بالا آوردن دست ها به شکلی که در استعانت از خداوند و دعا صورت می گیرد، جایز است؟

بلی جایز است.

س۵۶۷ : آیا در قرآن آیه ای مبنی بر اینکه پس از بچه دار شدن اوضاع اقتصادی خانواده بهتر می شود وجود دارد و اگر وجود دارد، چرا در مورد من و همسرم که اولین فرزندم تا چند ماه آینده متولد می شود، مصداق پیدا نکرده، بلکه در آمد سابقمان هم کمتر شده است.

آیه در سوره نور است و مربوط به ازدواج است (ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله)، البته آیه دیگری هم هست; به هرحال این امور از قبیل مقتضیات است که شرایطیو موانعی دارد (بحث

مفصلی است که در اینجا نمی گنجد).

س۵۶۸ : لطفا فقط دستورات صریح قرآن راجع به حجاب زن را با ذکر نام سوره و شماره آیه بفرمایید.

جواب: سوره نور، آیه ۳۲. سوره احزاب، آیه ۵۹.

روایات متواتره نیز برآن دلالت دارد.

س۵۶۹ : آیا این که می گویند این خواست خداست، درست است؟ مثلا انسان چیزی را می خواهد و خیلی برایش عزیز است ولی از دست می دهد.

خیر، درست نیست.

س۵۷۰ : نظر حضرتعالی درباره مطالب کتبی مثل حلیه المتقین چیست، آیا همه آنها درست است (بعضی مطالب آن به طنز شبیه تر است)، آیا رد کردن بعضی از این مطالب گناه دارد؟

رد کردن با دلیل شرعی و با اعتقاد به عدم صحت، هیچ اشکالی ندارد و گناه نیست.

س۵۷۱ : آیا تمام ادعیه وارده در مفاتیح صحیح است؟

چنانچه از امام(علیه السلام) نقل کند، صحیح است.

س۵۷۲ : بهترین نحوه دعا و طلب حاجات چیست، آیا عربی دعا کردن فضیلت دارد؟

دعاهای عربی که از حضرات معصومین(علیهم السلام) وارد شده است بهتر است و فضیلت دارد و غیر آنها عربی و غیرعربی فرقی ندارد.

س۵۷۳ : خواهشمند است مفهوم فقهی اضطرار را که باعث می شود در بعضی اوقات از اجرای احکام خودداری کرد، بیان فرمایید و آیا هر کسی می تواند اضطرار را تشخیص دهد؟ حدود آن را تفصیلا بیان فرمایید. آیا اضطرار، نماز، حجاب و این قبیل واجبات را هم شامل می شود؟

اضطرار عبارت است از مجبور شدن به انجام کاری یا ترک کاری که مخالفت آن موجب ضرر شود یا سبب مشقّتی که تحمل آن مشکل باشد گردد، مثلا مبتلا به مرض سختی بشود که داروی آن مرحمی است،

که اگر آن دارو را نخورد برای همیشه فلج می شود یا موجب درد غیرقابل تحملی برای مدت مدیدی می شود; در این صورت آن کار حرام جایز می شود البته شراب خوردن استثناء شده است که آن هم بحث مفصلی دارد.

س۵۷۴ : آیا گناه یا گناه نبودن یک کار به نیت آن است یا به ظاهر آن، مثلا وقتی یک خانم زمین خورده و نیاز به کمک دارد و شما دستش را می گیرید تا کمکش کنید بلند شود و نیت شما کمک کردن است آیا با گرفتن دستش مرتکب گناه می شوید؟

خیر گناه با نیت نیست. در بعضی موارد نیت سبب انطباق عنوان خاصی بر فعل حرامی می گردد که موجب می شود آن فعل جایز شود، مثلا کتک زدن به بچه یتیمی که حرام است، در بعضی موارد که به قصد و نیت (تأدیب) باشد، چون عنوان تادیب منطبق می شود، ضرب یتیم جایز می شود.

س۵۷۵ : چه کارهایی در طول روز و زندگی انجام دهیم تا به خدا نزدیک شده و معنویت کسب کنیم؟ در ضمن دچار افراط و تفریط در امور مذهبی نشویم؟ در صورت امکان یک برنامه ای که برای افراد معمولی و متوسط از لحاظ مذهبی، قابل اجراست، بطور جداگانه بیان فرمایید.

عمل به وظائف شرعیه، نماز اول وقت، دستگیری از مستمندان، قضاء حاجت مسلمانان و امر به معروف و نهی از منکر، قهراً اگر عمل کنید، خداوند تعالی توفیق به کارهای خیر دیگر به شما عنایت خواهد نمود.

س۵۷۶ : قبول نکردن حرف دیگران، به گمان این که دروغ است و بعد معلوم شود که درست بوده گناه است

و دیگر اینکه اگر در مورد مسائل مختلف، اساس را بر خلاف کار بودن افراد قرار دهیم، گناه است؟

خیر، گناه نیست; ولی در مسائل مختلف اساس را بر صحت اعمال دیگران بگذارید، مثلا اگر کسی از دور به شما حرفی می زند که نمی دانید فحش می دهد یا سلام، بگویید انشاالله سلام می کند و فحش نمی دهد و ترتیب اثر ولو قلباً بر فحش دادن نکنید.

س۵۷۷ : شرایط توبه چیست؟

پشیمان شدن از گناهی که مرتکب شده اید و تصمیم جدی که چنین عملی را دیگر انجام ندهید و اگر حق کسی را از بین برده اید، تلافی کنید و بعد از همه اینها استغفار نمایید.

س۵۷۸ : آیا با توبه از گناهان انجام داده، نسبت به آنها عقوبت اخروی شویم یا فقط تخفیف داده می شود؟

برحسب وعده الهی چنانچه توبه حقیقی باشد، عقوبت اخروی دیگر نیست (التائب من الذنب کمن لا ذنب له).

س۵۷۹ : اگر شخص گناهی را مرتکب شود و در دنیا مجازات شود، آیا برای آن گناه در آخرت هم مجازات می شود و آیا در تخفیف مجازات اخروی موثر است؟

مجازات دنیوی، تأثیر در مجازات اخروی ندارد.

س۵۸۰ : آیاافرادی که دزدی یاقتل یا زنا یا لواط کرده اند، هم در صورت توبه بخشیده می شوند و اصلا این طور افراد، توبه برایشان فایده ای دارد (بعضی اعم از زن یا مرد سالها روابط نامشروع باافراد مختلف دارند و با بالا رفتن سن احساس تنبه می کنند، آیا توبه فایده دارد؟)

بلی، چنانچه توبه حقیقی با شرایطش تحقق پیدا کند، خداوند ارحم الراحمین است.

س۵۸۱ : لطفا تفسیر آیه زیر را بیان فرمایید: «ما کنت

تدری ما الکتاب و لا الایمان»

آیه قبل از این آیه شریفه به سه نحو دلالت بر مفاد آیه دارد:

۱. بدون واسطه ۲. در خواب ۳. بـدون توسط ملکی از ملائکه مانند جبرائیل. و روایات زیادی دلالت دارد بر اینکه عدم علم به سه قسم نسـبت به پیغمبر اکرم(صـلی الله علیه وآله)تحقق داشـته است. بعـد از آن می فرماید. «و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنـا مـا کنت تـدری و لا الایمان»; معنی آیه به حسب ظاهر این است که قبل از وحی روح که مراد آن سه قسم است، در نزد شمـا- یعنی پیغمبر(صـلی الله علیه وآله)- کتـاب مشـتمل بر معـارف و شـرایع نبود و شـما متلبس به آنچه بعـد از وحی از التزام اعتقادی وعملی به مضـمون کتاب متلبس شـدی نبودی. البته این معنی با مؤمن به خـدای تعالی وموحـد و عامل به عمل صالح بودن پیغمبر قبـل از آن منافـاتی نـدارد; چون آیه کریمه نفی علم به تفاصـیل آنچه در کتـاب است نموده و آن ملازم نفی علم اجمالی و التزام اجمالی به ایمان به خدا و خضوع برای حق نیست. بنابراین آنچه بعضـی می گویند که حضرت - نستجیر بالله - قبل از وحی و بعثت مؤمن نبود، بوسـیله این آیه جواب داده می شود، کما اینکه آنچه دسـته دیگر در مقابل آنها که می گویند که پیغمبر قبل از وحی و بعد از وحی فرقی نکرده است، تمام نیست.

س۵۸۲ : در گوشه و کنـار ایران، امـامزاده های بسـیاری است، آیا همه آنها واقعاً مورد تأییـد هسـتند و همه آنها ارزش زیارت دارند؟آیا ملاک خاصی در ایجاد امامزاده ها بوده است؟ آیا

بی تفاوت گذشتن از کنار امامزاده های غیرمشهور اشکال دارد؟

خیر، همه اینها مورد تأیید نیستند و زیارت نرفتن هیچ محذوری ندارد.

س۵۸۳ : نظر شما در مورد زیارت حضرت معصومه و حضرت عبد العظیم چیست، آیا زیارت آنها مثل معصومین است؟

زیارت این دو بزرگوار روایت دارد و فضیلت زیادی برای آن ذکر شده است.

س۵۸۴ : نظر شما در مورد مسجد جمکران چیست، آیا واقعا فضیلت زیادی دارد؟

من معتقدم که حضرت ولی(عصر ارواحنا فداه) دستور ساختن آن مسجد و خواندن نماز در آنجا را داده اند و بزرگان از علماء هم معتقد بوده و کراماتی را دیده اند از هر کجا هستید، مسافرت به آن مکان بنمایید که بسیار خوب است.

س۵۸۵ : نظر شما در مورد چاهی که در جمکران هست و داخل آن نامه می اندازند چیست؟

جایز است و هر کاری که واسطه ارتباط با امام عصر- ارواحنافداه - است عملی پسندیده است و مسجد جمکران به دستور خود آن حضرت ساخته شده است و اعمال آنجا را آن حضرت دستور داده است و در قرون گذشته علماء بزرگ هم چنین عقیده داشته اند و در مواقع گرفتاری مشرف به آن مسجد می شدند.

س۵۸۶ : بهترین نحوه زیارت امامان چیست و چه چیزهایی را بخوانیم بهتر است؟

هر زیارتی با هر کیفیت که ائمه اطهار(علیهم السلام) دستور داده اند خوب است و در بین آنها زیارت جامعه کبیره، زیارت امین الله و زیارت عاشوراء نسبت به حضرت سیدالشهداء

- صلوات الله علیه - فضیلت زیادتر دارد.

س۵۸۷ : آیا انکار اهمیت جمکران یا انکار ارزش زیارت امامان گناه است یا فقط غفلت و نادانی محسوب می شود؟ بعضی افراد

برای زیارت امامان معصوم ارزش قائل نیستند و آن را رد می کنند.

این افراد از تبلیغات سوء وهابیت منفعل شده اند; به هر حال اگر می گویند مثلا جمکران واقعیت ندارد و خوابی است که دیده شده و ارزش زیارت امامان را ائمه نفرموده اند، باید مراجعه کنند به اهل خ…ЅЉِتا بر آنها اثبات کنند و اگر می گویند با آنکه امامان فرموده اند، من قبول ندارم; نستجیربالله این طرز فکر منجر به... می شود، شما وظیفه دارید از باب نهی از منکر و ارشاد جاهل، آنها را در حد قدرت هدایت کنید.

س۵۸۸ : نظر جنابعالی در مورد اهل حق چیست؟ (با توجه به اینکه در هر فرقه ای تندرو نیز پیدا می شود)

باز تکرار می کنم این فرقه بسیار شعب دارد و اختلاف بین مرام هایشان زیاد است، نمی توانم تحت عنوان حکم چیزی بنویسم.

س۵۸۹ : رمز اتحاد و نصرت شیعیان جهان همواره در اقتدار و درایت مرجعیت شیعه بوده است، دفتر تاریخ روزگاری را در یاد دارد که فتاوای میرزای شیرازی، ابوالحسن نجفی اصفهانی، آخوند خراسانی آیت الله بروجردی و... جهان تشیع را به تحرک وا می داشت; اگر مرجعیت در نجف بود می توانست تهران و ایران را به جوش و خروش آورد و اگر در قم بود، عراق و لبنان را به تحرک وا می داشت، ولی اکنون به قدری تعداد مراجع زیاد شده است که متأسفانه مرجعیت حتی حالت کشوری خود را نیز از دست داده و به صورت قومی، قبیله ای و شهری در آمده است; آیا چنین مرجعیت پراکنده و پاره پاره و متعددی می تواند جهان تشیع

را - که در اصل محصور در مرزها نیست - به سر منزل مقصود برساند و از میان امواج فتنه ها و بلا عبور دهد؟ علاوه بر اینکه مرجعیت شیعه، از دید ما نیابت عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را برعهده دارد. آیا امام زمان به این تعداد زیاد نایب دارد؟ گفته می شود که بیش از صد رساله در بازار موجود است و بیش از بیست مرجع معروف و دارای مقلد زیاد وجود دارد. علاوه بر این اختلاف مراجع باعث گریز جوانان شده است، مثلا مسأله شطرنج و پاسور را در نظر بگیرید، برای سه شکل آن فتوا دیده اند، بعضی هر دو را حرام کرده اند، بعضی اولی را حلال و دومی را حرام و بعضی بالعکس عمل کرده اند و احتمالاـ بعضی نیز هر دو را حلال کرده باشند. پس به جوان امروزی حق بدهیم که با دیدن این وضعیت، مرجعیت را کنار گذاشته و به نظر شخصی خود عمل کند.

با توجه به چند نکته جواب سئوال ها روشن می شود:

۱. در موضوعاتی مانند رؤیت هلال و باب قضاوت، اگر یکی از مجتهدین حکم بکند به ثبوت هلال یا مثلا آنکه فلان مال متعلق به یکی از دو طرف نزاع است و امثال این امور، بر مجتهدین دیگر هم واجب است متابعت و مخالفت جایز نیست. مسائل سیاسی و حکومت اسلامی از این قبیل است؛ لذا در زمان مرحوم آیت الله کاشانی و دکتر مصدق با بعضی امور، بزرگترین مرجع وقت - مرحوم آیت الله بروجردی - مخالف بودند، ولی یک کلمه حرفی نزدند، بلکه تعریف مرحوم آیت الله

کاشانی را هم می نمودند.

۲. اختلاف مراجع در فتوی، هیچ تالی فاسدی ندارد; چون مسلمانان نباید تابع همه باشند، بلکه باید از یکی از آنها تقلید نمایند. مانند اختلاف اطباء در معالجات و آن شخص مرجع هم باید اعلم باشد.

۳. در زمان مرحوم آیت الله شیرازی و آیت الله اصفهانی و... مراجع متعدد بودند.

۴. بلی عده ای نااهل هم خود را داخل مراجع نموده اند، ولی ما می بینیم که مردم متدین با تحقیق و تفحص دنبال حق و حقیقت می روند و شواهدی دارم که صلاح نمی دانم متذکر شوم.

س۵۹۰ : فکر کردن توسط قلب در سینه; (أَلا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُواْ مِنْهُ أَلا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُور) ; «آگاه باش! که اینان صورت بر می گردانند تا راز سینه خویش پنهان دارند، حال آنکه بدان هنگام که جامه های خود در سر می کشند، خدا آشکار و نهانشان را می داند; زیرا او به راز دلها آگاه است».

(هَاأَنتُمْ أُوْلاء تُحِبُّونَهُمْ وَلاَ يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُواْ آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْاْ عَضُّواْ عَلَيْكُمُ الأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُواْ بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُور) ; «آگاه باشید! که شما آنان را دوست می دارید و حال آنکه آنها شما را، دوست ندارند. شما به همه این کتاب ایمان آورده اید، چون شما را ببینند گویند: ما هم ایمان آورده ایم و چون خلوت کنند، از غایت کینه ای که به شما دارند، سر انگشت خویش به دندان گزند. بگو: در کینه خویش بمیرید، هر آینه خدا از سینه های شما آگاه است».

اعراب در آن دوران،

از اینکه فکر کردن در مغز اتفاق می افتد اطلاعی نداشتند و فکر می کردند انسان توسط قلبش فکر می کند، درحالی که می دانیم قلب انسان، جز ماهیچه ای که خون را همچون تلمبه ای به حرکت در می آورد نیست. در سرتاسر قرآن، هرگز از کلمه مغز خبری نیست، همواره هرجا از فکر کردن و تدبیر کردن صحبت می شود، از سینه و قلب انسان سخن گفته می شود

این قضیه حتی در نهج البلاغه نیز دیده می شود:

«به رگهای درونی انسان، پاره گوشتی آویخته که شگرف ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است که چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن در او وجود دارد; البته این بدان معنی نیست که اعراب آن دوران نمی دانستند که انسان چیزی به نام مغز دارد و می دانستند که مغز وجود دارد، امادانستند که انسان با مغز خود تفکر می کند، و این نیز از موارد اشکال برانگیز قرآن است که محل تفکر را قلب انسان می داند».

از آیه شریفه سوره هود، آنچه من می فهمم، غیر از آن است که شما بیان فرمودید. چون«ثنا» به معنی «عطف» است. استخفا طلب خفاء است و همچنین استشفاء طلب شفا است. پس مراد از (یَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِیَسْتَخْفُوا)عقب بردن صدور و سینه ها و سرها را بزیرانداختن، تا اینکه آیات قرآن را نشنوند می باشد و چون استعمال کنائی از بلاغت کلام است و قرآن مشتمل بر آن است، این جمله کنایه است از این که اینها در مواقع خواندن قرآن خود را از پیغمبر و حاضرین پنهان می نمودند تا اینکه حجت برای آنها

تمام نشود. بعضـی گفته اند مراد از استغشاء ثیاب، استغشاء در خانه هاشان است، وقتی که می خوابند که این حالت خفی ترین حـالت است. خلاـصه معنای آیه این است که آنان هنگام قرائت قرآن خود را مخفی می نماینـد، در حالی که خداونـد عالم به اسرار است. خیال می کنم با این معنا، معنای آیه سوره آل عمران نیز معلوم می شود.

س۵۹۱ : تبـدیل مردم به بوزینه; (وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَواْ مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ قِرَدَةً خَاسِئِينَ; فَجَعَلْنَاهَا نَكَالاً لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ) ; «و شـناخته اید آن گروه را که در آن روز شنبه، از حد خود تجاوز کردند، پس به آنها خطـاب کردیـم: بوزینگـانی خـوار و خـاموش گردیـد; و آنهـا را عـبرت معاصــران و آینــدگان و انـدرزی برای پرهیزگـاران گردانیدیم».

این از اشـکالات وارده به قرآن است. ملتی به دلیل اینکه در روز شـنبه، از حـد خود تجاوز کرده انـد، به بوزینه تبدیل شده اند کـه در آن جـانوران به یکـدیگر تبـدیل می شونـد. روز شـنبه برای یهـود روز مقدسـی است و به یکـدیگر در این روز«شابـات شالوم» (تقریباً به معنی شـنبه به خیر) می گوینـد; یعنی حتی به نوعی دیگر در این روز به یکدیگر درود می فرسـتند، وخداوند در اینجا بندگان را می ترساند که اگر نافرمانی کنید، شما نیز مانند آنها بوزینه خواهید شد. رفتار خداوند با انسان بسیار توهین آمیز و تحقیر کننـده است، یـا حرف مرا گـوش کن یـا بوزینه ای خوار و خـاموشت خواهم کرد. خداونـد نیز سـعی می کنـد با انسان های خردمند، این گونه با تهدید ارتباط برقرار کند

و آنها را به اطاعت وا دارد.

این اشکال شما جزئی از اشکال کلی است که در کلمات بزرگان دین مانند شیخ الرئیس، محقق طوبی، علامه حلی، محقق اصفهانی و... عنوان شده وحاصل آن اشکال این است که خداوند تعالی گناه کاران را به عقوبات-اخروی که به مراتب از عقوبات دنیوی شدیدتر است یا به عقوبات دنیوی عقاب می کند؟ که جواب هایی بیان شده است از جمله اینکه خداوند عالم است به اینکه حفظ نظام لازم و آن ممکن نیست، مگر با قرار دادن تکالیف، و قراردادن تکلیف، بدون تخویف و وعید موثر نیست و بعد از تخویف اگر تصدیق نکند، با حکمت الهیه تنافی دارد; یعنی- نستجیر بالله- خدا دروغ گفته است، و مانند اینکه استحقاق عقاب بر مخالفت تکالیف شرعیه، خروج از رسم عبودیت است و آن ظلم است و ظالم مستحق عقاب است و این بحث نیز طویل الذیل و در شرح اشارات، ج۳، ص ۳۲۸ و شرح تجرید و... از کتب کلامیه مذکور است و ما هم در رساله جبر و اختیار بحث نموده ایم.

س۵۹۲ : زیستن در شکم ماهی; (وَإِنَّ یُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ; فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِیمٌ;فَسَاهَمَ فَکَانَ مِنْ الْمُدْحَضِینَ; إِذْ أَبَقَ إِلَی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ; فَلَوْلَا أَنَّهُ کَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِینَ; لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ; فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِیمٌ) ; «و یونس از پیامبران بود; ماهی ببلعیدش و او در خور سرزنش بود; قرعه زدند و او در قرعه مغلوب شد; چون به آن کشتی پر از مردم گریخت، پس اگر نه از تسبیح گویان می بود، تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند، پس او را که

بیمار بود به خشکی افکندیم».

از آرواره های ماهی و نهنگ و اسید معده ماهی و تمامی مسائل که بگذریم، معلوم نیست حضرت یونس در این مدت، چگونه زیر آب تنفس می کرده است.

قصه یونس مقداری در سوره انبیاء و مقداری در سوره «ن والقلم» و مقداری در سوره یونس، ذکر شده است، ولی تمام قضیه چون مورد حاجت نبوده ذکر نشده است. روایات وارده از فریقین شیعه و سنی نیز به همین نحو است که در قرآن بعد از کنار هم گذاشتن آیات به یکدیگر داستان فهمیده می شود. قصه یونس(علیه السلام) درکتب اهل الکتاب هم مذکور است و اشکال شما به آنها هم بر می گردد.

خلاصه شبهه بر امثال شما که ظاهراً دانشمندید، در زنده ماندن است؟ و با توجه به قدرت الهیه، خیال نمی کردم بر شما شبهه ایجاد شود، البته این امر برخلاف موازین طبیعت است، ولی خداوند در بعضی موارد اگر مصلحت نظام اجتماعی بشر اقتضاء کند، برخلاف موازین طبیعت عمل می کنند.

س۵۹۳ : آیا کفار مکلف به فروع هستند; مستدلا پاسخ دهید؟

کفار مکلف به فروع می باشند. دلیل آن قطع نظر از اجماع فقها اطلاق ادله احکام از آیات کریمه قرآن و روایات زیادی، مانند (أَقِيمُوا الصَّلاةَ)و (لِلّهِ عَلَى النّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا)و... مقید به اسلام نشده است. علاوه برآن بعضی آیات در تکلیف کفار به فروع صریح است، مانند قوله تعالی (وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكاةَ)، و (قالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ)، (فَلا صَدَّقَ وَ لا صَلّى)چنانچه تفصیل بخواهید به جلد ۹، فقه الصادق - دوره ۲۶ جلدی - ص ۱۹۸، مراجعه نمایید.

س۵۹۴ : آیا

شهدای جنگ تحمیلی مشمول آیاتی که در مورد شهدا در قرآن آمده می شوند؟

چنانچه جنگ به امر یک مجتهد عادل باشد، بلی، وگرنه نمی شود.

س۵۹۵ : پسری ۲۶ ساله و شیعه و دارای مدرک فوق لیسانس می باشم. ابهامی که برایم پیش آمده، خواهشمندم که من را راهنمایی فرمایید. موضوع نگرش اسلام به دختران و زنان است. من ضمن مطالعه قرآن، این سؤال برایم پیش آمد که هر جا صحبت از بهشت و پاداش آخرت می شود، به مواردی از قبیل باغ، میوه، نور، سلامتی، دوستی و دختران باکره اشاره می شود و در جایی هم که صحبت از نعمت های بهشتی شده، از دختران دوشیزه که به هیچ کس دیگری غیر از همسر خود عشق نمیورزند اشاره شده است. آیا دختران جز نعمت های بهشتیند و به عنوان ابزاری برای تشویق مورد استفاده قرار گرفته اند یا غیر از این است؟ پاداش اختصاصی که خداوند برای زنان ارائه کند چیست؟(مثل مورد دختر باکره که خدا به مردان وعده داده است.) البته لازم به ذکر است که من قصد ازدواج با یکی از افرادی که مورد علاقه ام است را دارم و وقتی موضوع خواستگاری را مطرح کردم و بعد از گفتگو متوجه شدم که او هم همان ابهام من را دارد و به من گفت که تا زمانی که ابهامش برطرف نشود، حاضر نیست اعمالی مانند نماز، روزه و... را به جا آورد و از من خواسته که قانع اش کنم. حال خواهشمندم که در صورت امکان هر گونه کمکی از قبیل معرفی منابعی برای مطالعه در این زمینه، می توانید به من ارائه

کنید.

خانم ها در بهشت متنعم می باشند، اولین ذکر بهشت قضیه حضرت آدم است که در آنجا آدم و حواء با هم بودند و در روز قیامت، کسانی که بهشت می روند، قبل از همه آن ها فاطمه زهراء وارد می شود و بعد از ایشان پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و انبیاء روایات زیادی وارد شده که خانم ها به بهشت می روند و با شوهری که در دنیا داشتند آمیزش می کنند.

حور العین و غلمان هر دو در قرآن است. مرحوم میرزای قمی در جامع الشتات، در جواب اینکه هر گاه کسی در دنیا زنی را بخواهد وبه خواسته اش نرسدوکسی دیگری با او ازدواج کند، و هر سه نفر به بهشت بروند، زن را به کدام شوهر می دهند؟ می فرماید این قدر باید دانست که در بهشت غم ودرد و اندوه نمی باشد، حق تعالی همه را خوشنود می کند و از بعضی اخبار ظاهر می شود هر کدام خوش اخلاق ترند به او داده می شود، در جای دیگر، می فرماید هر یکی از اهل بهشت چندان مملکت وسعت دارد که کمترین آنها کسی است که مملکت او به قدر تمام دنیا باشد. خلاصه هرچه بخواهد - چه مرد و چه زن به او داده می شود. پاداش خانم ها هم آن است که در قرآن می فرماید: (فِيها ما تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ)و این جمله برای همه است.

س۵۹۶ : احتراماً بیان فرمایید که دلیل عصمت چهارده معصوم و انبیا چه بوده است؟ عصمت به صورت اجباری و بدون اختیار یا کار خاصی به آنها اعطا شده است، آیا

این موضوع با عدل الهی در تضاد نیست؟

عصمت سه قسم است:

۱. عصمت از خطاء در تلقی وحی.

۲. عصمت از خطاء در تبیلغ و رسالت.

۳. عصمت از معصیت که آن عبارت است از: وجود امری در انسان معصوم که او را از وقوع در خطاء یا معصیت حفظ می کند، البته به نحو اقتضاء، نه علیت تامه، تا اجباری باشد. تفصیل این مطلب محتاج به بحث مفصلی است که نظیر آن را ما در رساله جبر اختیار نوشته ایم.

س۵۹۷ : علائم ظهور امام زمان را برای اینجانب تشریح نمایید.

علائم ظهور زیاد است؛ خروج سفیانی، قتل حسنی، کسوف شمس در نیمه ماه رمضان، خسوف ماه بر خلاف عادت طبیعی در آخر آن، قتل نفس زکیه در کوفه و ۷۰ نفر از مردان صالح، خراب کردن دیوار مسجد کوفه، خروج یمانی، ظهور مغربی در مصر، طلوع ستاره ای که روشنی آن، مانند روشنی ماه است و... که در کتب حدیث ذکر شده است.

س۵۹۸ : با توجه به آیه شریفه (لا ـ إِکْراهَ فِی الدِّینِ)، چرا یک فرد مسلمان زاده، اگر قبل از بلوغ با تحقیق و نه تقلید، دین دیگری را انتخاب کرد مرتد است و بعد از بلوغ باید کشته شود؟ آیا این مطلب با آیه شریفه مذکور منافاتی ندارد؟

معانی متعددی برای آیه شریفه شده است و بحث مفصلی است. یکی از آن معانی را نقل می کنم و آن این که مراد آن است، اکراه در چیزی که دین است نیست، چون دین عبارت از اعتقاد قلبی است و آن قابل اکراه نیست و اکراه بر اظهار شهادتین دین نیست.

س۵۹۹ : در اسلام در مورد دیه و

شهادت دادن زنان و قصاص مردی که زنش را می کشد و ارث و بسیاری موارد دیگر، بین این دو تفاوت هست. خواهشمند است بفرمایید که آیا این موارد تعبدی است و در منابع فقهی دلیلی برای آن ذکر نشده و یا دلیل خاصی در روایات برای این تفاوت ها بیان شده; در صورت امکان و بودن استدلالات، دلایل این گونه فرق ها بین زن و مرد را بیان فرمایید.

ما مسلمانان معتقدیم که پیغمبر اسلام (صلوات الله علیه)، از طرف خدای تعالی در تمام اجتماعیات و اخلاقیات و سیاست و اقتصاد و غیر اینها، مقرراتی آورده و ما باید به آنها عمل کنیم و آن مقررات در قرآن و روایات بیان شده. آن چه شما سؤال کردید، در قرآن و روایات ذکر شده است و اگر کسی بگوید اینها مدرک ندارد یا بی سواد است یا بی دین.

س ۶۰۰ : خداوند در قرآن بارها به بندگان وعده بهشت داده است و در وصف پاداش بهشت همواره حور و پری و زن های زیبا که دست هیچ مردی به آنها نرسیده است و... را متذکر می شود که همه آنها برای مردهاست. آیا خداوند در قرآن پاداشی را برای زن ها یاد کرده است اگر نه چرا؟ پس زن ها پاداشی در عوض اعمال نیکشان ندارند؟ اگر دارند منبع از قرآن ذکر فرمایید.

اولا- (يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدانٌ مُخَلَّدُونَ)موجود است و ثانیا حورالعین به حسب معنی مختص به زن نیست مرد هم ممکن است حورالعین باشد و ثالثا (فِيها ما تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ)دال است بر اینکه بهشتی ها هرچه بخواهند مهیا است به علاوه آیات قرآنی تنها کافی برای بیان

نیست، بلکه با ضمیمه کردن روایات به مطالب بیشتری می رسیم.

س۶۰۱ : چرا خداوند متعال در قرآن هیچگاه مستقیماً با زنان صحبت نکرده و همواره مسایل را خطاب به مردان مطرح می کند؟

خطاب به زنان در قرآن زیاد است؛ (قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ)، (یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ) و امثال این آیات زیاد است، اما در خطاب به هر دو طائفه ()«یا ایها المؤمنون» یا (أَقِیمُوا الصَّلاةَ) و... از قواعد زبان عربی این است که در مقام بیان دو عنوان تثنیه یا جمع را با استعمال یکی از آنها ذکر می کنند، مانند شمسین؛ یعنی شمس و قمر. بنابراین هیچ گونه بی اعتنائی به زن نیست.

س۶۰۲ : آیا این که تشریعات بر اساس تکوینیات است، مستندی دارد؟

این تعبیر قدری گنگ است؛ بهتر است که گفته شود احکام الله تابع مصالح و مفاسد در متعلقات است، البته آن مصالح و مفاسدی که حقیقتش را خدا می داند و گاهی آن مصالح ومفاسد علت تشریع است و گاهی حکمت.

س۶۰۳ : با یکی از دوستانم بحث می کردم، ایشان گفت چطور ما می گوییم قرآن کریم تحریف نشده، ولی تورات وانجیل تحریف شده است! من تا جایی که عقلم می رسید گفتم چون این آخرین دین خداست و کلام خداست. ایشان گفت، مگر آنها کلام خدا نبودند؟ چرا خداوند جلوی تحریف آنها را نگرفت؟ لطفا راهنمایی فرمایید.

خداوند در این دنیا بنا دارد که در امور طبیعی تصرف بر خلاف موازین طبیعی ننماید و فرمود (فَلَوْ شاءَ لَهَداکُمْ أَجْمَعِینَ)، ازاین رو معصوم(علیه السلام)می فرماید: «ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها» آنچه من در ذهنم هست آنکه اولین نسخه

انجیل بعد از هفتاد سال، بعد از مسیح، آن هم به دست یک یهودی نوشته شد و اما قرآن هر آیه ای که نازل می شد کاتبان وحی - که زیاد هم بودند - آن را می نوشتند.

س۶۰۴ : خواهشمند است دلیل این حکم الهی که چرا نماز انسان در سفر شکسته و روزه باید افطار شود را بفرمایید. در واقع با توجه به پیشرفت تکنولوژی که انجام مسافرت را آسان نموده است، ضرورت این حکم چیست؟ آیا این حکم به طور صریح در قرآن کریم نیز ذکر شده است، درکدام سوره و آیه؟

اگر این باب باز شود اشکالات زیادی وجود دارد، مثلاـ چرا نماز مغرب سه رکعت است اساساً در کجای قرآن نوشته شده است که نماز مغرب سه رکعت است یا بقیه عبادات. روایات معتبره بر این حکم دلالت دارند در قرآن هم به سوره نساء، آیه ۱۰۲، مراجعه نمایید.

س۶۰۵ : با توجه به این اعتقاد که زیارت عاشورا حدیث قدسی است و باتوجه به لعن ها و برائت های این زیارت و همچنین آیه (إِنَّ الَّذِینَ یُؤْذُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّهُ فِی الدُّنْیا وَ الاْخِرَهِ) و همچنین دعای قنوت امیرالمومنین(علیه السلام) و بسیاری موارد دیگر، اجازه ما برای تبلیغ دعای ضمنی قریش، تا چه حد است؟ و بیان فرمایید حضرتعالی پیرامون مجالس لعن، شرح مناجات مذکور و... چه عقیده ای دارید؟

زیارت عاشوراء سندش قوی و بسیار عالی است، ولی در صورتی که چه زیارت عاشورا و چه دعای ضمنی قریش و... عنوان ثانوی برآنها منطبق نشود، و چنانچه در جایی باشد که موجب تفرقه بین مسلمین بشود و مخالف تقیه باشد،

نبایـد خوانـده شود. قال الله تعالی (وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكَمْ)، (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) و روایات متواتری از معصومین(علیهم السلام) هم بر این مطلب دلالت دارند.

س۶۰۶ : آیـا حجـاب زن شامـل موی سـر او می شود؟ در قرآن به مقنعه اشـاره شـده که افرادی در دانشگاه در بحثی بیان می داشتند که چه معلوم مقنعه ای که قرآن در نظر داشته، موی سر را هم می پوشاند.

در قرآن به مقنعه اشاره شـده است، آیه حجاب، در سوره نور آیه ۳۲ چنین است (وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ...)علاوه برآن در قرآن احکام به طریق اجمال بیان شـده و تفصـیل آنها را باید به مقتضای حدیث ثقلین «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله وعترتی و لن یفترقا حتی یرد علی الحوض» که مورد اتفاق شیعه واهل سنت است، باید به اخبار اهل بیت(علیهم السلام)رجوع نمود، مثلا اینکه نماز مغرب ۳ رکعت است، از کجای قرآن می توانیـد اسـتفاده کنیـد؟ اکثر احکام از این قبیل است و شـما اگر به روایات رجوع کنید، ملاحظه خواهید نمود که روایات صریح است درلزوم پوشاندن موی سر.

س۶۰۷ : چرا اختیـار زن در مسـائلی ماننـد خارج شـدن از منزل یا رفتن به دیـدار خانواده خود یا مسائلی از این قبیل موارد، در دست همسر ایشان می باشد؟

دلیل آن روایاتی است که از ائمه معصومین(علیهم السـلام) رسـیده و در کتاب وسائل الشیعه ذکر شده است و ما هم در کتاب فقه الصادق مفصلا بحث کرده ایم.

س۶۰۸ : با توجه به

روایت «مثل عَلیِ فیکم کمثل الکعبه أنا الکعبه»

بفرمایید حج وهابی ها و سنی ها چه حکمی دارد؟ و استفتاء و نظر جنابعالی پیرامون این مسأله چه می باشد؟

روایتی که نقل کردید ربطی به سوال ندارد – معنی آن روایت در روایات دیگر بیان شده است فرموده اند مثل امام مثل کعبه است یؤتی ولایاتی یعنی باید رفت به سراغ او و او نمی آید به سراغ شما – و اما حج سنی ها نمی دانم چه جهت آن را سؤال می نمایید تا جواب دهم.

س ۶۰۹: نظر شما پیرامون مسأله ولایت فقیه و محدوده اختیارات آن چیست؟ و چه جایگاهی در ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) دارد؟

ولایت معانی متعدده دارد از جمله ۱. ولایت تکوینیه; یعنی قدرت تصرف در عالم کون به غیر طریق عادی که معجزات انبیاء از آن باب است. ۲. وجوب اطاعت در امور عادی که پیغمبر(صلی الله علیه وآله) و ائمه معصومین(علیهم السلام) دارای آن بودند، ۳. اولی به تصرف در اموال افراد از خودشان که معصومین دارای آن بودند، این مراتب را فقیه ندارد. ۴. ولایت به معنی اختیار تصرف در امور حسبیه که آن را هر مجتهدی دارد. ۵. تشکیل حکومت و اختیاراتی که در تمام ممالك رسم است و حاکم دارای آن است. این مقام متعلق به رهبر است. ۶. قضاوت که آن هم بر هر مجتهدی ثابت است.

س ۶۱۰ : برای اینکه عبادات برای ما تکراری نشود و دلزدگی ایجاد نشود، چه باید بکنیم؟

تکرار عبادات ثواب زیادتر دارد و برای زیادی شوق به عبادات، نیت خالص نمودن، لقمه حلال خوردن و معاصی را ترك کردن مؤثر است.

س ۶۱۱ : برای قویتر شدن

ایمان – با توجه به اینکه امروزه محیطها و زمینه های گناه زیاد است – چه باید بکنیم؟

توجه به اینکه لذتی که مدت آن کم است در مقابل آن عواقبی که ممکن است درعالم برزخ و بعد از آن داشته باشد و مختصری تفکر در ترک گناه خیلی مؤثر است.

س۶۱۲ : اگر به انسانی توجهات غیبی شود و شاید تا حد زیادی این اتفاقات نشانه داشتن احترام و ارزش در نزد پروردگار باشد، آیا بهتر است این توجهات غیبی را پنهان کند و به کسی نگوید و یا به دیگران گفته، تا شاید به این وسیله افرادی را تحت تأثیر قرار دهد. اینکه گفته می شود بعضی از مراجع و علماء چنین توجهاتی به آنها شده یا می شود; چرا برای عموم بر زبان نمی آورند، تا شاید افرادی تحت تاثیر قرار گیرند؟ آیات و روایات در این مورد به ما چه می گویند؟ آیا از ما می خواهند که پنهان کاری کنیم و یا نه آنها را بر زبان آورده و فاش کنیم؟

اگر منظور از توجهات غیبی زیارت ولی عصر(ارواحنا فداه) است که در این ایام عده ای ادعای رؤیت می کنند، آن امر نباید گفته شود. روایات معتبری داریم که هر کس در زمان غیبت ادعای رؤیت نمود او را تکذیب کنید. و اگر منظور غیر این موضوع باشد، چنان چه گفته شود عده ای موقعیت را مغتنم شمرده و با ادعای دروغ موجب وهن حقایق مسلمه می شوند.

س۶۱۳ : استخاره چیست و در چه مواردی باید استخاره گرفت؟ چه کسی می تواند استخاره را بگیرد و باید دارای چه شرایطی باشد؟ تا

چه حـدی می توان به اسـتخاره خود، اطمینـان کرد و چگونه می توان برداشت صـحیح را از مطـالب قرآن فهمیـد؟ نظرتـان در مورد کتابچه های اسـتخاره ای که در هر صـفحهء قرآن در مورد ازدواج، معامله و.. برداشت خود را نوشـته انـد چیست؟ تا چه حد می توان به آنها اطمینان داشت؟

اسـتخاره در امری که خیر، صـلاح، فساد و ضـرر آن معلوم نیست و با مشورت معلوم نباشـد، مشـروعیت دارد و کتاب هائی در این مورد نوشـته شده و نشـر کرده اند- که بعضـی عربی است - خوب است. من به اسـتخاره معتقدم و بدون استخاره هیچ کار مهمی را- که واجب نباشد- انجام نمی دهم، ولی کتابی که شما اشاره کرده اید ندیده ام تا قضاوت کنم.

س۶۱۴ : چه کنم که در زنـدگی امید به ظهور در دلم سـرد نشود و چگونه بفهمم که امام زمان(عج) از اعمالم راضـی است و اشتباهات من را نادیده گرفته است.

شمـا اگر دقت کنیـد که امـام زمان(علیه السـلام)اگر ظهور بنمایـد، دنیا پر از عـدل، صـفا، صـمیمیت و آبادی می شود، ممکن نیست ظهور آن بزرگوار در دلتان سـرد شود و اگر بخواهیـد بفهمید که از شـما راضـی است، توبه از گذشـته نموده و تصـمیم بگیرید که بعد از این بر خلاف دستورات شرع عمل ننمایید.

س۶۱۵ : اگر در ذهنم تصمیم قطعی بگیرم که زمانی اگر برخی شرایط و عوامل خاص فراهم شود، من به طور قطعی و صد در صـد مرتکب فلاـن گنـاه و معصـیت می شوم; با این فرض، خداونـد برای من گناهی می نویسـد؟ تازمانی که از محـدوده فکر تجاوز نکرده و به مرحله عمل نرسیده،

گناهی برای انسان نوشته نمی شود. آیا این جواب صحیح است؟

جوابی که آن روحانی داده اند بسیار متین و صحیح است و روایاتی از ائمه معصومین(علیهم السلام) هم بر همین مطلب دلالت دارند.

س۶۱۶ : روایات و احادیث فراوانی درباره فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد(صلی الله علیه وآله)و نیز فضیلت و ثواب لعن بردشمنانشان شنیده و خوانده ایم; ولی نمی دانم گفتن «اللهم العن الجبت والطاغوت» فضیلت بیشتری دارد یا گفتن «اللهم صل علی محمد وآل محمد». برخی از مردم لعن را برصلوات ترجیح می دهند وثواب و فضیلت آن را بیشتر می دانند و گروهی نیز صلوات را با فضیلت تر می شمارند. لطفا نظر مبارکتان را در این خصوص بفرمایید

روایات مختلف است، هر دو خوب است و جمع بین این دو بهتر است.

س۶۱۷ : آیا می توان چنین گفت که هدف از نماز خواندن، عبادت و بندگی خداوند و رسیدن به قرب الهی است. حال اگر کسی فوت کرد و مثلا ۱۰ سال نماز قضا داشت، در عالم برزخ دچار عذاب است. اینکه گفته می شود در صورتی که نماز قضای میت به جای آورده شود، از عذاب او کاسته می شود، چگونه قابل بیان است؟ با توجه به آنکه می دانیم نمازی را که ما برای میت می خوانیم، نه باعث رسیدن به قرب الهی برای میت می شود و نه فایده ای برای خداوند دارد. بنابراین چه چیز باعث می شود تا عذاب او کمتر شود؟ آیا در قیامت هم این عذاب کمتر میشود یا فقط این بحث برای برزخ است؟

۱. عبادات ما حتی در حال حیات، هیچ فایده ای

برای خدای تعالی ندارد.

۲. ترتب عذاب بر ترک واجب یا اتیان محرمات، تابع جعل شارع است و ربطی به قرب الی الله و عدم آن ندارد.

۳. دفع عذاب از میت نیز با جعل الهی است، خداوند فرموده است، اگر کسی نماز قضاء داشت در عالم برزخ، مادامی که نماز قضاء او را کسی نخواند معذب است و چنانچه خوانده شود، مانند قرضی که به کسی مدیون است داده شود، عذاب کم یا به کلی رفع می شود و بنده مطیع باید تابع فرمایشات حضرات معصومین(علیهم السلام) باشد.

س۶۱۸ : اگر کسی بخواهد برای میت اجیر بگیرد، تا نماز و روزه قضا را به جای آورد. در صورتی که اجیر پول را بگیرد و قبول کند که به جای آورد، اما بالفرض به جا نیاورد و ما هم ندانستیم که او بجای نیاورده است، آیا باز هم عذاب میت برداشته می شود یا خیر؟ بعضی از روحانیون می گویند عذاب از میت برداشته می شود و اجیر که نماز نخوانده گناه کرده است. بعضی هم می گویند علاوه بر آنکه فردی که اجیر شده گناه می کند، عذاب هم از میت، تا قضا را بجای نیاورد، برداشته نمی شود.

در خصوص حج روایت وارد شده است که با اجیر کردن شخصی از میت حج او تبدیل به حج در ذمه نائب می شود; اما در نماز و روزه چنین دلیلی نداریم، بنابر این در نماز و روزه، حرف دسته دوم بر حسب ادله صحیح است.

س۶۱۹ : در کتاب «داروخانه معنوی»، نوشته رضا مجاهد در صفحه ۹۹ چنین آمده است: امیرالمومنین(علیه السلام) فرمود: شنیدم از رسول خدا(صلی الله علیه

وآله) هر کس ترک کند نماز را از روی جهالت و نداند چقدر باید قضا کند، شب دوشنبه ۵۰ رکعت نماز بخواند با حمد و سوره، و روزه بگیرد روز دوشنبه را و ظهر دوشنبه نیز ۵۰ رکعت (۲۵ نماز دو رکعتی) با حمد و سوره بخواند و بعد از فراغت صد مرتبه استغفار کند این عمل مطابق با ۱۰۰ سال نماز قضا شده به حساب می آید. اما اگر بداند چقدر قضا دارد باید همه آن را بجای آورد.

می خواستم بدانم آیا واقعاً این مطلب صحیح است؟ مثلا من که نمی دانم چند سال نماز قضا دارم و حدس میزنم بین ۵ تا ۶ سال باشد، باید در حدود ۵ یا ۶ سال قضا بخوانم یا می توانم طبق روایت فوق عمل کنم؟ اگر مطلب فوق صحت دارد، آیا می توان برای میت هم این کار را، به جای خواندن تمام نمازهای قضایش (که نمی دانیم دقیقاً چقدر است)، انجام داد یا خیر؟

عمل به روایت فوق که نه سند صحیحی دارد و نه دلالت واضح، برای شما جایز نیست. شما باید به فقهاء رجوع کنید. همه فقهاء اسلام می گویند این عمل مسقط قضاء شخص زنده ومیت نیست.

س ۶۲۰ : منظور از آیات ۱الی ۶ سوره مجادله چیست؟

سوره مجادله، متضمن مطالب متعددی از حکم و آداب است، مقداری از آیات آن در حکم ظهار است که شش آیه اول آن سوره است و ظهار در نزد عرب جاهلی از اقسام طلاق بوده، مرد به زن خود اگر می گفته «انت منی کظهر امی»، زن از او جدا و حرام ابدی می شده است، در بقیه

مطلب آن سوره به تفاسیر مراجعه فرمایید.

س۶۲۱ : آیا کسی می تواند ادعا کند که ایمانش به خدا و روز جزا و اصول دین را داراست و احتیاجی به «واسطه» ندارد؟ منظور از واسطه، مسجد، کعبه، امام، امامزاده، خواندن نماز و روزه و... است.

کلامی است غیرمنطقی و غیرعقلایی، چون ارتباط با خدا، بدون واسطه پیغمبر(صلی الله علیه وآله)غیرممکن است.

س۶۲۲ : در روایت آمده است: عمر «حی علی خیرالعمل» را از اذان حذف کرده است و بدین سبب بدعت در اذان به وجود آورده است. حال ما که در اذان «اشهد ان علیا ولی الله» را ذکر می کنیم، بدعت حساب نمی شود؟

عمر، حی علی خیر العمل، را حذف نمود با تصریح به اینکه روایتی دال بر آن نیست، بلکه به واسطه اینکه مردم از جهاد سست می شوند، چون نماز بهترین عمل است و مجزی از جهاد است; ولی شیعه روایت از امام صادق نقل می کنند که هر وقت شهادتین گفتند، شهادت به ولایت و امیرالمؤمنین بودن حضرت علی(صلوات الله علیه) بدهید. بعلاوه روایت مفصلی دال بر مطلوبیت این جمله در اذان و اقامه وجود دارد.

س۶۲۳ : مدتی است که سوالی برایم مطرح شده می خواستم بدانم که اگر کسی به ولایت فقیه به این شکل که در کشور عزیزمان است، اصلا اعتقادی نداشته باشد، مسلمان و شیعه باقی می ماند یا خیر؟

ولایت از مسائل اختلافیه است که نه از اصول دین است، نه از اصول مذهب و نه از ضروریات. و مخالف نه خارج از مذهب است نه خارج از دین.

س۶۲۴ : آیا روز قیامت همان روزی است که امام زمان ظهور می

کند؟ (لطفاً برایم کامل توضیح دهید).

خیر، روز قیامت بعد از ظهور امام زمان(ارواحنا فداه) است که ایشان وقتی ظهور کنند، دنیا پر از صفا، صمیمیت، امنیت، رفاه و آسایش می شود. بعد از مدتها که بگذرد آن وقت قیامت خواهد شد.

س۶۲۵ : نظر حضرتعالی در مورد فلسفه چیست، آیا حضرتعالی فلسفه را به عنوان یک علم الهی یا علم بشری قبول دارید، آیا به نظر شما این علم می تواند ما را به خدا برساند یا برعکس می باشد؟

علم فلسفه علم بشری و دارای مطالب دقیقه علمیه است و بزرگان این علم، مانند فیض کاشانی در آخر عمر خودشان رساله ای در ردّ بعضی از مطالب این علم نوشته اند و از آنها تبری جسته اند، مرحوم آیت الله آملی کتابی دارد در ذیل یکی از مطالب فلسفی بعد از اینکه، به صورت مفصل تحقیق کرده در حاشیه نوشته است که من خدا را شاهد می گیرم که به این مطالب عقیده ندارم و عقیده من همان است که از طریق ائمه بیان شده و هکذا بقیه از بزرگان فلاسفه متدین.

س۶۲۶ : پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله)فرموده اند: امت من در آینده به بیش از هفتاد فرقه تقسیم می شود که جز یکی همه در آتشند. همچنین در خطابه غدیر فرموده اند: کسی که از علی(علیه السلام) و فرزندان او تا روز قیامت پیروی نکند در جهنم جاودانه است. خود مولا علی(علیه السلام)فرموده اند: جز شیعیان من همه گمراه اند. با توجه به احادیث مذکور آیا همه اهل تسنن و شیعیان غیر اثنا عشری، مغضوب خداوند و و اعمالشان حبط و نابود است؟

باید توجه داشته

باشیم که همه این طوائف ۲ قسم اند: جاهل مقصر و جاهل قاصر. تمام این عقوبات متعلق به دسته اول است و دسته دوم عقاب ندادند و تفصیل محتاج بوقت بیشتر است و درعلم کلام مستوفی بحث شده است.

س۶۲۷ : آیا این ادعا درست است که بعضی امام زمان(علیه السلام) در خواب یا بیداری می بینند، آیا می توان امام (علیه السلام) را در این زمان دید؟

ادعای رؤیت، در خواب ممکن است، ولی روایات معتبره دلالت دارد براینکه هرکس ادعا کند من امام را در بیداری دیده ام او را تکذیب کنید. من نمی گویم دیدن امام ممکن نیست، بلکه مراد این است که کسی که امام را ببیند و بگوید. پس هر کس که ادعا کند دورغ می گوید، ولی بسیاری از علماء بزرگ و غیر علما قطعاً آن حضرت را دیده اند.

س۶۲۸ : آیا اراده و اختیار انسان در مقدراتی که شب قدر برای او تقدیر می شود، تأثیر و دخالتی دارد؟ به طور مثال آیا تلاش و کوشش انسان موجب تغییر در کم یا کیف روزی مقدر او می شود یا خیر؟

چون در دنیا خدای تعالی بنا ندارد که امور بر خلاف موازین طبیعت انجام گیرد، مسلماً کوشش شما اثر دارد.

س۶۲۹ : روایت حضرت فاطمه(علیها السلام) که فرموده برای زن بهتر است که هیچ مرد نامحرمی او را نبیند و او مرد نا محرمی را نبیند، چه قدر اعتبار دارد؟

بله چنین روایتی معتبر است، ولی دقت کنید که فرموده است بهتر است و نه لازم است.

س۶۳۰ : می خواهم تهذیب نفس کنم، من را در مورد اینکه چه کتاب هایی را بخوانم

و هر کار دیگر که مربوط به آن می شود راهنمایی کنید.

عامل دعا، تقوی و عدم ارتکاب محرمات، بجا آوردن واجبات، خدمت به مردم و دستگیری از مستمندان به قدر وسیع موجب تهذیب نفس است و زیارت عاشورا تأثیر عجیبی در این امور دارد، همچنین خدمت به پدر و مادر.

مسائل متفرقه

س۶۳۱ : من عضو شرکت گلدکوئست شده ام و حالا می بینم که بسیاری از مراجع آن را حرام دانسته اند. مرجع تقلید من آقای... می باشد و می فرمایند که کار این شرکت شبه قمار است و حرام می باشد. آیا در این مورد می توانم از شما تقلید کنم؟

شبه قمار حرام نیست. چنانچه از کسی که تقلید می کنید، اهل خبره او را اعلم علماء اسلام می دانند، رجوع بغیر او جایز نیست و اگر بی منطق و دلیل، تقلید کرده اید، می توانید به دیگری عدول کنید.

س۶۳۲ : آیا نوشیدن آبجو بدون الکل، گناه و حرام است؟

آبجو که به حد اسکار نرسیده است حلال است و هیچ اشکال ندارد.

س۶۳۳ : حکم استفاده از عطریات و پیراهن های چرمی که از کشورهای غیراسلامی می آید با توجه به نداشتن اطلاعات درمورد ذبح حیوان و جنسی که در ساخت عطریات به کار می رود چیست؟

عطریات پاك است و اشکال ندارد. و اما پیراهن های چرمی که از کشورهای غیراسلامی تهیه می شود; چنانچه فروشنده مسلمان است محکوم به طهارت است و اگر مسلمان نیست، چنانچه بدانید از حیوان غیر ذبح شرعی شده گرفته شده است، نجس و نماز با آن باطل است; اما اگر احتمال می دهید که از پوست تهیه شده از کشور

اسلامی باشد، نماز در آن باطل است، ولی پاک است.

س۶۳۴ : آیا از منظر اسلام، کارهای فکری و مدیریتی و اجرایی چون تدریس، وکالت، سفارت، مدیریت شرکت ها و... می تواند آنقدر با ارزش تر از کارهای یدی، چون کار در مزرعه و کارخانه و معادن و... باشد که پاداش یک ساعت کار فکری ده ها برابر پاداش یک ساعت کار یدی باشد؟

قطعاً چنین است، چون مالیت امری اعتباری از اعتباریات عقلائیه است و اعتبار بر شیئی که مورد رغبت و میل افراد باشد، یا نظام اجتماع متوقف بر آن باشد و چون منافع و آثار اموری که از کارهای فکری و مدیریتی و اجرائی خیلی زیادتر از کارهای یدی است قهراً مالیت آن افزایش دارد و شارع مقدس هم امضاء نموده است.

س۶۳۵ : روایاتی که از امام صادق(علیه السلام) درآمد مشروع را به ۳۰ هزار درهم محدود می نماید، از نظر حقوقی در جامعه فعلی چگونه قابل به کارگیری و تدوین قانونی است؟

در روایات منتسب به ائمه اطهار- علیهم صلوات الله - باید اولا رعایت صحت سند بشود، بعد معارضات ملاحظه شود و بعد با قرآن مخالف نباشد و قیود دیگر و تمام این کارها به عهده مجتهدین است.

س۶۳۶ : آیا می توان علوم و فنون را در انحصار درآورد؟

چنانچه از اموری باشد که مردم در زندگی محتاج به آن باشند و از او هم تقاضای آن فن را بنمایند، با این حال بخل در بیان بکند، قطعا خلاف شرع است. امام صادق(علیه السلام) می فرماید «ایما مؤمن منع مؤمنا شیئا مما یحتاج الیه و هو یقدر علیه... اقامه الله یوم القیامه مسودا وجهه

مزرقه عیناه مغلوله یداه الی عنقه فیقال هذا الخائن... ثم یؤمربه الی النار».

س۶۳۷ : آیا استخاره هایی که خود انسان انجام می دهد قابل استناد هستند؟

استخاره برای فهمیدن حکم شرعی بی اساس است و قابل استناد نیست، استخاره فقط در کاری که خیر و شر عرفی چیزی معلوم نباشد و از طریق استشاره چیزی فهمیده نشود مورد قبول می باشد.

س۶۳۸ : مواد غذایی که برای مصرف از کشورهای غربی به کشورهای اسلامی فرستاده می شود مانند شیرینی، کنسرو ماهی و گوشت گاو آیا استفاده از آن حرام است یا خیر؟

مواد غذایی غیر از کنسرو ماهی و کنسرو گوشت که از کشورهای غیر اسلامی آورده می شود حلال است، و اما کنسرو ماهی اگر از دست مسلمان گرفته شود حلال است، و نیز اگر احراز شود که ماهی از آب گرفته شده است و در خارج از آب مرده است حلال است و اما کنسرو گوشت بره و گاو و غیر این دو که خوردنشان حلال است اگر از دست مسلمان گرفته شود حلال است وإلّا حلال نیست.

س۶۳۹ : بسیاری از برنامه های کامپیوتری توسط افراد بیگانه ساخته می شوند و سازندگان این برنامه ها در قبال دریافت مبلغ قابل توجهی برنامه های خود را به خریدار می فروشند. در کشور ما امکان دسترسی به فروشنده و خریدن نسخه اصلی وجود ندارد و به همین دلیل بسیاری از مردم مشغول به تکثیر این برنامه ها و ارائه به صورت مجانی یا در قبال مبلغی ناچیز می باشند. از آنجا که استفاده از برخی از این برنامه های کامپیوتری از نیازهای یک جوان امروزی است و نیز

دسترسی به نسخه های اصلی ممکن نیست آیا جنابعالی استفاده از نسخه های تکثیر شده را مجاز می دانید.

استفاده از نسخه های تکثیر شده که یک فرد مسلمان تکثیر نموده بی اشکال است.

س ۶۴۰ : برای برخی از افراد «آوازهای مطرب» هیچ تأثیری ندارد چه صدایی باشد یا نباشد فرقی ندارد! شنیدن چنین آوازی برای این گونه افراد، چه حکمی دارد؟

برای این گونه افراد هم شنیدن آواز مطرب حرام است.

نگاهی کوتاه به آثار حضرت آیت الله العظمی روحانی (مدظله العالی)

حضرت آیت الله العظمی سید محمدصادق حسینی روحانی در پنجم محرم سال ۱۳۴۵ / ۱۳۰۵ ش در شهر قم به دنیا آمد. ایشان پس از گذراندن دوران سطح، درس خارج فقه و اصول را در نجف نزد اساتیدی چون آیات: شیخ کاظم شیرازی، شیخ محمد حسین اصفهانی، شیخ محمدعلی کاظمی، سید ابوالحسن اصفهانی، و سید ابوالقاسم خویی فرا گرفتند. تحصیل وی در درس آیت الله خویی، که از یازده سالگی آغاز شده بود، پانزده سال به درازا کشید و پس از آن در سال ۱۳۲۹ ش به قم بازگشت و به تدریس علوم دینی مشغول شد. در کنار تدریس، به تألیف آثار فقهی و دینی نیز پرداختند که برخی از مهم ترین آنها عبارت است از:

۱- فقه الصادق (به زبان عربی): این کتاب بزرگ که به عنوان یک منبع مرجع شناخته شده است در ۲۶ جلد بارها در داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است. چاپ جدید آن به زودی در ۴۱ جلد (با ذکر منابع و مصادر) به چاپ خواهد رسید.

از تألیف کتاب عظیم جواهرالکلام که شامل تمامی ابواب فقه می باشد نزدیک به ۲۰۰ سال می گذرد و کتاب فقه الصادق اولین و

کامل ترین دایره المعارف تمام ابواب فقه در دو سده اخیر است. این کتاب که در سنین جوانی معظم له به رشته تحریر درآمده، مورد عنایت خاصه تمامی مراجع تقلید و بزرگان حوزه های علمیه است. این کتاب در میان علماء عامه نیز شناخته شده و مورد استناد است. کتاب «فقه الصادق» در دانشگاه های معروف غرب (بخش مطالعات اسلام شناسی) یکی از منابع مورد قبول و قابل استناد است.

۲- زبده الاصول (به زبان عربی): دوره کامل علم اصول فقه که به صورت بحث استدلالی ارائه گردیده است. این کتاب در ۶ جلد می باشد.

۳- منهاج الفقاهه (به زبان عربی): در ۶ جلد می باشد که حاشیه ای است بر «مکاسب» شیخ انصاری ۴ که به شیوه ای نو و ابتکاری تمامی موارد ارائه شده را بحث و بررسی کرده اند.

۴- المسائل المستحدثه (به زبان عربی): حضرت آیت الله مبتکر مسائل مستحدثه و ارائه مسائل جدید با ذکر مسائل فقهی، روایی هستند. این کتاب شامل ارائه مسائل جدید، نو و مورد ابتلای جامعه با ذکر دلایل و مستندات فقهی، روایی و قرآنی می باشد.

۵- تعلیق بر منهاج الصالحین در ۳ جلد (به زبان عربی)

۶- تعلیق بر عروه الوثقی در ۲ جلد (به زبان عربی)

۷- تعلیق بر وسیله النجاه (به زبان عربی)

۸- رساله در لباس مشکوک (به زبان عربی)

۹- رساله در قاعده لاضرر (به زبان عربی)

۱۰- الجبر و الاختیار (به زبان عربی)

۱۱- رساله در قرعه (به زبان عربی)

۱۲- مناسک الحج (به زبان عربی)

۱۳- المسائل المنتخبه (به زبان عربی)

۱۴- رساله در فروع العلم الاجمالی (به زبان عربی)

۱۵- الاجتهاد و التقلید (به زبان عربی)

۱۶- القواعد الثلاثه (به زبان

عربی)

۱۷- اللقاء الخاص (به زبان عربی)

۱۸- رساله توضیح المسائل (به زبان فارسی و اردو)

۱۹- تحقیقی در مورد جبر و اختیار (به زبان فارسی)

۲۰- نظام حکومت در اسلام (به زبان فارسی و ترکی و اردو)

۲۱- مناسک حج (به زبان فارسی)

۲۲- منتخب احکام (به زبان فارسی)

۲۳- استفتائات قوه قضائیه و مؤسسه حقوقیوکلای بین الملل(به زبان فارسی)

۲۴-احکام فقهی مسائل روز(به زبان فارسی)

۲۵- استفتائات (پرسش و پاسخ های مسائل شرعی) (به زبان فارسی): که تاکنون در ۴ جلد به صورت سئوال و جواب ارائه شده است.

۲۶- الف سئوال و جواب (به زبان عربی): شامل استفتائات و پاسخ های مسائل شرعی می باشد که در ۶ جلد تهیه شده است. هر جلد شامل ۱۰۰۰ سئوال و جواب است.

لازم به ذکر است ایشان رساله خود را پس از فوت آیت الله بروجردی در فروردین سال ۴۱، منتشر کردند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





برای داشتن کتابخانه های تخصصی دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹